مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

تولی و تبری از نگاهی دیگر

مهدی اسماعیلی



بسم الله الرحمن الرحیم

تولی و تبری از نگاهی دیگر

نویسنده:

مهدی اسماعیلی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

تولی و تبری از نگاهی دیگر

مشخصات کتاب

سرشناسه : اسماعیلی، مهدی، ۱۳۶۱ -

عنوان و نام پدیدآور : تولی و تبری از نگاهی دیگر/مهدی اسماعیلی.

مشخصات نشر : قم: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری : ۱۱۲ ص.

فروست : مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما؛ ۹۵۸.

شابک : ۷۰۰۰ ریال:۹۶۴۵۱۴۰۲۳۴

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۰۹] - ۱۱۲؛ همچنین به صورت زیر نویس.

موضوع : تولی و تبری.

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : BP۱۹۶/۶۵/الف۵ت۹ ۱۳۸۴

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۷۷۵

شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۶۱۲۳۸

ص: ۱

اشاره

فهرست مطالب

ص: ۵

ص: ۶

ص: ۷

...

دیباچه

اسلام، دینی است برخوردار از ابعاد فردی و اجتماعی. در حال حاضر، رویکرد اجتماعی ـ سیاسی به آموزه های دینی بسیار ضروری است. بدین منظور، افزون بر نگاه فردی، به فروعاتی مانند: نماز، زکات، حج، امر به معروف و نهی از منکر، از منظر اجتماعی نیز می توان نگریست. البته نگاه اجتماعی به آموزه های دینی، در واقع کوششی است برای اثبات حقانیت چیرگی احکام اجتماعی بر احکام فردی و رویارویی با تفکری که دین اسلام را به بُعد فردی فرو کاسته و قلمرو آن را به عبادت های فردی محدود کرده است. یکی از آموزه های اصیل و فروعات دینی اسلام که بُعد اجتماعی و سیاسی آن تقریبا بی توجه مانده و تفسیری یک سویه بر پایه جنبه فردی و قلبی از آن شده، آموزه «تولّی و تبرّی» است.

تولّی به مفهوم دوست داشتن خداوند، پیامبر و امامان و تبری به معنای دشمن داشتن دشمنان خدا و رسول و امامان، هر چند امری قلبی است می تواند نمودهای بیرونی و اجتماعی نیز داشته باشد. به عبارت دیگر، بیزاری از دشمنان خدا و پیامبر و همچنین دوست داشتن پیامبر و امامان، مرتبه نخست جایگاه تولّی و تبرّی است که در سفارش های بزرگان دین به آن اشاره شده است. البته باید هر فرد مسلمان و مؤمنی از آن برخوردار باشد، ولی این آموزه اسلامی می تواند جایگاه دیگری نیز داشته باشد و آن، رابطه با مسلمانان و حتی غیر مسلمانانی است که در حوزه جامعه اسلامی زندگی می کنند. همچنین ارتباط کشورهای اسلامی با دیگر کشورهای مسلمان، بر پایه تولّی و رابطه با دشمنان خارجی، بر اساس تبرّی است.

پژوهشگر ارجمند، جناب آقای مهدی اسماعیلی به منظور تفسیر اجتماعی آموزه «تولّی و تبرّی»، کوشیده است تا زوایای اجتماعی و سیاسی موضوع را بکاود و با نگرشی نو به این آموزه اسلامی، پی آمدها و آسیب های تولّی و تبرّی را در ارتباط میان مسلمانان با یکدیگر و حکومت اسلامی با دیگر کشورها تشریح کند.

با پاس داشت تلاش ایشان و انتظار بهره مندی صاحبان رسانه از پژوهش حاضر، امیدواریم این اثر گامی برای پژوهش های بعدی جهت آشنایی ژرف و بهتر با آموزه های ناب اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله باشد.

انّه ولی التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص: ۱۰

پیش گفتار

اهمیت و جایگاه موضوع

ایجاد روابط اجتماعی سالم و منطقی از دغدغه های همیشگی جوامع بشری و اندیشمندان مسائل اجتماعی بوده است. این مسئله، در ادیان آسمانی که رسالت هدایت و سعادتمندی انسان را برعهده دارند، اهمیت و حساسیت بیشتری می یابد. در میان ادیان الهی، دین اسلام به عنوان کامل ترین و آخرین دین، اهتمام ویژه ای در ایجاد روابط اجتماعی سالم در میان مسلمانان داشته است.

با نگاهی به آموزه های اسلامی، به دو آموزه شاخص در زمینه روابط مسلمانان با همدیگر و با غیرمسلمان ها خواهیم رسید که می توان از آن دو، به دکترین اسلامی در روابط اجتماعی ـ سیاسی مسلمان ها با همدیگر و غیرمسلمان ها تعبیر کرد. هرچند توصیه ها و احکام اسلام در زمینه روابط اجتماعی در جامعه اسلامی، تنها در زمینه «تولّی و تبرّی» نیست، می توان با تفسیر و نگاهی جدید به تولّی و تبرّی بسیاری از احکام و مسائل مذهبی اسلام را برخاسته از این دو آموزه الهی دانست. متأسفانه کمتر به بحث اجتماعی این دو فرع دین اسلام (تولّی و تبرّی) توجه شده و این دو اصل اجتماعی ـ سیاسی اسلام، به ویژه بخش اجتماعی ـ سیاسی آن روز به روز کم رنگ تر شده است.

از همین جا، به اهمیت بازشناسی این دو فرع دینی و شناخت جایگاه سازنده آنها در مسائل اجتماعی ـ سیاسی، چه در ابعاد داخلی و چه در ابعاد خارجی پی خواهیم برد.

افزون بر این، ضرورت نگاهی نو، اهمیت این دو اصل اسلامی را به خوبی روشن می سازد؛ زیرا «تولّی و تبرّی» اگر در سیاست اجتماعی به کار گرفته شوند، می تواند مسائل اجتماعی مسلمانان را در داخل جامعه اسلامی در رابطه با دیگر حکومت ها و جامعه ها متناسب با آرمان اسلامی سامان دهد و بسیاری از گرفتاری های اجتماعی کنونی

مسلمانان را اصلاح کند.

اگر تنها به جنبه و جایگاه قلبی این دو آموزه بسنده شود، نه تنها حفظ و تـدام آنها با تردید روبه روست، در عمل نیز در زمینه بهبود روابط میان مسلمانان کارآیی لازم را نخواهند داشت.

افزون بر این، باید دقت داشت که تولّی و تبرّی در سیره پیشوایان معصوم علیهم السلام به ویژه رفتار و سلوک علوی، در کنار یکدیگر بوده اند ؛ زیرا پرداختن به یکی و کنار نهادن دیگری، دوری از اهداف تشریح این دو آموزه است. نخستین بار که مفهوم تولّی به معنای دوستی قلبی و جدای از تأثیر و واکنش ظاهری و رفتاری و به صورت یک سویه و بی ارتباط با تبرّی به کار گرفته شد، پس از ماجرای سقیفه بنی ساعده و تفسیر نادرست از فرمایش رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله در غدیر خم در جهت اغراض و منافع سیاسی خلفا و حکومت آنها بود.(۱)

ازاین رو، یکی از بحث های کلیدی در زمینه «تولّی و تبرّی» قلمرو آنها در شریعت اسلامی است؛ به این معنا که آیا دوستی و محبت نسبت به پیامبران و ائمه اطهار علیهم السلام و مؤمنان، تنها یک بحث درونی و قلبی است یا اینکه افزون بر جایگاه درونی و قلبی باید به نمودهای عملی و بازتاب های سیاسی ـ اجتماعی آنها نیز توجه داشت. البته باید گفت در واقع، بازتاب های عملی و عینی، تکمیل کننده فعل قلبی در زمینه تولّی و تبرّی هستند و فقط جایگاه قلبی آنها نمی تواند هدف غایی اسلام و آموزه های وحیانی باشد.

خواجه نصیرالدین طوسی، در رساله «تولّی و تبرّی» این مطلب را به گونه ای دیگر بیان داشته است که بیان آن خالی از فایده نیست:

و تولا و تبرا را ظاهری است و باطنی، تولا را ظاهر آن است که روی فرا نیکان کنند و تبرا را ظاهر آنکه از بدان بیزار شوند و تولا را باطن آنکه روی فرا مرد خدا کنند؛ یعنی محقق یگانه که اصل همه نیکی ها اوست.

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۲/۲/۱۳۷۸.

و تبرا را باطن آنکه از هرچه جز اوست بیزار شوند و تولا به دو چیز ممکن شود:

به معرفت و محبت؛ چه تا مردم خدا را نشناسند و او را دوست ندارند، روی فرا او نکنند و معرفت، شناخت است و محبت دوستی.

و تبرا به دو چیز ممکن شود: هجرت و جهاد. هجرت، از غیر بریدن است و جهاد، کوشش کردن؛ چه تا از غیر او نبرّند و با دشمنان او کوشش نکنند، تبرا تمام نشود و این چهار چیز که تولا و تبرا بی آن تمام نیست؛ یعنی معرفت، محبت، هجرت و جهاد هریک را ظاهری است و باطنی.

ظاهر معرفت آن است که خدا رابشناسد و باطنش آنکه جز او نشناسد و ظاهر محبت آنکه او را دوست دارند و باطنش آنکه جز او را دوست ندارند.

و ظاهر هجرت آنکه از دشمنان او ببرّند و باطنش آنکه از هر چه جز اوست خاصه از خود و هوای خود ببرند و ظاهر جهاد آنکه با دشمنان او کوشش کنند و مال و جاه و زن و فرزند در راه او بذل کنند و باطنش آنکه شهوت و غضب و حب مال و حب جاه و بایست و نبایست در راه او نیست گردانند.(۱)

دقت در سخنان این متکلم مسلمان به روشنی دو جایگاه اساسی را در زمینه تولّی و تبرّی به دست می دهد:

جایگاه نخست: تولّی و تبرّی در این جایگاه به صورت دو فعل قلبی و درونی نمود و تجلی می یابد که «تولّی» همان دوستی خدا و پیامبران و دوستان آنها و تبرّی نیز بیزاری قلبی از دشمنان خدا، پیامبران، ائمه علیهم السلام و مؤمنان خواهد بود.

انسان مسلمان و مؤمن در این مرحله از لحاظ عاطفی و قلبی، قلب خود را از محبت و علاقه به خدا، پیامبران و ائمه اطهار علیهم السلام و مؤمنان پر می کند. در عین حال که از کافران و مشرکان یا به اصطلاح دشمنان حق و اسلام کینه و نفرت قلبی در دل دارد.

خداوند متعال در توصیف پیامبر و پیروان راستین او می فرماید:

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّهِ وَ الَّذینَ مَعَهُ أَشِدّا عَلَی الْکُفّارِ رُحَماءُ بَیَنَهُمْ. (فتح: ۲۹)

محمد صلی الله علیه و آله فرستاده خداست. کسانی که با او هستند، در برابر کافران، سرسخت و شدید و در میان خود مهربانند.

۱- نشریه مجله پزشکی کوثر، رساله تولّی و تبرّی، خواجه نصیر الدین طوسی، ش ۱۹.

همچنین در جای دیگر برائت و بیزاری از کفار را یادآور می شود و می فرماید:

قَدْ کانَتْ لَکُمْ أُسْوَهٌ حَسَنَهٌ فی إِبْراهیمَ وَ الَّذینَ مَعَهُ إِذْ قالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنّا بُرَءَا و مِنْکُمْ وَ مِمّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللّهِ... . (ممتحنه:۴)

برای شما در ابراهیم و همراهان او سرمشقی نیکوست. آن گاه که به قومشان گفتند: ما از شما و آنچه به جای خدا می پرستید، بری و برکناریم.

این بیزاری و تنفر قلبی نسبت به دشمنان اسلام و نیز دوست داشتن پیامبر و مؤمنان، اولین و کمترین جایگاه تولّی و تبرّی است که در توصیه های پیشوایان معصوم علیهم السلام به آن اشاره شده است. پیامبر بزرگوار اسلام خطاب به اصحابشان فرمود: کدام یک از شاخه ها و حلقه های ایمان محکم ترین است؟ برخی اصحاب گفتند خدا و پیامبرش داناترند. برخی اصحاب نیز پاسخ دادند، نماز، زکات و... . آن گاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: برای هریک از مسائل و اموری که شما برشمردید، فضل و کرامتی است که مخصوص آنهاست، ولی محکم ترین حلقه ایمان آن است که انسان برای خدا دوست بدارد و برای خدا دشمنی بورزد و با اولیاء الله «تولّی» و پیوند برقرار سازد و از دشمنان خدا «تبرّی» و دوری گزینند.(۱)

این فرمایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله بیشتر ناظر به مرتبه قلبی و درونی تولّی و تبرّی است، ولی باید توجه کرد که وجود این مرتبه در مسلمان از ضروری ترین امور در بحث تولّی و تبرّی است؛ زیرا اولاً- از سویی وجود دوستی و علاقه در میان مسلمانان نسبت به همدیگر سرچشمه بسیاری از ارتباط های اجتماعی صحیح می شود و در زمینه تبرّی نیز، با نبود تنفر و بیزاری قلبی نمی توانیم امید بازتاب های عملی را داشته باشیم.

افزون براین، از سوی دیگر ثواب یا کیفر کردارها در گرو درست بودن نیت قلبی انجام دهنده عمل است. چنان که، در حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

هرکس برای خدا دوست بدارد و برای خدا دوری و تبرّی بجوید... از مؤمنانی

۱- ثقه الاسلام کلینی، اصول کافی، ترجمه و شرح فارسی: آیت الله شیخ محمدباقر کمره ای، ۱۳۷۰، انتشارات اسوه، چ۱، ج ۴، ص ۳۷۵.

است که ایمانشان تکمیل شده است.(۱)

بـا تـوجه بـه ایـن نکته هـای لطیـف در موضـوع تـولّی و تـبرّی است که پیـامبر آن دو را از محکم ترین حلقه هـای ایمـان برای اصـحابش برمی شـمرد؛ زیرا ایجاد مرتبه قلبی در انسان مسـلمان سبب حرکت او در مسیر تولّی و تبرّی می شود و با مرتبه دوم، یعنی نمودهای عملی و عینی در روابط میان مؤمنان تکمیل می شود. ازاین رو، مرتبه نخست دارای اهمیت ویژه ای است.

نکته دیگری که در مرتبه قلبی اهمیت پیدا می کند، قصد قربت داشتن است؛ به این معنا که دوری گزیدن از کافران و دشمنان اسـلام و محبت ورزیـدن و ارادت داشـتن به اولیـاءالله بایـد همگی برای نزدیکی به خداونـد متعال باشـد؛ زیرا بی شک محبت ورزیـدن یا دوری گزیدن برای هدف های شخصـی و غیراسـلامی، از حیطه تولّی و تبرّی خارج است. ازاین روست که خواجه نصـیرالدین طوسـی شرط دین دار بودن را تولّی و تبرّی می داند و به این حدیث استناد می کند که: «الدِّینُ هُوَ الحُبُّ فِی اللَّهِ وَ الْبُغْضُ فِی اللَّهِ؛ دین دوستی در راه خدا و دشمنی برای خداوند است».(۲)

به هر صورت، در مرتبه نخست که بیشتر، تولّی و تبرّی در این جایگاه تعریف و تبیین شده است، انسان مؤمن و مسلمان در دل نسبت به دوستان خدا محبت و علاقه و در عین حال، از دشمنان خداوند تنفر و انزجار دارد.

جایگـاه دوم: این مرتبه را که بایـد تکمیل کننـده مرتبه نخست دانست، اهمیت دو چنـدانی دارد؛ زیرا تولّی و تبرّی در صورتی می تواند روابط اجتماعی را سامان دهد که این مرتبه به جایگاه نخست ـ مرتبه قلبی ـ پیوند داده شود.

در اینجا، تولّی و تبرّی در نمودهای عملی در رفتار مسلمانان در درون جامعه و

۱- ۴ .همان.

۲- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲، ج ۶۹، صص ۲۵۰ و ۲۵۱.

حکومت اسلامی و در ارتباط با حکومت های دیگر ظاهر می شود. این همان نگاه جدیدی است که می تواند به صورت یک معیار، روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... را در جامعه اسلامی به نحو مطلوب هماهنگ سازد. در این مرتبه باید به دو نوع رابطه و تفکیک آنها _ چه در داخل جامعه اسلامی و چه در روابط خارجی حکومت اسلامی _ توجه کنیم.

در بعد داخلی، با روابط مسلمانان با یکدیگر و روابط آنها با غیرمسلمان ها (اهل کتاب و غیر اهل کتاب) روبه رو هستیم که باید جداگانه به هریک پرداخته شود. از سوی دیگر، در بعد خارجی نیز با دو گونه رابطه نسبت به حکومت ها و کشورهای دیگر مواجه هستیم که شامل روابط با کشورهای مسلمان و کشورهای غیرمسلمان به صورت کلی می شود، ولی باید توجه داشت که در هریک ازاین روابط نکته های ظریفی است که در جای خود به آنها می پردازیم.

در زمینه رابطه مسلمانان با همدیگر در جامعه اسلامی، نمودهای عملی، در رفتار صحیح و دل سوزانه مسلمانان با همدیگر و احساس مسئولیت نسبت به همدیگر متجلی می شود که این مسئله، مصداق های زیادی را در روابط اجتماعی مسلمانان در درون جامعه اسلامی در پی دارد.

همچنین درباره غیر مسلمانان نیز رفتار اسلامی با اهل ذمه و غیر کتابی که معاهد یا مستأمن هستند، قابل بررسی است که در فصل های بعدی به این موضوع ها اشاره می کنیم. درباره رفتار حکومت اسلامی و حرکت آن بر مبنای اصل راهنما، یعنی تولّی و تبرّی باید گفت تولّی و تبرّی به عنوان دو مبنای دینی می تواند مهم ترین پایه و درست ترین رکن سیاست خارجی اسلامی قرار گیرند که در کنار اصول دیگر سیاست اسلامی، مانند دعوت، تألیف قلوب و... به آسانی مسیر درست و منطقی سیاست حکومت اسلامی را روشن می سازند.

در این جایگاه، تولّی در مورد حکومت اسلامی، در قالب همدردی با مسلمانان و حکومت های مسلمان و همین طور پشتیبانی و دفاع از مستضعفان جهان و داشتن روابطی دل سوزانه با آنها تجلی می یابد که امروزه، نمونه روشن آن حمایت از «فلسطین» است

که شاهد درستی بر رفتار حکومت اسلامی بر اساس «تولّی» در این مرتبه است.

تبرّی نیز در قالب موضع گیری حکومت اسلامی در برابر حکومت های طاغوتی و ستمگر و جریان های اجتماعی ـ سیاسی باطل و مبارزه عملی با آنها نمود می یابد. همان گونه که حضرت ابراهیم علیه السلام در برابر نظام نمرودی(۱) و باورهای باطل او برخورد کرد(۲) یا موضع گیری شدید رسول الله صلی الله علیه و آله در برابر مشرکان و کافران در این مرتبه قابل تأمل و درنگ است.(۳)

اکنون پس از آشنایی با اهمیت و ضرورت پرداختن به بحث «تولّی و تبرّی»، لازم است به هدف های پژوهشی در این زمینه نیز پرداخته شود تا اهمیت موضوع روشن تر گردد.

هدف های پژوهش

به طور کلی، از عمده ترین هدف هایی که این نوشتار در پی آن است، می توان به چند مورد زیر اشاره کرد:

۱. طرح و بررسی «تولّی و تبرّی» با نگاهی نو که افزون بر جنبه قلبی و فردی، جنبه اجتماعی و سیاسی را نیز در برمی گیرد. دلیل این امر نیز در ارائه این آموزه به صورت کاربردی و چاره ساز در جامعه و استفاده از این جایگاه در کار رسانه خلاصه می شود.

۲. ارائه تولّی و تبرّی به عنوان مبنای روابط اجتماعی نظریه اسلام در داخل و خارج

۱- نک: ممتحنه: ۶۰.

۲- ابوالفضل شکوری، فقه سیاسی اسلام، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ویرایش دوم، آذر ۱۳۷۷، ص ۴۲۴.

۳- ۸ .نک: سوره کافرون و موضع گیری خداوند و پیامبر در برابر کفار.

جامعه اسلامی. به عبارت روشن تر، فاصله گرفتن از طرح موضوع در چارچوب عمل قلبی و ارائه آن به صورت نظریه ای کاربردی با نمودها و مصداق های معین و مشخص که بتواند روابط اجتماعی مسلمانان را به خوبی اصلاح کند، در قلمرو این هدف جای می گیرد.

۳. پرداختن به آسیب شناسی موضوع که بتواند با بررسی آسیب ها و چالش های موجود در برابر «تولّی و تبرّی» با تبیین آنها، به ارائه راهکارهایی علمی و عملی بپردازد و با شناخت آنها مسیر زیر بنا قرار گرفتن «تولّی و تبرّی» در روابط اجتماعی ـ سیاسی مسلمانان را هموار سازد.

ص: ۱۸

بخش اول: کلیات

فصل اول: مبنای روابط اجتماعی

اشاره

فصل اول: مبنای روابط اجتماعی(۱)

پرسش مهمی که در این فصل در پی یافتن پاسخی منطقی و مناسب برای آن هستیم، این است که در واقع روابط اجتماعی مسلمانان و به طور کلی جامعه اسلامی باید بر چه مبنا و ملاکی تنظیم شود؟ به عبارت دیگر، یک مسلمان در درون جامعه اسلامی باید بر چه مبنایی با دیگر مسلمانان روابط اجتماعی داشته باشد و همین طور در مورد غیر مسلمانان چگونه باید رفتار کند؟

اهمیت این گونه پرسش ها، در درک درستی از احکام اسلامی در زمینه روابط مسلمان با مسلمان، مسلمان با غیرمسلمان، حکومت اسلامی با کشورهای مسلمان و حکومت اسلامی با کشورهای غیرمسلمان خلاصه می شود.

هرچند پاسخ این گونه پرسش ها در فصل های بعدی داده خواهد شد، در اینجا تنها در پی تبیین نظریه و ملاک دین اسلام در برقراری رابطه با دیگر مسلمانان و غیر مسلمانان هستیم. پیش از پرداختن به نظریه اسلام، با نگاهی به روابط اجتماعی در جوامع غیر اسلامی غربی این مسئله را پی می گیریم تا افزون بر آگاهی از مبنا و ملاک

۱- مبنای روابط اجتماعی، به معنای منشأ روابط اجتماعی نیست. ازاین رو، نباید این دو اصطلاح را با یکدیگر خلط کرد.

روابط اجتماعی در جوامع غربی، تفاوت ها و امتیازهای نظریه اسلامی نیز روشن شود.

۱. نظریه جوامع غربی درباره معیار برقراری روابط اجتماعی

الف) رابطه بر مبنای منفعت یا تئوری مبادله

این فرضیه بر این است که ساختارهای اجتماعی از مبادله های اجتماعی میان افراد برمی خیزد و نیز بیان می کند که در مبادله ها، افراد در پی آن هستند که نسبت داده ها و ستانده های خود را متوازن سازند.(۱) به طور خاص، براساس این دیدگاه، مردم وقتی به ایجاد روابط و حفظ آن اقدام می کنند که باور داشته باشند پاداش های آن، از هزینه هایش بزرگ تر و بیشتر خواهد بود. اگرچه این نظریه بیشتر در زمینه رابطه عمومی افراد مطرح شده است، می توان از ملاک آن در روابط اجتماعی غربی نیز بهره مند شد.

بنابراین دیدگاه، فرد هنگامی به پی گیری یا تقویت رفتار و رابطه ای در اجتماع گرایش پیدا می کند که یقین داشته باشد منفعت و سود مناسبی (بیش از هزینه اش) نصیب او خواهد شد. ازاین رو، طبیعی است که در چنین دیدگاهی، شخصیت، علقه های دینی، مذهبی و فضایل اخلاقی، محبت، هم دردی و... در کمیت و کیفیت رابطه های اجتماعی بی تأثیر است و تنها عاملی که میزان و نوع روابط اجتماعی افراد را تعیین می کند، منفعت فردی شخص است.

لازم به یادآوری است که منفعت، تنها به مسائل مادی و اقتصادی محدود نمی شود، بلکه هرچه از نظر فرد دارای ارزش و اهمیت باشد و فرد تنها براساس آن به برقراری و استمرار رفتاری در اجتماع اقدام کند، منفعت گرایی نامیده می شود.

مشکل اصلی و نقص بزرگ این نظریه، لحاظ نکردن میزان تأثیر خلق و خوی و علاقه های اشخاص در بعد کمی و کیفی روابط اجتماعی است؛ زیرا انسان بدون بعد عاطفی و علقه های معنوی خود نمی تواند حتی در روابط اجتماعی اش حرکتی ایدئال و

۱- کارل بوتان و وینسنت هزلتون، نظریه های روابط عمومی، ترجمه: علی رضا دهقان، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، ۱۳۷۸، ص ۹۲.

منطقی داشته باشد.

برقراری روابط بر ملاک و مبنای «نفع گرایی» و «مبادله» اگرچه در ظاهر امر، بسیار پسندیده است، روابطی از این سنخ، نه تنها انسان را به موجودی بی عاطفه تبدیل می سازد، بلکه جامعه را نیز موجودی بی روح می کند و در اینجاست که انسان احساس تنهایی و کمبود عاطفی شدیدی در خود احساس می کند و به درستی می فهمد که به دیگران نیاز دارد و این نیاز چیزی فراسوی منفعت مادی اوست.

ب) روابط بر اساس هم زیستی مسالمت آمیز

ب) روابط بر اساس هم زیستی مسالمت آمیز(۱)

در این دیدگاه، به منفعت شخصی و فردی تا جایی اهمیت داده می شود که در تضاد و تعارض با حقوق دیگران و قانون و نیز عرف متعارف قرار نگیرد. به عبارت رساتر، هرچند منفعت فردی در این نظریه، جایگاه ویژه ای دارد، به صورت کامل از منفعت دیگران اثر می پذیرد. دیگران از آن رو در این نظریه مورد توجه هستند که به هر حال، به عنوان عضوی از اجتماع، حقوق و خواسته هایی دارند که برای آنها محترم است و افراد دیگر نیز نباید بدون در نظر گرفتن این مسائل، علاقه ها و منافع خود را پی بگیرند.

هرچند در این دیدگاه، مسائلی مانند قانون، حق، محدودیت منفعت فردی و برخی اصول اخلاقی همانند احترام به حقوق دیگران در حد متعارف، رنگ و لعابی تازه به خود می گیرند، با نگاهی دقیق به این دیدگاه، خواهیم دید که اهمیت آنها در درجه دوم است و بازیگران اجتماعی و روابط اجتماعی تنها در حد بسیار ناچیزی به آن توجه می کنند.

روشن است در این نظریه نیز همانند دیدگاه پیشین، هم دردی، نوع دوستی، کمک به همدیگر، احساس دل بستگی به دیگران، عاطفه داشتن نسبت به دیگران، مهربانی، دل سوزی و... چندان جایگاهی ندارد و تنها رعایت برخی از این مسائل اخلاقی، به دلیل تن دادن به نوعی هم زیستی مسالمت آمیز و اجباری است که زندگی اجتماعی برای افراد پدید آورده است.

ص: ۲۱

۱- sisoibmys lufecaeP

۲. نظریه اسلام در زمینه معیار برقراری روابط اجتماعی

آنچه سبب تفاوت آشکار میان ملاک ها و معیارهای کشورهای غیراسلامی در برقراری روابط اجتماعی و نظر اسلام می شود، در نظر نگرفتن عنصر روحی و بعد معنوی در روابط اجتماعی از سوی آنهاست.

از نظر اسلام، رابطه اجتماعی براساس مبناهایی چون منفعت گرایی، هم زیستی مسالمت آمیز و... نه تنها بیان تمامی مطالب نیست، بلکه این گونه ملاک ها اهمیت و ارزش ناچیزی دارند.

از همین رو، اسلام با ارائه «تولّی و تبرّی» هم بر بعد روحانی و معنوی، تأکید ویژه کرده است و هم با برقراری پیوند عاطفی میان مسلمان ها و تفاوت قائل شدن در رابطه با غیرمسلمان ها، در تشکیل جامعه اسلامی هماهنگ و یک پارچه اهتمام داشته است. باید دانست رابطه حقیقی موجود میان فرد و اجتماع و همکاری آنها با همدیگر(۱) در آموزه های اسلامی، بر نوع نگاه به مسئله برقراری روابط اجتماعی نیز تأثیرگذار بوده و توجه ویژه ای را نسبت به علقه های مذهبی و فطری در پی داشته است.

دقت در این رویکرد، اهمیت مسئله «تولّی» و دلیل سفارش به آن را در میان مسلمانان روشن می سازد؛ زیرا طبیعی است پیوندهای روحی و فطری میان پیروان مذهبی همچون اسلام که دارای بعد روحانی و فطری زیادی است، به مراتب شدیدتر و پررنگ تر است. از همین رو، برای حفظ این رابطه ها، دستور «تبرّی» از کفار و رابطه با آنها نیز در نظریه اجتماعی اسلام به چشم می خورد.

برقراری رابطه براساس تولّی و تبرّی، نه تنها به پیوندهای عاطفی میان هم کیشان (مسلمانان) کمک می کند، بلکه به اصولی همچون دیگرخواهی، دوستی و ایثار و عاطفه انسانی ارزش ویژه ای می دهد؛ در حالی که برقراری رابطه با ملاک ها و مبانی زندگی غیر

۱- نک: سید محمدحسین طباطبایی، روابط اجتماعی در اسلام، ترجمه: جواد حجتی کرمانی، مؤسسه انتشارات بعثت، بی تا، ص ۱۵ به بعد.

اسلامی، ارزش این اصول را با تردید جدی روبه رو خواهد ساخت. ازاین رو، نظر اسلام؛ یعنی برقراری روابط اجتماعی اسلامی، با دیدگاه های غربی ها تفاوت های بنیادین دارد و به همین علت، پی آمدهای متفاوتی را نیز به دنبال خواهد داشت.

آنچه در نظر غربی ها کم اهمیت و شاید بی ارزش جلوه می کند، در نگاه اسلامی دارای ارزش فوق العاده ای است. برای مثال، مسائلی چون قرض الحسنه، کمک به ایتام، دستگیری از نیازمندان، صدقه و... نمی تواند در نظریه «منفعت یا مبادله» و یا «هم زیستی مسالمت آمیز» به صورت یک ارزش نگریسته شود؛ این در حالی است که اسلام با آموزه «تولّی»، توجه به این امور را به مسلمانان سفارش می کند و از داشتن رابطه ای بدون در نظر گرفتن علقه های دینی و مذهبی برحذر می دارد.

اسلام، جامعه اسلامی و مسلمانان را نه تنها به صورت فرد نمی بیند، بلکه تأکید بر همکاری، هماهنگی، تعاون، هم دردی، از خودگذشتگی و... از مسائل ابتدایی اسلامی است که به یک پارچگی مسلمانان و انسجام آنها خواهد انجامید. ازهمین رو، در ادامه خواهیم دید که پی آمدهای این نظریه ــ تولّی و تبرّی ــ و برقراری رابطه بر مبنای آن، بسیار متفاوت از دیدگاه های غربی است.

فصل دوم: مسائل مبنایی در زمینه تولّی و تبرّی

۱. تولّی و تبرّی در کنار یکدیگر

پس از تبیین این مطلب که مبنا و معیار برقراری روابط اجتماعی در آموزه های اسلامی تولّی و تبرّی است، باید در زمینه این دو فرع دین اسلام به چندین نکته نیز توجه داشت. از جمله این نکته ها، توجه به در کنار هم بودن «تولّی» و «تبرّی» در مسائل اجتماعی ــ سیاسی است؛ زیرا روشن است که اسلام دین یک سونگر و بی منطق نیست و ازهمین رو، جاذبه یا دافعه صرف در اسلام نمی تواند جایگاهی داشته باشد. اسلام برخلاف برخی مذاهب که تنها به جنبه محبت توجه دارند، به هر دو بعد قضیه نگاهی خردمندانه می کند. چنان که در احادیث و سخنان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار

علیهم السلام به هر دو جنبه سفارش شده است[(۱)] و هر دو در کنار هم از محکم ترین حلقه های ایمان[(۲)] دانسته شده اند. این نکته که از دقت در احادیث این بزرگواران به دست می آید، نوع نگرش و رویکرد اسلام به مسئله «تولّی و تبرّی» را نشان می دهد.

افزون بر جنبه های نظری مسئله، در بعد عملی نیز دقت در حکومت و سلوک علوی تأثیر بر هر دو جنبه را به درستی نشان می دهد. مؤلفه هایی؛ مانند برقراری عدالت اجتماعی، داشتن رحمت اسلامی نسبت به مسلمانان، نهی از پی گیری عیب دیگران، اهمیت یک پارچگی اجتماع مسلمانان، زدودن ستم و ستمگری، پشتیبانی از مظلوم، التزام به وفای به عهد و حقوق مردم، رعایت اخلاق اسلامی و... همه از تولای امام علی علیه السلام حکایت دارد و مواردی مانند برخورد با اصحاب جمل، خوارج، صفین و... تبرای امام علی علیه السلام را نشان می داد.[(۳)] نکته ظریف این موارد، در هماهنگ بودن مصداق های تولّی و مصداق های «تبرّی» در سیره علوی است؛ به گونه ای که تولّی در عین تبرّی و تبرّی نیز در عین تولّی رعایت می شود.

در نگاه به مسائل امروزی نیز، هماهنگ بودن این دو، چه در جنبه های داخلی و چه جنبه های خارجی کاملاً روشن است. به عنوان نمونه، اگر بنابر رعایت تولّی، رفتاری کاملاً برادرانه و دوستانه برای حکومت اسلامی الزامی است، در عین حال، بنابر اصل تبرّی، نداشتن رابطه دوستانه با رژیم اسرائیل نیز ضروری است.

در بعد رفتارهای داخلی نیز اگر رعایت اصل «تولّی» وجود علقه های عاطفی را در

ص: ۲۴

۱- بحارالانوار، ج ۶۹ ، صص ۲۵۰ و ۲۵۱.

۲- اصول کافی، ج ۴، ص ۳۷۵.

۳- نک: محمد محمدی ری شهری، موسوعه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام ، مرکز بحوث دارالحدیث، ۱۴۲۱ ه_ . ق، چ ۱، ج ۴.

میان مسلمانان سفارش می کند، بنابر اصل «تبرّی» داشتن روابط دوستانه و عاطفی با کافران و دشمنان خداوند و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام و مؤمنان نهی شده است.

بنابراین، روشن است که «تولّی و تبرّی» نه تنها در کنار یکدیگر معنا و مفهوم می یابند، بلکه در نگاهی عمیق تر، رعایت تولّی در روابط میان مسلمانان در عین رعایت تبرّی درباره کافران معنا می یابد. ازاین رو، باید ارتباطی تنگاتنگ میان این دو آموزه اسلامی رعایت شود.

۲. اهمیت جایگاه عملی تولّی و تبرّی

زمانی می توانیم از تولّی و تبرّی با عنوان نظریه اسلامی در برقراری روابط اجتماعی میان مسلمانان و غیر مسلمانان یاد کنیم که تفسیر ما از این دو فرع دینی چیزی فراتر از جنبه قلبی و درونی صرف باشد. بنابراین، با توجه به هدف این نوشتار، اهمیت جایگاه دوم در زمینه این دو فرع دینی در نخستین نگاه آشکار است.

افزون بر این، محدود ساختن تولّی و تبرّی به جایگاه قلبی، نه تنها سبب عدم کارآیی آن در مسائل اجتماعی ـ سیاسی می شود، بلکه این محدودیت در میان مدت به فراموشی و بی اثر شدن این آموزه های دینی خواهد انجامید و بدین سبب است که جایگاه عملی که به پی آمدهای بسیار کارآ و مهم چه در بعد روابط اجتماعی و چه در بعد روابط سیاسی حکومت اسلامی می انجامد، دارای اهمیتی دوچندان است.

البته تأکید بر اهمیت مرتبه دوم (عملی) در زمینه تولّی و تبرّی، نباید به بی اهمیت و یا کم اهمیت بودن جایگاه قلبی تعبیر شود؛ زیرا وجود و اهمیت جایگاه عملی زمانی آشکار خواهد شد که در بعد قلبی نیز این آموزه مورد توجه قرار گرفته باشد. همچنین بسیاری از نتایجی که در ادامه به آنها می پردازیم، برخاسته از مسائل عاطفی و قلبی میان مسلمانان است که از همین جا می توان به پیوند تنگاتنگ این دو مرتبه در شریعت اسلام دست یافت.

در نظر نگرفتن بعد قلبی؛ بعد اجرایی و عملی تولّی و تبرّی را با مشکل روبه رو می کند. از سوی دیگر، نبود بعد عملی و محدود شدن به مسائلی قلبی، پویایی و دوام این نظریه و دیدگاه اسلامی را با تردید مواجه می سازد. پس طبیعی است برای اینکه بتوانیم تولّی و تبرّی را به عنوان یک نظریه کامل در زمینه مبنای روابط اجتماعی ـ سیاسی مسلمانان مطرح کنیم، می بایست هم در بعد قلبی و هم در بعد عملی، آن هم به صورت تنگاتنگ از آن دو بهره گیریم و بعد عملی را که کمتر مورد توجه بوده است، به طور همه جانبه لحاظ کنیم و پی آمدهای ناشی از آن را در جامعه اسلامی بازشناسیم.

ص: ۲۶

بخش دوم: تولّی و تبرّی

فصل اول: تولّی

۱. مفاهیم

الف) معنای لغوی

«ولاء»، «ولایت»، «تولّی» و... همگی از ماده «وَ لَ ی» گرفته شده اند. این واژه در قرآن کریم ۱۲۴ بار به صورت اسمی و ۱۱۲ بار به صورت فعل به کار رفته است(۱) که این تکرار نیز قابل تأمل است.

معنای لغوی «ولاء» عبارت است از کنار هم قرار گرفتن، به صورتی که فاصله ای در میان نباشد.(۲) این معنا که معنای اصلی واژه «ولی» است، درباره قرب مکانی و قرب معنوی به کار رفته است، ولی باید توجه داشت که در کنار این معنای اصلی، معانی دیگری مانند نزدیکی، ولایت و تسلط و نیز دوست داشتن(۳) از این واژه به کار رفته است.

۱- مرتضی مطهری، ولاء و ولایت ها، انتشارات صدرا، ۱۳۷۶، چ ۱۱، صص ۱۳ و ۱۴.

۲- المنجد الابجدی، طهران، مؤسسه الفقیه، ۱۳۶۳، چ ۱، ص ۱۱۶۶؛ المعجم الوسیط، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸، چ۸، ص ۱۰۵۸.

۳- برای مثال، عبارت «ولایه الرجل» به معنی «أحِبُّه» به کار رفته است. (نک: المنجد الابجدی، ص ۱۱۶۶)

درباره تولّی نیز که از این ریشه گرفته شده است، باید گفت: از نظر لغوی تولّی بیان گر نوعی رابطه دوستی است که در شخص به وجود می آید و انسان از درون، خود را به دیگران نزدیک می بیند.

افزون بر این، در مورد تولّی، معنای تقلید و دنباله روی از کار یا امری نیز ذکر شده است؛(۱) به این معنا که اگر در کنار امر به چیزی به کار رود، نشان دهنده انجام آن امر و پیروی از آن است.

ب) معنای اصطلاحی

فضل بن یسار از امام صادق علیه السلام نقل می کند(۲) که از امام درباره حب و بغض پرسیدم؟

امام در پاسخ فرمود: مگر ایمان جز حب و بغض است و در ادامه، این آیه را تلاوت فرمود:

وَ لکِنَّ اللّهَ حَبَّبَ إِلَیکُمُ اْلإِیمانَ وَ زَینَهُ فی قُلُوبِکُمْ وَ کَرَّهَ إِلَیکُمُ الْکُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْیانَ أُولئِکَ هُمُ الرّاشِدُونَ. (حجرات:۷)

ولی خداوند (به لطف خود) مقام ایمان را نزد شما محبوب گردانید و آن را در دل های شما آراست و فسق و کفر و معصیت را زشت و منفور در نظرتان ساخت و اینان به حقیقت اهل صواب و هدایتند.

دوست داشتن اهل ایمان و مسلمانان مؤمن و به طور کلی، دوست داشتن کسانی که در مسیر حق حرکت می کنند، مقتضای آموزه اسلامی تولّی است.

از دقت در حدیث امام صادق علیه السلام و آیه مبارکه سوره حجرات می توانیم تولّی را

۱- نک: المنجد الابجدی، ص ۳۰۱.

۲- اصول کافی، ج ۴، ص ۳۷۷.

در اصطلاح اسلامی این گونه معنا کنیم؛ تولّی: دوستی ائمه اطهار علیهم السلامبه عنوان بالاترین درجه حقانیت در بعد قلبی و پیروی از این احساس و عاطفه مشترک (در مسیر حق بودن) برای داشتن رابطه ای کاملاً ـ عاطفی با شیعیان و دوستان آنان (مؤمنان و مسلمانان) در بعد عملی است که این نه تنها دستور خداوند است، بلکه فطرت آدمی نیز به این امر گرایش دارد.

۲. پی آمدهای عملی تولّی در روابط اجتماعی مسلمانان

اشاره

بیشتر کتاب هایی که در زمینه «تولّی» نوشته شده اند، تنها به بحث ولایت و در واقع، دوست داشتن اهل بیت علیهم السلامپرداخته و به جلوه های این آموزه در روابط اجتماعی مسلمانان به صورت گسترده توجهی نکرده اند. این در حالی است که نه تنها تولّی محدود به بحث ولایت نمی شود، بلکه جنبه های اجتماعی آن و تأثیرگذاری های این جنبه ها بر روابط میان مسلمانان، اهمیت ویژه ای دارند. براساس این نیاز، با چشم پوشی از تبیین تولّی در بحث محبت اهل بیت علیهم السلام به دلیل وجود کتاب ها و بحث های بسیار در این زمینه، به دیگر جنبه های تولّی می پردازیم که بیشتر به مرتبه دوم مربوطند و بحث هایی را پی می گیریم که بتوانیم از آنها تأثیرگذاری های عینی و محسوسی بر اجتماع مسلمانان انتظار داشته باشیم.

الف) ایجاد پیوندهای قلبی و عاطفی

از ابتدایی ترین نکته هایی که در بحث تولّی مورد نظر آموزه های اسلامی است، ایجاد علقه های روحی و عاطفی ژرف میان مسلمانان و به ویژه مؤمنان است.

پدید آمدن دوستی و پیوندهای عاطفی در مسیر قرب الی الله، رعایت مسائل دیگری؛ مانند گذشت، احسان و نیکی، احساس مسئولیت نسبت به همدیگر، صله رحم، حق همسایه، حفظ و احترام آبرو و حرمت یکدیگر، دوری از اهانت به یکدیگر و ده ها مورد دیگر را در پی می آورد.

ازهمین رو، شریعت اسلام بر روی نقطه حساس و کلیدی در این اصول و مسائل ارزشی تأکید کرده است و مسلمانان، به ویژه مؤمنان را به دوست داشتن یکدیگر و ایجاد

ص: ۲۹

پیونـدهای درونی و قلبی نسـبت به دیگر برادران ایمانی سـفارش می کنـد. پدیـد آمـدن پیوندهای عاطفی به صورت خودکار، دیگر اصول اخلاقی و ارزشی را نیز تحت تأثیر قرار می دهد؛ زیرا دوستی و محبت اجازه نمی دهد مسلمان کوچک ترین بدی را در حق دیگر مسـلمان روا دارد. این اهمیت تـا آن جـاست که بایـد گفت اگر احادیث خاصـی در باب مسائلی ماننـد تهمت نزدن، دروغ نگفتن و... وارد نشده بود، می توانستیم با آموزه ای همچون تولّی به صورت غیرمستقیم آنها را نتیجه گیری کنیم.

اهمیت دوست داشـتن مؤمنـان و به طور کلی حق (که شامـل انبیـا، ائمه اطهـار علیهم السـلام و دین می شود) تا جایی است که دین را بر این مبنـا تعبیر کرده انـد. امام باقر علیه السـلام می فرمایـد: «اَلـدِّینَ هُوَ الحُب وَ الحُبُّ هُوَ الـدِّین؛ دین، دوست داشـتن است و دوست داشـتن، همان دین است.»(۱) طبیعی است دوستی و محبت بایـد با هـدف نزدیکی به خـدا و برای او باشد؛ زیرا دوستی در اسلام، به یقین از دوستی برای دنیا و غرض ورزی های شخصی جدا و متمایز است.

دلیل سـفارش و تأکید دین اسلام بر ابعاد عاطفی و روحی، به ویژه در مسئله تولّی از حدیث معروف رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله قابـل درک و فهم است که فرمود: «حُبّک لِلشَّی ء یعمی و یصِمّ؛ دوست داشـتن یـک شـی ء انسان را کور و کر می کند».(۲) در حقیقـت، رابطه درونی نسبت به هر چیز، نـوعی تغییر آشـکار و محسوسـی را در انسـان به وجـود می آورد و روشن است که اگر این میـل عـاطفی نسـبت به مؤمنان و دوسـتان خداونـد باشـد، اولاً شدیـدتر و اسـتوارتر است و ثانیا رعایت مسائل اخلاقی و اصول انسانی روابط اجتماعی را موجب می شود.

در کنار سفارش های اکید اسلام بر ایجاد و تحکیم پیوندهای عاطفی میان مسلمانان

۱- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، مؤسسه الدار الحدیث، ۱۴۱۹ هـ . ق، چ ۲، ج ۲، ص ۵۰۳.

۲- ۲ . همان، ص ۴۹۸.

و مؤمنان، داشتن روابط دوستانه با کفار نیز نهی شده است:

«لاـ یتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْکـافِرینَ أَوْلِیـاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنینَ... ؛ افراد بـا ایمـان نبایـد به جای مؤمنان، کافران را دوست خود انتخاب کنند». (آل عمران: ۲۸)

لحن و صراحت این نهی در آیات دیگر شدیدتر است. به عنوان مثال، در آیه ذیل خداوند می فرماید:

الَّذینَ یتَّخِذُونَ الْکافِرینَ أَوْلِیاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنینَ أَیبْتَغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّهَ فَإِنَّ الْعِزَّهَ لِلّهِ جَمیعًا. (نساء: ۱۳۹)

به یقین، کسـانی که کـافران را به جـای مؤمنـان دوست خود برمی گزیننـد، آیـا عزت و آبرو نزد آنان می جوینـد یا اینکه همه عزت ها از آن خداوند است.

تأکیـد آیـات قرآنی بر دوری از دوستی بـا کافران(۱) و روایـت هـای فراوانی که در زمینه محبت و دوسـتی میـان مسـلمانان و مؤمنان وارد شده،(۲) همگی نشـان از تأثیر پیونـدهای روحی و عاطفی میان مسـلمانان است. ازهمین رو برای تقویت این علقه هاست که به صراحت از برقراری روابط دوستانه با کافران و مشرکان نهی شده است.

ب) خیرخواهی، دعا و حسن معاشرت

بازتاب دل بسـتگی های درونی و علقه های عاطفی که از تولّای مسـلمانان نسبت به همدیگر ناشی می شود، مسائلی را در پی خواهد داشت که از جمله آنها خیرخواهی و دعا در حق دیگر مسـلمانان و برادران دینی است. این مسـئله در احادیث پیشوایان معصوم علیهم السلام نیز مورد تأکید قرار گرفته است.(۳) امام صادق علیه السلام در حدیثی از رسول

۱- ۳ .نک: آل عمران: ۱۱۸ _ ۱۲۰؛ توبه: ۲۳، ۱۱۳ و ۱۱۴؛ ممتحنه: ۸ و ۹.

۲- ۴ .به عنوان نمونه دیگر، می توان به سفارش حضـرت علی علیه السـلام به کمیل اشاره کرد که می فرماید: «ای کمیل، اگر برادرت را دوست نداشته باشی، برادرش نیستی». نک: میزان الحکمه، ج ۱، ص ۳۹.

۳- اصول کافی، ج ۶، ص ۱۲۴.

اکرم صلی الله علیه و آله نقل می فرماید:

هیچ مؤمنی نیست که برای مردان و زنان مؤمن دعا کند، جز اینکه خداوند مانند آن چیزی که برای آنها دعا کرده است را به او برگرداند، از سوی هر مرد و زن مؤمنی که از آغاز روزگار در گذشته است یا تا روز قیامت به دنیا می آید. به راستی بنده ای باشد که روز قیامت دستور دهند او را به دوزخ برند و او را به سوی دوزخ کشند، ولی مردان و زنان مؤمن گویند: پروردگارا! این فردی است که برای ما دعا می کرد، شفاعت ما را درباره او بپذیر و خداوند شفاعت آنان را درباره او می پذیرد و او نجات می یابد.(۱)

همچنین، حسن معاشرت با مسلمانان از دیگر اموری است که در پرتو ایجاد علاقه های روحی و فکری در میان مسلمانان به وجود می آید. احادیث و سفارش های فراوانی در زمینه احسان و هم دردی با مسلمانان مستضعف، فقیر، نیازمند و به طور کلی کسانی که مشکل یا گرفتاری دارند، برای تقویت حسن معاشرت وارد شده است.(۲)

از بعد روان شناسی نیز وجود دوستی و علقه های عاطفی میان مسلمانان و جامعه اسلامی، مانعی جدی در ایجاد سوء معاشرت با آنهایی است که انسان خود را دوستدار آنان می داند. بنابراین، روشن است که وجود این علقه های عاطفی، حل بسیاری از رفتارها در روابط اجتماعی را در پی دارد.

ج) التزام عملی به امر به معروف و نهی از منکر

نکته مهم دیگری که یکی از فروع دین و در عین حال ناشی از مودّت ایمانی میان مسلمانان است، التزام عملی به امر به معروف و نهی از منکر است. طبیعی است تا انسان در قبال اعمال دیگران احساس مسئولیت نداشته باشد و خود را از نظر باورها و عواطف ایمانی و مذهبی با آنان همسان نبیند، هرگز از انحراف آنها رنجیده نخواهد شد تا بدین

۱- همان، ص ۱۲۷.

۲- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۹۷.

سبب بخواهد آنها را امر به معروف و یا نهی از منکر کند.

امر بـه معروف و نهی از منکر کـه امروزه در جـامعه اسـلامی مـا کمـتر بـه آن تـوجه می شـود، در صـورت تقـویت عواطـف و پیونـدهای مـذهبی میـان مسـلمانان خود به خود تجلی دوبـاره می یابـد. بر این اسـاس، خداونـد متعال نیز در قرآن کریم امر به معروف و نهی از منکر را پس از بیان ولاء و بحث تولّی مطرح می سازد که خود، تأکیدی بر این امر است:

الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِناتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِیاءُ بَعْضٍ یأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ ینْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ. (توبه: ۷۱)

مردان و زنان مؤمن بعضی دوست بعضی دیگرند؛ به معروف امر می کنند و از منکر باز می دارند.

اهتمـام بـه ایـن نکتـه قرآنی، می توانــد راه گشـای منـاسب و دقیقی در جهـت احیـای امر بـه معروف و نهی از منکر در روابط اجتماعی مسـلمانان در جامعه اسـلامی باشـد؛ یعنی وجود و دوام این فریضه دینی در گرو تقویت محبت های ایمانی و عواطف دینی در میان مؤمنان است.

البته با بودن این پیوندهای درونی در روابط اجتماعی مسـلمانان، هیچ گاه احساس مسـئولیتی که در قالب امر به معروف و نهی از منکر از سوی مسـلمانی نسـبت به دیگر مسـلمانان ابراز می شود، به تحکّم و برتری طلـبی تعبیر نمی شود. در این صورت، با واکنش های غیر اخلاقی از سوی کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می شوند نیز، روبه رو نخواهد شد.

د) حفظ آبروی مؤمنان

مورد مهم دیگری که در پرتو تولّی میـان مؤمنـان ایجاد می شود، کوشـش در حفظ و دفاع از آبروی آنها است. این مسـئله نیز که از پیوندهای روحی و علقه های مذهبی و عاطفی میان مؤمنان نسبت به همدیگر به وجود می آید، نکته دقیق دیگری از پی آمـدهای رعایت تولّی در جامعه اسـلامی است؛ زیرا احساس دل بسـتگی نسـبت به همـدیگر سـبب خواهد شد که انسان مؤمن آبروی دیگران را همچون آبروی خود محترم شمارد و در

حفظ آن کوشش کند.

در این زمینه، احادیث بسیاری نیز از پیشوایان دینی وارد شده است که اهمیت این موضوع را به خوبی نشان می دهد. در حدیثی از امام سجاد علیه السلام آمده است: «مَنْ کفَّ عن أَعْراضِ الْمُسلِمینَ اَقالَهُ اللّهُ عَزَّوَجلَّ عُثْرتُه یوْمَ الْقِیامهِ؛ هرکس از خدشه دار کردن آبروی مسلمانان خودداری کند، خداوند سختی روز قیامت را از او خواهد برداشت.»(۱) یا در زمینه ثواب دفاع از آبروی مسلمان از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: «مَنْ رَدَّ عَنْ عِرْضِ أخِیه کانَ لَه حِجابا مِنَ النّار؛ هرکس از آبروی برادر دینی اش دفاع کند، از آتش جهنم در امان می ماند.»(۲) و در حدیث دیگری می فرماید: «مَن رَدَّ عَنْ عِرْضِ أخِیه الْمُسلِمِ وَجَبْت لَه الجنّه اَلْبَتّه؛ هرکس از آبروی برادر مسلمان خود دفاع کند، بی گمان بهشت برای او واجب است».(۳)

تأکید بر کوشش برای پاس داشت آبروی مسلمانان و مؤمنان در احادیث ائمه اطهار علیهم السلام، ناظر به نگاه اجتماعی اسلام به اجتماع مسلمانان است؛ یعنی رویکرد اسلام نشان دهنده هم بستگی شدید مسلمانان با همدیگر و احساس مسئولیت و نیاز نسبت به دیگران در انسان مسلمان است. بدین جهت، وجود تولّی و مسائلی مانند اهمیت حفظ آبروی مؤمنان و ده ها مورد دیگر در آموزه های اسلام، تلاش دین اسلام را در شکل گیری این فرآیند نمایان می سازد.

همچنین تجربه عینی کم رنگ شدن این آموزه های دینی در جامعه اسلامی خودمان و پدید آمدن بسیاری از گرفتاری های اجتماعی امروزی، مانند هتک حرمت در روزنامه ها و جراید نسبت به اشخاص و احزاب و...، دلیل قاطعی بر اهمیت و حساسیت جایگاه

ص: ۳۴

۱- همان، ج ۵، ص ۱۸۶۸، ح ۱۲۱۶۲.

۲- همان، ص ۱۸۶۸.

۳- همان.

این امور در روابط درونی مسلمانان در جامعه اسلامی است.

ه) نهی از درگیری و سفارش به تراحم میان مؤمنان

قرآن کریم، به صراحت، اختلاف و درگیری میان مسلمانان را نهی کرده و پی آمدهای آن را این گونه بیان داشته است: «وَ لا تَنازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ؛ با همدیگر نزاع نکنید که سست و ضعیف می شوید و خاصیت خود را از دست می دهید.» (انفال: ۴۶)

منظور از «تذهب ریحکم» این است که اختلاف سبب می شود وحدت کلمه و شوکت و نیروی مسلمانان از میان برود.(۱) روشن است که عزت و شوکت مسلمانان در یک پارچگی و هماهنگی آنان است. چنان که، احادیث فراوانی مؤمنان را به دوستی و محبت با همدیگر و به اصطلاح تراحم میان خود سفارش کرده اند. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است:

با هم رابطه داشته باشید و به همدیگر نیکی کنید و با هم مهربان باشید و برادران نیکی برای همدیگر باشید؛ همان گونه که خداوند متعال شما را امر کرده است.(۲)

حضرت در حدیث دیگری به اصحابش فرمود:

تقوای خدا را پیشه کنید و برادران خوبی برای هم باشید، در راه خدا همدیگر را دوست داشته باشید، با هم رابطه داشته باشید و به همدیگر مهربانی کنید.(۳)

ص: ۳۵

۱- سید محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا، ج ۹، ص ۱۲۶.

۲- محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۶ ه . ق، ۱۳۷۴، ج ۱۲، صص ۲۱۵ و ۲۱۶.

۳- همان.

علت این تأکید بر دوستی و محبت به یکدیگر، در پی آمدهای اجتماعی آن خلاصه می شود؛ زیرا انسجام و همدلی جامعه در پرتو رعایت اصولی ماننـد: دوری از نزاع و محبت به یکـدیگر، افزون بر اینکه سـبب پررنگ شدن علاقه ایمانی میان مسـلمانان می شود، به اصلاح روابط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیز کمک شایانی خواهد داشت.

و) روابط سیاسی سالم

پیش از تبیین این مسـئله، درک و فهم درست یک نکته بنیادی و اعتقادی در حوزه تکثرگرایی سیاسی در اسلام ضروری است و آن اینکه در جامعه اسـلامی تکثرگرایی مطلق در حوزه سـیاست مشـروعیت نـدارد.(۱) بنابراین، احزاب غیراسـلامی، به دلیل مخالفت هدف ها و برنامه های حزبی شان با ارزش های شـریعت اسـلامی ــ که در قانون اساسی نیز به آنها تصریح شده است و احزاب باید براساس آن در عمل به باورها و تبلیغ هدف های سیاسی خود اقدام کنند ــ نمی توانند در جامعه اسلامی فعالیت سیاسی داشته باشند.

بنابراین، فعالیت احزاب و گروه های سیاسـی تنها در صورتی می تواند در اجتماع مسـلمانان ظهور یابد که حزب در چارچوب هـای اعتقـادی و ارزشـی دین اسـلام تعریف شـده باشـد و براسـاس آن به فعـالیت و تبلیغـات سیاسـی و دیگر کارهـای اجرایی بپردازد. گذشـته از این باور بنیادی در روابط سیاسـی درون جامعه اسـلامی، باید به برخی اصولی که فعالیت احزاب اسلامی و فعالان سیاسـی بر مبنای آن تنظیم می شود، توجه کرد. این ضوابط و اصول را می توان برگرفته از همان پیوندهای دینی و علقه های عاطفی در میان مسلمانان و مؤمنان دانست که تأثیر آن بر روابط سیاسی به این شکل نمود می یابد.

مهم ترین و نخستین اصلی که سرلوحه روابط سیاسی در جامعه اسلامی است، ایمان

۱- داوود فیرحی، الهیات اسـلامی، ۱، مبانی فقهی مشارکت سیاسـی، درآمدی بر اندیشه سیاسـی اسـلامی (مجموعه مقالات)، مرکز مطالعات فرهنگی ــ بین المللی، ۱۳۷۸، چ۱، ص ۳۷۶.

فعالان سیاسی، احزاب و گروه ها به اسلام و آموزه های شریعت اسلامی است. پذیرش این اصل اساسی، رعایت موارد زیر را در پی دارد: همکاری نداشتن با احزاب و گروه های غیر اسلامی چه در داخل و چه در خارج کشور، نداشتن همکاری با کافران و شرکت ندادن آنها در فعالیت های سیاسی حزب یا گروه(۱) مقابله و مبارزه سیاسی با احزاب غیر اسلامی یا احزابی که در تضعیف احکام اسلامی تلاش می کنند و همین طور مراقبت و دقت در تطبیق و استمرار فعالیت های حزب سیاسی بر مبنای مسائل اسلامی.(۲) اصل دیگری که متأسفانه امروزه احزاب و فعالان سیاسی کشور کمتر به آن توجه می کنند، رعایت احکام فقهی و شرعی در رقابت با احزاب رقیب است. لازمه این امر، به کار بستن ابزارهای شرعی در تبلیغات حزبی، جذب فعالان سیاسی و تنظیم اهداف و برنامه های اجرایی حزب است.(۳)

رعایت این ضابطه می طلبد که در رقابت سیاسی، هیچ گاه حزب به صفت های رذیله اخلاقی مانند: بهتان، دروغ گویی، تخریب شخصیت، ستم به حزب رقیب و... نگراید. در صورت عهده دار شدن حاکمیت سیاسی کشور، مصالح حزب و فعالان سیاسی هم فکر خود را بر منافع ملی و عمومی کشور ترجیح ندهد و گرایش های سیاسی خود را تا جایی پی گیرد که با این مصالح و منافع ناسازگار نباشند. افزون بر این، هیچ گاه به دلایل سیاسی صرف و نامشروع درصدد حذف حزب رقیب از صحنه اداره جامعه اسلامی برنیاید. همچنین به کار بردن حربه هایی مانند تکفیر حزب سیاسی اسلامی رقیب(۴) برای

۱- نک: مائده: ۵۱ _ ۵۷؛ توبه: ۲۳.

۲- الهیات اسلامی ۱، ص ۳۸۲ به بعد؛ مائده: ۴۱؛ بقره: ۷۵.

۳- همان، ص ۳۸۶.

۴- همان، ص ۳۸۷.

حذف آن، بی گمان با روابط سیاسی مورد نظر اسلام در آموزه هایی مانند تولّی و تبرّی فرسنگ ها فاصله دارد. ضابطه دیگری که لازمه روابط سیاسی اسلام بوده و با «تولّای اسلامی» منطبق است، حرکت حزب و گروه سیاسی در مسیر انسجام و یک پارچگی امت اسلامی است. به طور کلی، تمامی فعالیت ها در سطح جامعه اسلامی باید به منظور تقویت پیوندها میان مسلمانان باشد که روابط سیاسی نیز بر همین مبنا و اساس باید تنظیم و اجرا شود تا هدف نهایی اسلام که همان «امت واحده اسلامی» است، تحقق یابد.

ز) روابط اقتصادی سالم

روابط اقتصادی در جامعه اسلامی باید به گونه ای باشد که زمینه های رشد و بالندگی اقتصادی برای تمامی افراد جامعه اعم از مسلمان و غیرمسلمانانی که در لوای جامعه اسلامی هستند، فراهم باشد. به یقین، این روابط در میان هم کیشان (برادران دینی مسلمان) به مراتب قوی تر و پررنگ تر از روابط با هم نوعان (دیگر انسان های غیرمسلمان) است. دلیل این مسئله نیز در نگرش اقتصادی دین اسلام به موضوع هایی مانند:سرمایه داری،تکاثرگرایی،اشراف زدگی(۱) و عدالت اقتصادی در جامعه اسلامی است.

مبنای نگرش اقتصادی اسلام، بر تقویت «عدالت اقتصادی» و فراهم ساختن شرایط رشد استعدادها و زندگی مرفه برای مسلمانان است. از همین رو، روابط اقتصادی براساس تولای اسلامی می طلبد که با گسترش مسائلی همانند: فرهنگ قرض الحسنه، کمک به هم نوعان، دوری از رباخواری و سودجویی از روابط اقتصادی موجود میان مسلمانان، روابط اقتصادی جامعه اسلامی تنظیم شود.

پیوندهای ایجاد شده در اثر تولّی اجازه سوءاستفاده از موقعیت های اقتصادی، اشراف زدگی سرمایه داران جامعه اسلامی، جمع شدن ثروت جامعه اسلامی در دست

۱- اشراف زدگی به معنای شادخواری و ریخت و پاش های بی دردانه اشرافی است.

گروهی خاص، حاکم شدن فرهنگ و اقتصاد دلّالی، بی توجهی به فقیران و پای بند نبودن به احکامی مانند خمس (مالیات اسلامی) و زکات را از تعامل های اقتصادی مسلمانان سلب می کند و از سوی دیگر نیز، در روابط اقتصادی مسلمانان عدالت اقتصادی را به همراه می آورد.

۳. نمودهای تولّی در روابط حکومت اسلامی با دیگر کشورها

اشاره

تولّی، در روابط حکومت اسلامی با دیگر کشورها اعم از مسلمان و غیرمسلمان، به معنای اولویت دادن به برقراری رابطه با کشورهای مسلمان و مستضعف و نیز کشورهای غیرمسلمان غیرمتجاوز است؛(۱) چرا که اسلام، دین رحمت و رأفت نسبت به بندگان خداست و تمامی مردم را به اخلاق، نرمی، مدارا، محبت و همکاری فرا می خواند (اصل دعوت). با نگاه به احکام اسلامی می توان دریافت که در دیدگاه اسلامی همه بندگان و انسان ها تحت سرپرستی خداوند دانسته شده و محبوب ترین آنها، مفیدترین آنان معرفی شده اند. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است که خداوند متعال می فرماید:

اَلْخَلْقُ عیالی فَأَحَبُّهم اِلی اَلْطَفُهَم بِهم وَ أَسْعاهُم فِی حَوائِجهم.(۲)

مردم تحت سرپرستی من هستند؛ پس محبوب ترین آنها نزد من مهربان ترین و کوشاترین آنان در برآوردن نیازهای مردم است.

اسلام، احترام به انسانیت و تکریم آن را شامل تمامی انسان ها می داند و ابراز عواطف و رعایت جنبه های عالی اخلاقی و انسانی را به صورت ریشه دار، می توان در

۱- محمد رضا دهشیری، درآمدی بر نظریه سیاسی حضرت امام خمینی رحمه الله، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰، چ۲، ص ۲۱۸.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۹.

اعمال و رفتار و سیاست خارجی اسلامی مشاهده کرد.(۱)

گفتنی است عدالت و نیکی که البته متفاوت با دوست داشتن است، تنها شامل هم مذهب نمی شود، بلکه با نگاه به آیات، روایت ها و سیره پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام می توان احترام و نیکی کردن به غیرمسلمانان را استنباط کرد. از جمله این دلایل، قرآن کریم است که به صراحت، این تفکر را که احترام به نیکی، تنها شامل هم کیش است، مردود می داند:

لاینْهاکُمُ اللّهُ عَنِ الَّذینَ لَمْ یقاتِلُوکُمْ فِی الدِّینِ وَ لَمْ یخْرِجُوکُمْ مِنْ دِیارِکُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَیهِمْ إِنَّ اللّهَ یحِبُّ الْمُقْسِطینَ. (ممتحنه: ۸)

خداوند متعال شما را باز نمی دارد از کسانی که با شما در دین مقاتله و جنگ نکرده اند و شما را از خانه هایتان بیرون نرانده اند که نیکی کنید به آنان و دادگری کنید، همانا خداوند دادگران را دوست دارد.(۲)

با توجه به این آیه کریمه و استفاده از وحدت ملاکِ احادیثی که مسلمانان را به رفتار اسلامی و اخلاق حسنه به غیرمسلمانان موظف می کند، می توان این گونه نتیجه گیری کرد که در روابط حکومت اسلامی، برقراری رابطه، منحصر به کشورهای اسلامی نیست. این رابطه دادگرانه و نیکوکارانه در مورد کشورهای غیرمسلمان و غیرمتجاوز و غیراستکباری نیز مطرح است، ولی در مورد کشورهای مستکبر و کافر متجاوز بدون شك باید آحاد امت اسلامی و کشورهای اسلامی موضع گیری انکاری

۱- ناصر قربان نیا، اخلاق و حقوق بین الملل، پژوهش گاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها سمت، ۱۳۷۸، چ۱، ص ۲۰۷.

۲- در اصل ۱۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با استناد به این آیه، دولت رعایت اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی را نسبت به افراد غیرمسلمان تا هنگامی که بر ضد اسلام و حکومت اسلامی توطئه و اقدام نکنند، برعهده گرفته است.

تبرّی را به ظهور رسانند. با دقت در سخنان حضرت امام خمینی رحمه الله نیز روشن می شود که رابطه حکومت اسلامی نه تنها به کشورهای مسلمان محدود نیست، بلکه ایشان روابط مسالمت آمیزی همراه با اصول اخلاقی اسلامی را در مورد دیگر کشورها ــ البته به شرط استکباری و متجاوز نبودن ــ نیز ساری و جاری می داند.

اسلام نه تنها سرجنگ و ناسازگاری با هیچ کشوری ندارد، بلکه صدور اسلام را نیز با دعوت و تألیف قلوب و اصول انسانی همراه کرده است که این امر، اوج اخلاق اسلامی را حتی در سیاست خارجی حکومت اسلامی بیان می دارد. حضرت امام خمینی رحمه الله دراین باره می فرماید:

مایی که می خواهیم اسلام در همه جا باشد و می خواهیم اسلام صادر بشود، ما که نمی گوییم می خواهیم با سرنیزه صادر بکنیم. ما می خواهیم با دعوت، به همه جا اسلام را صادر کنیم. ما می خواهیم یک الگویی از اسلام در عالم ــ ولو یک الگوی ناقصی باشد ــ نشان بدهیم که همه عقلای عالم غیر از آنهایی که جنایت کاران بالذات هستند، همه ملت های مظلوم بفهمند که اسلام چی آورده و می خواهد چه بکند در دنیا.(۱)

بدیهی است اسلام سر نزاع با کسی ندارد، ولی در برابر قدرت های چپاولگر و استعماری با قدرت تمام می ایستد و برخورد می کند. همچنین کشورهای غیرمسلمان متخاصم و مداخله گر هم، از برقراری روابط بر معیار تولّی و اصول اخلاقی مستثنا خواهند بود و با تبرّی و موضع گیری منفی آحاد امت اسلامی و دولت اسلامی روبه رو خواهند شد.

در این قسمت به فراخور موضوع بحث، تنها به مورد تولّی و روابط دوستانه با کشورهای اسلامی و غیراسلامی مستضعف و غیرمتخاصم می پردازیم و دراین باره از سخنان بنیان گذار انقلاب، حضرت امام خمینی رحمه الله نیز بهره می بریم.

۱- امام خمینی رحمه الله، صحیفه امام، مجموعه آثار، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۹، چ ۳، ج ۱۸، ص ۱۵۷.

الف) روابط دوستانه و برادرانه با کشورهای مسلمان

به یقین، بنای سیاست خارجی و روابط دیپلماتیک حکومت اسلامی با کشورهای مسلمان به ویژه همسایه های کشور، بر تولّی و داشتن روابطی کاملاً دوستانه و برادرانه است؛ زیرا یک پارچگی امت اسلامی و پشتیبانی از مسلمانان از برترین مصداق های تولّی در حکومت اسلامی است و اساسا اهتمام شریعت اسلام نیز براین یک پارچگی بوده است.

درگیری و اختلاف، همان گونه که در روابط درونی مسلمانان نهی شده است، در روابط حکومت اسلامی با دیگر کشورهای مسلمان نیز جایگاهی ندارد. از همین جاست که حضرت امام خمینی رحمه الله با هشدار به این مسئله، علت سستی و ضعف قدرت مسلمانان را در این مورد می داند:

قرآن کریم اخطار کرده است به اینکه اگر تنازع کنید فشل می شوید،(۱) شما آثار فشل را در مسلمین مشاهده می کنید. آثار فشل را در کشورهای عربی مشاهده می کنید. فشل شدن از این بدتر که کشورهای پهناور اسلامی با همه قدرتی که از حیث سیاسی، از حیث نظامی، از حیث ذخائر دارند، در مقابل اسرائیل همه فشل هستند، شما فشل را چه می دانید؟(۲)

اندیشه حضرت امام خمینی رحمه الله سرشار از دعوت به یک پارچگی و انسجام مسلمانان و پشتیبانی از همدیگر برای رسیدن به هدف ها و آرمان اسلامی است. این مسئله در جای جای سخنان ایشان دیده می شود. ایشان رمز پیروزی دولت اسلامی را نیز در همین روابط مستحکم با کشورهای اسلامی می داند.

براین اساس، در سیاست بین المللی و رابطه حکومت اسلامی با دیگر کشورهای مسلمان برقراری رابطه دوستانه و برادرانه با کشورهای مسلمان، از اولویت و اهمیت

۱- انفال: ۴۶.

۲- صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۳۵.

ویژه برای دولت اسلامی برخوردار است؛ به این معنا که برقراری روابطی دوستانه و برادرانه با کشورهای مسلمان همسایه و دیگر کشورهای مسلمان باید در صدر اولویت برقراری روابط سیاسی قرار گیرد:

و از موضع قدرت عظیم، (اسلام) دست پر برکت و قدرتمند خود را برای دوستی و برادری ایمانی پیش تمام مسلمین، خصوصا ملت ها و دولت های منطقه و همسایه دراز کرده و آنان را نصیحت می کنم.(۱)

لازم به توضیح است که هرچند بارزترین نمود عینی تولّی در روابط حکومت اسلامی، برقرای روابطی کاملاً دوستانه و همه جانبه با کشورهای مسلمان است، باید دانست که رابطه داشتن و پشتیبانی از کشورهای مستضعف و مظلوم غیرمسلمان نیز مصداقی برای «تولّی» در این مرتبه است. امام علی علیه السلام نیز در این باره فرموده است: «کُونُوا لِلظّالِمِ خَصْما وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنا؛ دشمن ستمگر و یاور ستم دیده باشید.»(۲) ازهمین رو، حضرت امام خمینی رحمه الله می فرماید:

همان مردمی که تصمیم دارند با صدور پیام انقلاب اسلامی شان، نه تنها کشورهای اسلامی که مستضعفان جهان را به اسلام عزیز و حکومت عدل اسلامی آشنا سازند.(۳)

بر این مبنا، داشتن روابط مسالمت آمیز و پشتیبانی از مظلومان و مستضعفان و کمک به انجمن های آزادی بخش، از مسائلی است که زیر مجموعه «تولّی» در این مفهوم است.

دولت اسلامی باید در سیاست خارجی خود بر مبنای اصل تولّی، دفاع و پشتیبانی و دوستی با مسلمانان و کشورهای اسلامی را در دستور کار خود قرار دهد و به کمک و

۱- همان، ج ۱۷، ص ۱۶۱.

۲- نهج البلاغه، وصیت امام به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام .

۳- صحیفه امام، ج ۱۹، صص ۴۱ _ ۴۹.

پشتیبانی همه جانبه در تمامی زمینه ها اهتمام ورزد. البته بایـد دانست که این نوع روابط، به حرکت آن کشورها بر مبنای دین اسلام و خیانت نکردن به اسلام و حکومت اسلامی مشروط است؛ زیرا در این حالت، برخورد براساس تولّی وجهی نخواهد داشت. به عنوان مثال تاریخی نیز می توان به قطع رابطه ایران با مصر به دستور حضرت امام رحمه الله به دلیل خیانت آن کشور به آرمان فلسطین و بستن قرار داد «کمپ دیوید» در زمان انورسادات اشاره داشت که دلیلی بر تغییر سیاست تولّی به تبرّی نسبت به یک کشور مسلمان است.

پس از ترسیم کلی سیاست حکومت اسلامی براساس تولّی، ضروری است به دو مصداق بارز، از مسائل امروزی جامعه اسلامی اشاره کنیم تا به لحاظ عینی، بحث هرچه بیشتر روشن تر شود.

نخستین موردی که در ذهن تـداعی می شود، فلسطین و مظلومیت آن است که تولّای ویژه ای را از سوی کشورهای مسلمان می طلبـد. در مـورد فلسـطین نیز کـه در نگـاه حضـرت امـام خمینی رحمـه الله جایگـاه مهمی دارد،(۱) کشورهـای مسـلمان و حکومت اسلامی بایـد به طور گسترده از این ملت ستم دیـده پشتیبـانی کننـد. این پشتیبانی ها که می توانـد از سوی «سازمان کنفرانس اسلامی» و سازمان های بین المللی راهبردی شونـد، در حل معضل فلسطین کارگشا خواهنـد بود. به عنوان مثال، در جریـان اخیر، محکومیت سـاخت دیوار حائل در اراضـی فلسـطینی از سوی دیوان بین المللی دادگستری سازمان ملل متحـد که موضعی کاملاً عاری از غرض ورزی های سیاسی کشورهای استکباری بود،(۲) ضرورت

۱- همان، ص ۳۲۰.
۲- نکته هـای دقیق و اسـتدلال هـای منطقی دیوان بین المللی دادگستری در رد مـدعاهای رژیم اسـرائیل از سـاخت دیوار مثل: دفـاع از خود، وضـعیت اضـطراری و... بسـیار قابـل دقت و جـالب توجه است. برای بررسـی و مطـالعه بیشتر در این زمینه نـک: حسـین طالقـانی و سـیراللّه مرادی، خلاصـه نظر مشـورتی دیوان بین المللی دادگسـتری در مورد دیوار حائـل در سـرزمین هـای فلسطین اشغالی، دانشگاه شهرکرد، ۱۳۸۳، صص ۳۲ _ ۴۲.

داشت تا مسلمانان و حکومت اسلامی با به کارگیری توان دیپلماسی و حقوقی خود در صحنه بین المللی، از این موضع عادلانه و بی طرفانه که پس از سال ها از سوی سازمانی جهانی اتخاذ شده بود، دفاع می کرد و برای عملی شدن این رأی مشورتی از شورای امنیت و مجمع عمومی ــ که بنا به محتوای رأی، ملزم به بررسی راهکارهای عملی به منظور از میان بردن دیوار و تخریب آن شده است ــ رعایت محتوا و مفاد این رأی مشورتی را خواستار می شد که خود مجمع عمومی نیز این موضوع را از این نهاد قضایی بین المللی درخواست کرده بود.

پس افزون بر ضرورت رفتار براساس تولّی در سیاست حکومت اسلامی، موقعیت شناسی این آموزه سیاسی ــ اجتماعی و رعایت آن در قالب های مناسب بین المللی، وظیفه ای فرعی برای دستگاه دیپلماسی حکومت اسلامی است که از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

ب) روابط دوستانه با کشورهای غیراسلامی غیرمتخاصم

با نگاه به آموزه های اسلامی و اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی رحمه الله، در زمینه برقراری رابطه با معیار تولّی همراه با دیگر اصول و مبانی دیپلماسی اسلامی، می توان این گونه گفت که دولت اسلامی با هیچ حکومتی سرناسازگاری نخواهد داشت و در صورت مداخله نکردن کشورهای غیراسلامی در امور داخلی کشور، براساس احترام متقابل و اخلاق سیاسی رابطه خواهد داشت.

البته بدیهی است هم زمان با این برقراری ارتباط با کشورهای کافر غیرمتخاصم، حفظ استقلال و عزت مسلمانان از نکته های اصلی و ویژه خواهد بود؛ زیرا در عرصه بین المللی، امت اسلامی براساس مصالح سیاسی، اقتصادی و... از داشتن رابطه با کشورهای غیراسلامی قدرتمند و پیشرفته ناگزیر است.

همچنین باید دانست که این روابط تا جایی محترم و مقبول و مشروع است که به اصول و ارزش های مکتب حیات بخش اسلام، عزت و افتخار مسلمانان و استقلال و تمامیت ارضی حکومت اسلامی خللی وارد نیاورد؛ زیرا اگر برقراری این گونه روابط همراه با زیر پا نهادن برخی اصول یا کوتاه آمدن از برخی ارزش های اسلامی باشد، نه

تنها ارزشی ندارد، بلکه وجه شرعی نیز نخواهد داشت. به یقین، این نوع رابطه ها در دراز مدت نه تنها به اعتلای جامعه اسلامی کمکی نمی کنند، بلکه بسترهای ناتوانی و وابستگی امت اسلامی را در برابر قدرت های کافر فراهم می آورند.

حضرت امام خمینی رحمه الله آشکارا رابطه حکومت اسلامی با دیگر کشورها را تنها در صورتی می پذیرد که براساس احترام متقابل استوار گردد.

دولت اسلامی با همه ملت ها و با همه دولت ها می خواهد که تفاهم و ارتباط صحیح داشته باشد؛ در صورتی که آنها متقابلاً احترام دولت اسلامی را مراعات کنند.(۱)

در جای دیگری ایشان مداخله نکردن در امور داخلی را شرط برقراری رابطه معرفی می کند:

ما می خواهیم رابطه دوستانه با همه کشورها داشته باشیم، مادام که آنها در امور داخلی ما مداخله نکنند.(۲)

مداخله نکردن در امور داخلی حکومت اسلامی و داشتن روابطی متقابل از شرط هایی است که باید از سوی قدرت های کافر غیرمتخاصم رعایت شود تا حکومت اسلامی براساس تولّی با آنها روابط داشته باشد. در غیر این صورت، حکومت اسلامی نمی تواند با آنها روابطی مسالمت آمیز و دوستانه داشته باشد؛ همان گونه که در زمینه کشورهای استکباری و کافر متخاصم و متجاوز، سیاست حکومت اسلامی بر تبرّی استوار است.

نتیجه گیری

در مقام جمع بندی و دسته بندی اولویت ها در داشتن روابط براساس تولّای اسلامی، می توان در سه درجه و اولویت روابط سیاسی حکومت اسلامی با دیگر کشورها (اعم از

۱- صحیفه نور، ج ۸، ص ۱۸ و ج ۹، ص ۷۳.

۲- همان، ج ۵، ص ۴۸۸.

مسلمان و غیرمسلمان) را تعریف و تبیین کرد:

اول ـ رابطه با امت اسلامی و کشورهای مسلمان مطرح می شود که اهمیت ویژه ای در سیاست خارجی حکومت اسلامی دارد.

دوم ـ حمایت از کشورهای مستضعف و مظلوم غیرمسلمان در این مرتبه، اولویت می یابد.

سوم ـ رابطه با کشورهای غیرمسلمان و قدرتمند غیراستکباری، غیرمتخاصم و غیرزورگو در این اولویت قرار می گیرند که حکومت اسلامی می تواند با رعایت اصول و مبانی شرعی (نفی سبیل، حفظ عزت مسلمانان، مصلحت سنجی و...) با آنها روابطی مسالمت آمیز براساس احترام متقابل داشته باشد.

فصل دوم: تبرّی

۱. مفاهیم

الف) مفهوم لغوی

تبرّی، از ریشه برائت و به معنای دوری جستن از یک چیز و حالت و برکنار بودن از چیزی است. از نظر لغوی تبرّی، از ریشه «بَ رِ ی» (به کسر راء) به معنای دوری و پرهیز کردن است.(۱)

با توجه به جایگاه تبرّی در فروع دینی اسلام، معنای اصلی تبرّی که از باب «تفعّل» است، فرمان برداری و اثرپذیری است که بر دوری کردن، پرهیز و کناره گیری دلالت می کند. تبرّی و بری بودن، نشان از نوعی بی میلی و بی علاقه گی در شخص است که بر اثر این بی علاقه گی، فرد به سوی چیزی یا کسی گرایشی پیدا نمی کند و یا به عبارت

۱- المعجم الوسیط، ص ۴۶.

بهتر، می کوشد از آن شخص یا چیز مشخص پرهیز و دوری کند.

ب) مفهوم اصطلاحی

تبرّی در اصطلاح فرهنگ مذهبی و عقیدتی اسلام، به معنای کینه داشتن در دل و برکنار بودن از دشمنان خدا، پیامبر، ائمه اطهار علیهم السلام و مؤمنان است؛(۱) به گونه ای که این کینه داشتن نسبت به آنان در عمل هم به محدودیت هایی در رابطه با آنها می انجامد. همان گونه که در زمینه تولّی گفته شد، تبرّی نیز در دو جایگاه مطرح است: جایگاه قلبی که همین احساس تنفر و دوری از دشمنان خدا و... است و جایگاه عملی که در آن همین احساس درونی و عاطفی منفی نسبت به آنان به ظهور می رسد و نمودهای عملی خود را در روابط اجتماعی به بار می آورد.

نکته ظریفی که در این بحث وجود دارد، داشتن احساس انزجار درونی از باطل و دشمنان خداوند به صورت طبیعی، پس از در مسیر حق قرار گرفتن است؛ یعنی اگر مسلمان به درستی به مسیری که در آن حرکت می کند اعتقاد داشته باشد و از روی فهم و درک درستی حق و اهل حق را برگزیده باشد، به صورت ناخودآگاه از اهل باطل و کفار و مشرکان بیزار می گردد.

دلیل این مسئله نیز در پلیدی و بد سرشتی کفر و شرک و نفاق و... است. وجود کفر و دوری از خداوند، روح و روان انسان را از سرشت حقیقی خود که پرتو از روح الهی است، جدا می سازد و این قطع رابطه زمینه های پلیدی و خباثت روحی را فراهم می سازد.

همین طور از سوی دیگر، عمیق شدن این رابطه میان مبدأ الهی و روح انسان مسلمان، بر لطافت روحی می افزاید و کاملاً روشن است که روح متعالی و لطیف انسان مؤمن از آمیختگی با روح پلید و شرک آلود، بیزار و متنفر است.

ازاین رو، احساس انزجار و نفرتی که به برکت اسلام و ایمان برای انسان پدید می آید، چیزی کاملاً طبیعی و منطقی است.

ص: ۴۸

۱- فقه سیاسی اسلام، ص ۴۳۲.

۲. تبرّی و برائت از چه کسانی است؟

اشاره

پس از درک معنا و مفهوم لغوی و اصطلاحی تبرّی، این پرسش کلیدی مطرح می شود که تبرّی و بیزاری (چه در بعد قلبی و چه در بعد عملی) در مورد چه کسانی مطرح است؟

برای یافتن پاسخی مناسب، به گونه ای که در بحث های آینده به کار آید، باید معنا و مفهوم «دشمن» و اقسام آن را بررسی کنیم؛ زیرا همان گونه که در تعریف و مفهوم اصطلاحی بیان شد، این تبرّی، از دشمنان خدا، پیامبر، ائمه علیهم السلام و مؤمنان صورت می پذیرد. ازاین رو، تا درک درستی از دشمن خدا و پیامبر و ائمه براساس احکام اسلامی نداشته باشیم، نخواهیم توانست با تشخیص انواع آن، در بعد عملی از آن بهره جوییم.

الف) دشمن شناسی

معنا و مفهوم

دشمن، از ریشه لغوی «دش» به معنای بدی و «من» به معنای سیرت و نفس است؛ یعنی دشمن، کسی است که نفس و سیرت بدی دارد و در پی ضرر زدن به شخصی است.(۱)

از نگاه اسلامی، دشمن به کسی یا گروهی گفته می شود که با حکومت اسلامی و حق و حقیقت سر ناسازگاری دارد و برای زیان رساندن به آنها می کوشد. گفتنی است اسلام برای کفر و شرک نوعی پستی و بی ارزشی قائل است و ازاین رو، اطلاق دشمن به کافران و مشرکان بدان سبب است که آنها از نظر روحی بدسیرتند و در پی زیان رساندن به اسلام هستند. چنان که، در آیات قرآنی به صراحت از آنها به عنوان دشمن مؤمنان یاد می شود: «ای مؤمنان، دشمن من و دشمنان خودتان را دوست مگیرید و به آنها مهربانی نکنید.»

ص: ۴۹

۱- فرهنگ لغت دهخدا، دوره جدید، چاپ و نشر مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ج ۷، واژه «دشمن» و مشتقات آن.

(ممتحنه: ۱)

به طور کلی، انحراف از مسیر حق و حقیقت که همان اسلام ناب است، موجب نوعی بد سیرتی و خباثت روحی می شود که این سیرت و نهاد زشت، قرار گرفتن آنها در زمره دشمنان اسلام و حق را در پی دارد.

بنابر منطق اسلام، شرک و کفر کامل تنها عامل دشمن بودن فرد یا گروه نیست، بلکه فرد به هر میزان که از مسیر حق و حقانیت اسلام سرپیچی کند، به همان اندازه با خداوند، انبیا، ائمه اطهار علیهم السلام و مؤمنان دشمنی پیدا می کند. در ردیف دشمنان داخلی قرار دادن مسلمانانی که از اسلام راستین جدا شده و راه باطلی را در پیش گرفته اند نیز، از همین نگاه قابل تفسیر است؛ یعنی این گروه ها و افراد، کافر و مشرک نشده اند، ولی چون از راه حق و اسلام ناب منحرف شده اند، در صف غیر خودی های و دشمنان درونی قرار می گیرند.(۱)

در مقام نتیجه گیری باید گفت از نظر اسلام، ملاک «دشمن بودن» میزان انحراف از مسیر حق و حقانیت است و بر این اساس، کافران و مشرکان که کاملاً از این مسیر جدا شده اند و به باطل گرایش پیدا کرده اند، دشمنان اصلی مسلمانان هستند و مسلمانانی که به دلیل گرایش های فکری و سیاسی نادرست تا اندازه ای از این مسیر خارج شده اند (غیرخودی ها)، در قلمرو دشمنان درونی قرار می گیرند. نکته دیگر اینکه گمراهی از راه راست در اوهام، سبب خباثت و پلیدی روحی می شود که این امر به دشمن و دشمنی با اسلام و مسلمانان تعبیر می شود.

ب) اقسام دشمنان

اشاره

در یک تقسیم بندی ابتدایی، دشمن را می توان به دشمن خارجی و دشمن داخلی تقسیم کرد. هرچند بیشتر، ملاک این تقسیم بندی را «مرزهای حکومت اسلامی» دانسته و

۱- اصطلاح دشمن درونی به این علت است که «غیرخودی ها» افرادی از درون جامعه مسلمانان هستند که به علت موضع گیری های سیاسی، اعتقادی و فکری در گروه دشمنان درونی قرار گرفته اند.

بر این اساس عنوان خارجی و داخلی به دشمن داده اند، به نظر می رسد که بهتر است این تقسیم و ملاک آن را در بحث عقیدتی پی بگیریم.

تفاوت این مسئله که ملاک تقسیم، «مرز جغرافیایی» یا «مسائل عقیدتی» باشد، در اینجا ظاهر می شود که اگر ملاک عقیدتی را مدنظر قرار دهیم، دشمن داخلی به دشمنی گفته می شود که از نظر ظاهری مسلمان است، ولی به دلیل گرایش ها و باورهای سیاسی و فکری، همچون دشمنان یا در مسیر آنان است. از سوی دیگر، دشمن خارجی شامل گروه غیرمسلمان هایی می شود که در عمل به دنبال براندازی دین اسلامند و چون از گروه مسلمان ها خارجند، به او عنوان «خارجی» داده شده است. به طور طبیعی، در این صورت، ممکن است دشمن خارجی در داخل مرزهای جغرافیایی حکومت اسلامی نیز مصداق یابد. اگر ملاک را مرز جغرافیایی بدانیم، فارغ از مسائل عقیدتی، دشمنانی را که در داخل سرزمین های حکومت اسلامی قرار دارند، دشمن داخلی و آنهایی را که در خارج این سرزمین قرار گرفته اند دشمن خارجی می نامیم.

«دشمن داخلی» نیز خود، به دو گروه کفّار (دشمنان اصلی حکومت اسلامی) و غیرخودی ها (مسلمانانی که به دلیل باورها و گرایش های سیاسی در مسیر دشمن هستند) تقسیم می شود. بنابراین، برای پرهیز از پراکندگی در بحث ها، ملاک تقسیم خارجی یا داخلی را مسائل اعتقادی قرار می دهیم و در مورد دشمن داخلی تنها به غیرخودی ها می پردازیم.

افزون بر اینها، چون از نظر آموزه های اسلامی، مرز مشخص و معینی برای حکومت اسلامی وجود ندارد، بهتر است با همین ملاک عقیدتی با عنوان «دشمن داخلی و خارجی» روبه رو شویم تا اینکه تنها با بحث جغرافیایی به این تقسیم بندی توجه کنیم. ازهمین رو، شایسته است به جای عبارت «داخلی ــ خارجی» با توجه به آن چه گذشت، از «دشمن درونی» و «دشمن بیرونی» نام ببریم تا مفهوم به صورت رساتر انتقال یابد.

یک ــ دشمنان بیرونی

اول ــ بحث های عقیدتی و نظری

به لحاظ نظری و عقیدتی، دشمن خارجی که همان دشمن اصلی خدا و پیامبر و

ائمه علیهم السلام و مؤمنان است، به کافران و مشرکان گفته می شود. در قرآن کریم نیز، از آنان با همین عنوان یاد شده است:

یـا أَیهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا عَدُوّی وَ عَدُوَّکُمْ أَوْلِیاءَ تُلْقُونَ إِلَیهِمْ بِالْمَوَدَّهِ وَ قَدْ کَفَرُوا بِما جاءَکُمْ مِنَ الْحَقِّ یخْرِجُونَ الرَّسُولَ. (ممتحنه:۱)

ای مؤمنان، دشمن من و دشمن خودتان را دوست مگیرید که به آنها مهربانی کنید؛ حال آنکه آنان به دینِ حقی که برای شما آمده است، کفر ورزیده اند و پیامبر و شما را آواره کرده اند.(۱)

با توجه به آیات قرآنی، اصلی ترین دشمن مؤمنان و مسلمانان، کافران و مشرکان هستند. ازاین رو، ضروری است تا با تعریف و اقسام آنها آشنا شویم؛ زیرا بارزترین مصداق تبرّی همین هایند و این مسئله در روابط اجتماعی مسلمانان نیز ظاهر می شود.

در اصطلاح فقهی، کافر به کسی گفته می شود که رسالت رسول گرامی اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله و قرآن و حقایقی چون توحید، معاد، میزان و... را انکار کند. افزون بر این افراد، کسانی که هرگز به دین اعتقاد ندارند و کسانی نیز که به ادیان دیگر (به غیر از اسلام) معتقدند، در معنای کافرند.(۲)

تعریف جامع تری که می توان درباره کافر در اصطلاح فقهی و اسلامی ارائه کرد، تعریف زیر از شیخ محمد امین زین الدین است. وی معتقد است:

مراد از کافر کسی است که به الوهیت خدا، توحید، نبوت و معاد اعتراف نکند، هرچند آنها را انکار ننماید و همین طور، از کافران است کسی که ضروری دین را منکر شود و علم به ضروری بودن آن داشته باشد؛ به گونه ای

۱- همچنین نک: آل عمران: ۲۱؛ نساء: ۴۸؛ محمد: ۳۴؛ هود: ۱۸؛ حج: ۲۵؛ فرقان: ۵۲؛ ممتحنه: ۴.

۲- سید محمدسعید حکیم،منهاج الصالحین، انتشارات دارالصفوه، بیروت، ۱۴۱۵ ه . ق / ۱۹۹۴ م. ص ۱۲۷؛ المحقق الحلی، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تحقیق: سیدصادق شیرازی، انتشارات استقلال، تهران، ۱۴۰۹ ، ج ۷، ص ۴۲۰.

که انکار آن ضروری به انکار رسالت بر گردد.(۱)

پس از درک مفهوم و تعریف کافر، در یک تقسیم بندی کلی می توان انواع کافران را در پنج گروه قرار داد:

۱. کافرانی که اهل کتاب(۲) هستند و به آن تمسک می کنند. این کافران شامل: یهودیان و فرقه هایی مانند سامریان اند که در اصول عقاید خویش همانند آنها هستند و نیز شامل نصاری ها و فرقه های نزدیک به آنها مانند صابئیون می شوند.

۲.آنهایی که دارای کتاب نیستند، ولی درمورد آنان شبهه کتاب وجوددارد(مجوسیان).

۳. کسانی که نه دارای کتاب آسمانی هستند و نه مثل گروه دوم در مورد آنها شبهه اهل کتاب وجود دارد (بت پرست ها، آتش پرست ها و...).

۴. آنهایی که پس از ایمان و اسلام کافر شده اند که به مرتد تعبیر می شوند. از دو نوع مرتد ملی و فطری در بحث های اعتقادی یاد شده است.

۵. کسانی که هنوز اسلام به آنها نرسیده است و در اصطلاح به آنها مستضعف می گویند. این تقسیم بندی که از شیخ طوسی _ یکی از بزرگ ترین فقیهان شیعه _ است،(۳) تمامی گروه های کافران را در برمی گیرد و برای شناخت اجمالی آن، بررسی نگاه اسلام به کافر (دشمن اصلی) که اصلی ترین مصداق «تبرّی» است، کافی است. ازاین رو، از پرداختن به بحث های جزئی و اختلاف های فقهی در مورد برخی گروه های کافران در

ص: ۵۳

۱- شیخ محمدامین زین الدین، کلمه التقوی، چاپ مهر، ۱۴۱۳ ه . ق، ج ۱، ص ۳۸۰.
۲- در مورد نحوه برخورد با اهل کتاب نک: القاضی ابی یعلی محمد بن الحسین الفراء الحنبلی، الاحکام السلطانیه، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۶ ه_ . ق، ج ۲، صص ۱۵۸ _ ۱۶۲.
۳- ابوجعفر محمدبن حسن طوسی شیخ طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، به کوشش: محمدتقی کشفی، تهران، مطبعه الحیدریه، ۱۳۸۷ ه . ق، ج ۷، صص ۱۵۶ و ۱۵۷.

میان فقیهان مسلمان خودداری می کنیم.(۱)

گذشته از مسائل نظری صرف در مورد کافر، تمایز گذاشتن میان کافرانی که زیر لوای حکومت اسلامی با هر عنوانی (معاهد، مستأمن، اقلیت مذهبی و...) قرار دارند و کافرانی که شامل این گروه ها نیستند و زیر لوای حکومت اسلامی قرار ندارند، از نکات اساسی است.

دلیل این اهمیت، در نوع برخورد مسلمانان با آنهاست. به عبارت بهتر، نمی توان با کافرانی که زیر لوای حکومت اسلامی قرار دارند، براساس تبرّی برخورد کرد و با آنها دشمنی ورزید. هرچند این گونه برخورد و دشمنی نکردن با آنها، به معنای برقراری پیوندهای قلبی و علقه های عاطفی با آنان نیست، درک اینکه حقوق آنها و حفظ حقوقشان همانند دیگر مسلمانان بر عهده حکومت اسلامی است، بسیار اهمیت دارد. همچنان که با مراجعه به تاریخ و دوران حکومت علوی و دقت در سخن گران بهای امیرالمؤمنین علی علیه السلام درباره تعرض به یک زن ذمی، این مسئله تصدیق می شود:

با چنین پیشامدی، اگر مرد مسلمانی از اندوه و تأسف جان دهد، نه تنها جای سرزنش نیست، بلکه او را سزد که چنین شود.(۲)

از همین جاست که در بحث اقلیت های مذهبی و غیرمسلمانانی که زیر لوای حکومت اسلامی زندگی می کنند، با مسائل ویژه ای روبه رو هستیم و می توان گفت که تبرّی به معنای واقعی کلمه (جایگاه قلبی و جایگاه عملی) در مورد این گونه کافران

۱- برای تفصیل بیشتر نک: محمدحسن نجفی، معجم فقه الجواهر، مؤسسه دائره معارف الفقه الاسلامی، چ ۲، المطبعه یاران، ۱۴۲۲ ه . ق / ۲۰۰۱م.، ج ۵، ص ۱۹۰؛ سیف اللّه صرامی، احکام مرتد از دیدگاه اسلام و حقوق بشر، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، معاونت اندیشه اسلامی، مرداد ۱۳۷۶ ه . ش، چ ۱، ص ۲۶۹ به بعد.

۲- سید محمدمهدی جعفری، پرتوی از نهج البلاغه، سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴، چ ۲، ج ۱، ص ۳۴۳.

مطرح نیست، بلکه نکته های ظریفی در آن نهفته است.(۱)

به عبارت دقیق تر، در برقراری رابطه براساس اخلاق حسنه و عدل اسلامی با این گونه کافران، باید دانست که گرچه در ظاهر، روابط مسلمانان به گونه ای دیگر است، با نگاه دقیق به فلسفه تبرّی از کافران که همان نداشتن روابط عاطفی و علقه های قلبی میان مسلمانان و کافران است، درمی یابیم که درباره کافرانی هم که در لوای حکومت اسلامی به سر می برند، این فلسفه رعایت خواهد شد و از همین روست که در بحث ازدواج دایم که مسائل عاطفی و... مطرح می شود، این رابطه اجازه داده نشده است.(۲)

۱- برای آشنایی با تفاوت های موجود میان کافرانی که زیرلوای حکومت اسلامی به سر می برند و دیگر کافران، دقت در برخی اصول قانون اساسی به عنوان میثاق ملی بسیار اهمیت دارد: اصل سیزدهم: ایرانیان زرتشتی، کلیمی، مسیحی تنها اقلیت های دینی شناخته می شوند که در حدود قانون در انجام رسوم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می کنند. اصل چهاردهم: به حکم آیه شریفه «لا يَنْهاكُمُ اللّهُ عَنِ الَّذينَ لَمْ يُقاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطينَ» ممتحنه: ۸، دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه وقسط و عدل اسلامی عمل کنند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.

۲- این نکته را که زیربنای تبرّی و دلیل اصلی وجود این آموزه در اسلام، عدم برقراری پیوندهای عاطفی میان کافران و مسلمانان است، می توان از دقت در برخی آیات قرآنی به آسانی دریافت. به عنوان نمونه، در آیه اول سوره ممتحنه این فلسفه به روشنی بیان شده است: «تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَ أَنَا أَعْلَمُ بِما أَخْفَيْتُمْ وَ ما أَعْلَنْتُمْ وَ مَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَواءَ السَّبيلِ؛ شمایید که با آنان سر و سرّی دوستانه دارید و من به آنچه پنهان دارید و آنچه آشکار دارید، آگاه ترم و هرکس از شما که چنین کند، به راستی که از راه راست گم گشته است.» صراحت قرآن به این نکته که هرکس این روابط دوستانه و عاطفی را برقرار سازد، از راه راست منحرف گشته است، تأکید ویژه آموزه تولّی و تبرّی را بر این پیوندها روشن می سازد. علت این تأکید را نیز می توان از آیات قرآنی درک کرد. به عنوان مثال، در آیه بعدی همین سوره خداوند می فرماید: «وَ وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ؛ و خوش دارند (دوست دارند) که شما هم کفر بورزید.» (ممتحنه: ۲) گرایشی که بر اثر روابط عاطفی، میان مسلمان و کافر پدید می آید، علت اصلی و فلسفه نهی از این نوع رابطه است. (در ادامه و در بحث ازدواج با کافران، به تفصیل درباره این مسئله و تأثیر آن بر منع ازدواج دایم با کافران و تفاوت آن با ازدواج غیر دایم بحث می کنیم.

بنابراین به دلیل تحت ذمه بودن، اسلام به رعایت اخلاق حسنه و برخورداری کافران ذمی و اقلیت های مذهبی از حقوقی مشابه مسلمانان، دستور داده است، ولی هرگز اجازه برقراری روابطی کاملاً صمیمانه و برادرانه همانند دو مسلمان را نداده است و این از نکته های ظریفی است که در زمینه کافران ذمی و اقلیت های مذهبی مطرح است و باید در روابط اجتماعی میان مسلمانان و این گونه کافران ملاحظه شود.

دوم _ آثار تبرّی از دشمنان بیرونی (کافران) در روابط اجتماعی مسلمانان با آنها در درون جامعه اسلامی

اشاره

دوم _ آثار تبرّی از دشمنان بیرونی (کافران) در روابط اجتماعی مسلمانان با آنها در درون جامعه اسلامی

پس از شناخت مفهوم مصداق های دشمن بیرونی (کافران)، ضروری است به برخی پی آمدهایی که در پرتو تبرّی بر روابط مسلمانان با آنها ایجاد می شود، اشاره کنیم. این ضرورت برخاسته از جایگاه عملی تبرّی و ملاحظه هایی است که باید از سوی مسلمانان در کمیت و کیفیت رابطه با کافران رعایت شود.

بدیهی است رابطه مسلمان حتی با کافرانی که در لوای حکومت اسلامی نیز به سر می برند، متفاوت از روابط او با هم کیشان خود است. دقت به این تفاوت ها که می توان یکی از حکمت های آن را، وجود آموزه «تبرّی از دشمنان خدا و رسول صلی الله علیه و آله و...» در شریعت اسلامی دانست، ما را در بررسی روابط اجتماعی مسلمانان با این دسته از کافران چه در بعد کمی و چه در بعد کیفی بسیار کمک می کند.

لازم به یادآوری است، همان گونه که پیش تر بیان شد، «دشمن بیرونی» که در اصطلاح به کافران یا دشمنان اصلی می گوییم، دارای مصداق هایی هم در داخل سرزمین حکومت اسلامی و هم در خارج از سرزمین حکومت اسلامی است، ولی از آن جایی که در این فصل تنها به مقوله روابط درونی مسلمانان در جامعه اسلامی نظر داریم، فقط پی آمدهای تبرّی را در مورد کافرانی که در لوای حکومت اسلامی به سر می برند، بررسی می کنیم و بحث روابط با کافرانی را که خارج از سرزمین حکومت اسلامی هستند، درقسمت

روابط حکومت اسلامی با دیگر کشورهای غیراسلامی پی می گیریم.

در اینجا، به برخی پی آمدهای جایگاه عملی تبرّی در روابط اجتماعی مسلمانان با کافران در داخل جامعه اسلامی می پردازیم:

۱. نداشتن روابطی برادرانه و کاملاً دوستانه

خداوند متعال در آیات فراوانی، مسلمانان و مؤمنان را از داشتن روابطی دوستانه با کافران نهی کرده است. از جمله مهم ترین آنها، آیه نخست سوره ممتحنه است که داشتن این گونه رابطه را برای مسلمانان گمراهی معرفی می کند:

تُسِرُّونَ إِلَیهِمْ بِالْمَوَدَّهِ وَ أَنَا أَعْلَمُ بِما أَخْفَیتُمْ وَ ما أَعْلَنْتُمْ وَ مَنْ یفْعَلْهُ مِنْکُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَواءَ السَّبیلِ.

(شمایید که) با آنان سروسرّ دوستانه دارید و من به آنچه پنهان دارید و آنچه آشکار دارید، آگاه ترم و هرکس از شما چنین کند به راستی که از راه راست گم گشته است.

آنچه خداوند، در این آیه و دیگر آیات(۱) از آن نهی کرده است، آمیختگی روحی و عاطفی میان مسلمانان و کافران است؛ به گونه ای که این روابط عاطفی و روحی سبب تأثر و تحت شعاع قرار گرفتن اخلاق مسلمان و کردارهای فردی و اجتماعی او شود.(۲) با وجود حکمت هایی که در ترک روابط عاطفی میان مسلمانان و کافران وجود دارد، خداوند در سوره آل عمران، حکمت دیگری برای این نهی بیان می دارد: «لا یتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْکافِرینَ أَوْلِیاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنینَ؛ مؤمنان نباید که کافران را ــ به جای مؤمنان ــ دوست بگیرند». (آل عمران: ۲۸)

نهی از داشتن روابطی کاملاً دوستانه و برادرانه با کافران سبب می شود که مؤمنان در

۱- نک: نساء: ۱۳۹؛ حجرات: ۷.

۲- این مطلب را علامه طباطبایی در ذیل آیه ۲۸ سوره نساء بیان فرموده است. نک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۶۲.

برقراری دوستی، به سوی کافران گرایش پیدا نکنند و به جای مؤمنان به آنها روی نیاورند.(۱) این امر در گرایش های دینی و اخلاقی مسلمانان نیز بسیار مؤثر است.

افزون بر این نهی و دستور به نداشتن این گونه رابطه، خداوند در ادامه همین آیه جزای سختی را برای مؤمنانی که به جای مسلمانان با کافران طرح دوستی می ریزند، بیان می فرماید: «وَ مَنْ یفْعَلْ ذلِکَ فَلَیسَ مِنَ اللّهِ فی شَیءٍ؛ و هرکس چنین کند از (لطف و ولایت) خداوند بی بهره است». (آل عمران: ۲۸)(۲)

خداوند با صراحت و شدت تمام، وعده محرومیت از لطف و ولایت و رحمت خود را به این گونه مؤمنان می دهد و این مسئله، ناپسند بودن این گونه روابط عاطفی و روحی را میان مسلمانان و کافران می رساند.

همان گونه که وجود پیوندهای عاطفی میان مسلمانان که در پرتو تولّی به وجود می آید، زیربنای بسیاری از فضیلت های اخلاقی مانند: عیب جویی نکردن، دوستی با یکدیگر و... می شود، نداشتن روابط روحی و آمیختگی های عاطفی با کافران در اثر آموزه تبرّی نیز به تقویت دوستی میان مسلمانان و استمرار فضیلت های اخلاقی میان آنها کمک شایانی خواهد کرد. ازاین رو، دین اسلام با احاطه کامل بر تمامی جنبه های دیگر این مسئله در بعد تولّی، به ایجاد این علقه های روحی در میان مسلمانان دستور داده است و در بعد تبرّی نیز به قطع این گونه رابطه های روحی و عاطفی با کافران امر فرموده است.

۱- همان.

۲- ترجمه بهاء الدین خرّمشاهی.

۲. محدودیت ازدواج با کافران

الف) ازدواج دایم

ازدواج دایم بـا کـافران غیر اهـل کتاب براساس اجماع فقیهان اجازه داده نشـده است،(۱) ولی در مورد اهـل کتاب نیز مشـهور فقیهـان امـامیه این ازدواج را ممنـوع و باطـل می داننـد.(۲) هرچنـد دلیـل صـدور این حکم در فقه اسـلامی، وجـود نصـوص و احـادیثی است که در این زمینه وجود دارد، می توان گفت جـایز نبودن ازدواج دایم بـا کـافران (چه کتـابی چه غیرکتابی)، بی ارتباط با تبرّی در آموزه های شریعت اسلام نیست.

ازدواج (به ویژه دایم)، بحث روابـط عـاطفی و عشق و علاـقه و هم بسـتگی احساسـات به یکـدیگر است. افزون بر این، ازدواج زمینه ساز ایجاد احساسات مشترک و علقه های روحی و عاطفی مشترک است و اهمیت این بخش در مسئله ازدواج به درستی قابل فهم است. بنیان چنین ساختار کاملاً عاطفی و روحی با کافران به یقین، با نص آیات قرآنی که از داشـتن روابط دوستانه و علقه های عاطفی با کافران باز می دارد، در تعارض است.(۳)

هم چنان که در بحث ازدواج، وجود فرزنـد و... بر شـدت این روابط و عمق عاطفی آنها می افزایـد، روشن است که بیزاری از کـافران حتی در مرتبه قلبی، بـا بسـتن پیمـان ازدواج منافات بنیادی پیـدا می کنـد. ازاین رو، دور از ذهن نیست که بگوییم اگر احادیث و آیات قرآنی به صورت ویژه(۴) این حرمت را بیان نمی کردند، با وجود آموزه تبرّی، داشتن روابط روحی و عاطفی با کافران مشروع نبود.

ص: ۵۹

۱- محمـد جواد مغنیه، فقه تطبیقی مذاهب پنج گانه، ترجمه: کاظم پورجوادی، انتشارات دانشـمند، ۱۳۶۶، چ ۲، صص ۲۳۲ و ۲۳۳.

۲- ۲ .همان.

۳- نک: ممتحنه: ۱؛ آل عمران: ۲۸؛ حجرات: ۷.

۴- نک: ممتحنه: ۱۰؛ بقره: ۲۲۱؛ بینه: ۱.

اهمیت جایگـاه مسائـل عاطفی و آمیختگی روحی در منع ازدواج با کافران را می توان از حرمت ازدواج زن مسـلمان با کافران (کتابی و غیرکتابی) چه به صورت دایمی و چه انقطاعی و اجماع فقها(۱) بر آن درک کرد.(۲)

شایـد اجمـاع فقهـا بر این حکم، بیانگر اهمیت مسائل عاطفی و علقه های روحی در بحث ازدواج باشـد؛ زیرا شـدت علاقه ها، عشـق و محبت و عطوفت در زنـان به مراتب بیشـتر و شـکننده تر از مردان است و می توان از این جهت، یکی از حکمت هـای وجود این حرمت حتی در ازدواج موقت را اهمیت امتزاج روحی و عـاطفی از سوی زن بـا کـافران حتی در برهه زمـانی موقت دانست.

ب) ازدواج موقت

پرسشی که در ازدواج موقت به ذهن خطور می کند، این است که اگر مسئله روابط عاطفی و داشتن علاقه روحی با کافران در پرتـو (تـبرّی) یکی از حکمت هـای حرمت ازدواج دایم بـا کـافران است، پس چرا در ازدواج موقت، این حرمت در مورد اهل کتاب با خدشه روبه روست؟ برای پاسخ به این پرسش باید به چند نکته توجه داشت:

۱. جواز ازدواج موقت با اهل کتاب، مشهور فقها است و ازاین رو، برخی فقیهان در آن مناقشه و خدشه کرده اند.(۳)

۲. به دلیل موقتی بودن،(۴) نیاوردن فرزند در اغلب این نوع ازدواج ها، پر رنگ بودن

۱- فقه تطبیقی مذاهب پنج گانه، صص ۲۳۲ و ۲۳۳.

۲- هرچند در اینجا قاعده فقهی «نفی سبیل» اولویت ویژه ای می یابد.

۳- این فقیهان به آیات ۱۰ سوره ممتحنه، ۲۲۱ سوره بقره و اول سوره بینه استناد کرده اند.

۴- لازم به توضیـح است هرچنـد در زمینه طولی مـدت ازدواج، مشـهور فقها زمانی را تعیین نکرده اند، روشن است که مدت، باید اولاً در عرف مردم بر موقتی بودن دلالت کند که بسته به سن، شرایط و دیگر مسائل دو طرف متغیر است؛ ثانیا برخی فقها به این مسـئله اعـتراض کرده و در آن به تعیین عرفی مـدت دال بر مـوقت بودن حکم داده انـد؛ (معجم فقه الجواهر، ج ۶ ، ص ۲۱۰).

مسائل جنسی و... ، علاقه و علقه(1) روحی و روانی، کمتر و ضعیف تر است.

۳. نگاه به احکام ویژه این ازدواج در اسلام، ساختار متفاوت آن با ازدواج دایم و بحث های احساسی در آن را نشان می دهد.

۴. حرام بودن این گونه ازدواج برای زن، دلیل دیگری بر اهمیت مسائل عاطفی و روحی است؛ زیرا این امور در زن ها پررنگ تر است.

علت اجازه ازدواج موقت با اهل کتاب، در فقه شیعه، برخی آیات و مستندات حدیثی است، ولی می توان به عنوان حکمت، بحث تبرّی و دوری از روابط دوستانه و عاطفی با کافران را برشمرد؛ زیرا همان گونه که در مبحث تبرّی به آن پرداختیم، دوری و بیزاری از کافران در بعدعملی نیز آثاری درپی خواهدداشت که می توان یکی از این پی آمدهای عملی را در محدودیت ازدواج با کافران به علت وجود مسائل عاطفی شدید جست وجو کرد.

افزون بر این، شاید بهتر باشد برخلاف رأی مشهور، نظر آن دسته از فقیهانی را که حتی این گونه ازدواج را نیز اجازه نداده اند، تقویت کرد؛ زیرا هرچند برخی احادیث، این گونه ازدواج را جایز می شمارند، صراحت آیات قرآنی در بحث تبرّی، روابط دوستانه و عاطفی را با کفار نهی می کند.(2) از سوی دیگر، در ازدواج موقت، مسائل عاطفی به دلیل نبود زندگی دایم، فرزند و... کم رنگ است، ولی در حد اندک خود نیز با

ص: ۶۱

۱- همان گونه که پیش تر نیز اشاره شد، امتزاج روحی و عاطفی یکی از دلایلی ست که قرآن در منع رابطه با کافران بیان می دارد. نک: ممتحنه: ۱، ۲ و ۸ .

۲- نک: ممتحنه: ۱ و ۲.

تبرّی و بیزاری از کافران قابل جمع نیست.

پس دور از ذهن نیست که با وجود تفاوت های میان اهل کتاب و دیگر کافران، حتی در ازدواج موقت نیز جانب احتیاط را رعایت کنیم و از ایجاد پیوندهایی که به مسائل و پی آمدهای عاطفی و روحی دیگری خواهد انجامید، بپرهیزیم.

دو _ دشمن درونی (غیر خودی ها)

اشاره

غیرخودی ها هر چند به ظاهر مسلمانند، با رخنه در میان مؤمنان و جامعه اسلامی، به نظام اسلامی و مسلمانان زیان هایی وارد می آورند که دشمنان اصلی (دشمنان بیرونی، کافران) یا توان عملی ساختن آن را ندارند یا برای وارد ساختن چنان خسارت هایی باید سال ها تلاش و برنامه ریزی کنند.

از این جهت، شناخت و مرزبندی آنها از گروه خودی ها و تمایز گذاردن آنها با دشمنان بیرونی (کافران) بسیار مفید و کارساز است. ملاک این تقسیم و مرزبندی در اسلام باورها، اندیشه ها و گرایش های سیاسی _ فکری افراد و گروه هاست که بر مبنای آن، در حیطه خودی یا دشمنان درونی (غیرخودی ها) یا دشمنان بیرونی (کافران) قرار می گیرند.

دقت در احادیث وارد شده نیز این مسئله را تصدیق می کند که به هیچ وجه ملاک مرز بندی خودی و غیرخودی مسائلی مانند قومیت، نژاد، شهروندی و... نیست، بلکه تنها اندیشه ها و باورهای افراد است که جایگاه آنها را در جامعه اسلامی مشخص می سازد. ابوحمزه ثمالی می گوید: «روزی محضر امام باقر علیه السلام بودیم که سعد بن عبدالملک (از فرزندان عبدالعزیز مروان) وارد شد. ناگهان همانند زن فرزند از دست داده گریه کرد. امام به او گفت: ای سعد چه چیز تو را به گریه واداشت؟ او در پاسخ گفت: چرا گریه نکنم، درحالی که از ریشه درخت نفرین شده در قرآنم (اشاره به اینکه اموی هستم). امام باقر علیه السلام به او فرمود: تو از آنان نیستی، بلکه اموی ای هستی که جزو ما اهل بیت علیهم السلام شده ای».(۱)

۱- سیدحسین شفیعی دارابی، مقاله «خودی و غیرخودی در سیره علوی» ۲، نشریه معرفت، ش ۳۹.

اول _ تفاوت دشمن اصلی (کافران) با غیر خودی

از جمله درس هایی که از سیره امامان علیهم السلام می توان گرفت، تقسیمی است که امامان علیهم السلام در مورد غیرخودی ها (خودی فریب خورده) و دشمنان اصلی انجام می دادند. به عنوان مثال، حضرت علی علیه السلام آن گاه که به لشکرگاه خوارج نهروان رفت، با این پرسش آغاز سخن کرد که آیا همه شما در جنگ صفین بودید؟ وقتی پاسخ دادند که برخی در جنگ بودیم و برخی حضور نداشتیم، خطاب به آنها فرمود: به دو گروه تقسیم شوید و سپس این گونه ادامه داد: آنان که در صفین حضور داشتند، گروهی باشند و کسانی که در آنجا نبودند گروهی دیگر، تا اینکه با هریک از دو گروه سخن مناسب آن را بگویم.(۱)

به لحاظ منطقی نیز به دلیل تفاوت های موجود میان موضع گیری ها و عملکردهای دشمنان اصلی حکومت اسلامی و غیرخودی ها ضرورت این مرزبندی مشخص می شود. در یک مفهوم روشن، غیرخودی کسی است که پای بندی چندانی به ارزش ها، اهداف و آرمان های نظام اسلامی و مسلمانان ندارد و نسبت به این آرمان ها دل بستگی چندانی احساس نمی کند.

افزون بر بحث های اعتقادی اسلامی در مورد غیرخودی ها، به طور کلی در هر کشور با هر نظامی تلاش می شود کارهای حساس و مهم اجتماعی _ سیاسی را به دست افرادی بسپارند که از نظر فکری و اعتقادی معتقد و متعهد به آرمان ها و اهداف آن نظام و کشور باشد. از نظر علم مدیریت نیز این کار نه تنها صحیح، بلکه درخور ستایش است و در روند اجرای امور در کشور بسیار اهمیت دارد.

همان گونه که مقام معظم رهبری نیز در یکی از سخنرانی هایشان درباره خودی و غیرخودی اشاره داشت که تقسیم بندی خودی و غیرخودی به معنای این نیست که آنها

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۲، ترجمه: محمدتقی جعفری، انتشارات کرامت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰، چ ۱، ص ۳۶۳.

در جـامعه حق حیـات ندارنـد یا می بایـد از حقوق شـهروندی محروم گردنـد، بلکه به این معناست که کارهای حساس و مهم اجتماعی ـ سیاسی باید به دست افرادی سپرده شود که ایثار و از خود گذشتگی بیشتری داشته باشند و امکان خطا و لغزش در آنها کمتر باشد.(۱) از همین جـا می توان به تفاوت برجسـته ای میان دشـمن اصـلی (کافران) و غیرخودی ها دست یافت و آن اینکه غیرخودی متعلق به جامعه اسـلامی است و تا حدودی به ارزش ها و اهداف آن نظام نزدیک است، هر چند به دلیل منافع یا فریب و غرض ورزی در مسـیر انحراف افتاده و در برابر گروه مسـلمانان قرار گرفته است. در مقابل، دشمنان اصلی (کافران) هیچ گونه دل بسـتگی میان خود و اصول و ارزش های مسـلمانان و جامعه اسـلامی احساس نمی کنند و در راه تغییر و تخریب آرمان های مسلمانان می کوشند.

در نگـاه تـاریخی نیز می توان این نکته را در مورد خوارج درک کرد. پس از سـخنرانی گیرای امام علی علیه السـلام در جمع خوارج و پس از تبیین و تحلیـل مـاجرای صـفین از سوی امـام، فروه بن فرافـل اشـجعی رو به هوادارانش کرد و گفت: به خـدا سوگنـد، نمی دانم برای چه با علی می جنگم؟! من باز می گردم تا برایم روشن شود و آگاهانه وارد شوم؛ یا بجنگم یا اطاعت کنم... .(۲)

روشـن اسـت کـه ایـن گروه از خـوارج، نـه از روی غرض ورزی و آگـاهی، بلکه از روی فریب خـوردگی و برداشت غلـط از ماجرای صفین، در برابر حضرت علی علیه السلام و جامعه اسلامی صف آرایی کرده بودند. برخی نیز پس از فهم این مطلب از میان خوارج خارج شدند. همان گونه که در مورد اشـجعی این مسـئله نقل شده است. دشمنان بیرونی (کافران)، از صدر اسلام تا به امروز، نه از روی کج فهمی و نادانی یا غرض ورزی، بلکه

۱- سعید زاهد، «مقاله خودی و غیرخودی در نظام های اجتماعی»، روزنامه رسالت، ۶/۱۰/۱۳۷۹.
۲- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ.

از روی عمد و برای ستیز با اسلام و جامعه اسلامی با آن به مخالفت و مبارزه پرداخته اند.

دوم _ اوصاف غیرخودی ها

۱. اعتقادی _ فرهنگی

شناسایی باورها و بنیان های فرهنگی غیرخودی ها از دیدگاه قرآن بسیار اهمیت دارد؛ زیرا ملاک و معیار اصلی تفکیک و مرزبندی خودی ها و غیرخودی ها بر این باورها و مسائل اعتقادی استوار است. ازاین رو، دقت در آنها و شناسایی این اوصاف از اولویت برخوردار است. از اولین ویژگی ها در این حوزه، می توان خرده گیری و انتقاد از آموزه های الهی را برشمرد:

وَإِذْ يقُولُ الْمُنافِقُونَ وَالَّذينَ فيقُلُوبِهِمْ مَرَضٌ ما وَعَدَنَااللّهُ وَرَسُولُهُ إِلاّ غُرُورًا.(احزاب:۱۲)

آن گاه که منافقان و بیماردلان گفتند که خداوند و پیامبر او جز از روی فریب به ما وعده نداده است.

گفتنی است که «خرده گیری و انتقاد» از آموزه های الهی، نباید به معنای کاوش در مسائل دینی و مذهبی و نظریه پردازی در آنها قلمداد شود، بلکه به معنای تخریب و تضعیف آموزه های الهی است. همان گونه که در آیه یاد شده نیز، خداوند منافقان و غیرخودی های مغرض را از جمله کسانی معرفی می کند که به منظور انتقاد غیرعلمی و نادرست از مسائل اعتقادی دین اسلام تلاش می کنند.

دومین ویژگی که در اینجا می توان از آیات قرآنی در مورد «غیرخودی ها» دریافت، خود بزرگ بینی و غرور این گروه است که خداوند در برخی آیات حتی دلیل گنهکاری آنها را این خودبزرگ بینی بیان می کند.(۱)

افزون بر این غرور، «نفاق و دورویی» ویژگی بارزی در حوزه اعتقادی غیرخودی هاست. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است:

آن که با زبان از ما طرفداری می کند، ولی سیره اش با رفتار ما سازگار نیست، شیعه ما به شمار نمی آید.

۱- نک: بقره: ۲۰۶.

شیعیان ما کسانی هستند که در زبان و دل، موافق ما و در رفتارشان، پیرو ما باشند. اینان شیعیان حقیقی ما هستند.(۱)

این ویژگی در آیات قرآنی نیز به عنوان یکی از ویژگی های این گروه بر شمرده شده است. خداوند در سوره بقره می فرماید:

وَإِذا لَقُواالَّذینَ آمَنُوا قالُوا آمَنّا وَإِذا خَلَوْا إِلی شَیاطینِهِمْ قالُوا إِنّا مَعَکُمْ.(بقره:۱۴)

و چون با مؤمنان روبه رو شوند، گویند ایمان آوردیم و چون با پیشوایان خویش تنها شوند، گویند ما با شما هستیم.

دورویی و نفاق در گروه غیرخودی ها، زمانی که در مسیر انحراف و گمراه ساختن مسلمانان و مؤمنان به کار گرفته شود، تأثیرهای ویرانگر و منفی زیادی را بر اجتماع مسلمانان به بار می آورد.

از جمله راهکارهایی که با هدف انحراف فکری مسلمانان از آن بهره برده می شود، پوشیده داشتن حق و حقیقت و ایجاد انحراف فکری در ذهن مسلمانان است. خداوند در سوره اعراف با آوردن داستان حضرت صالح، به این مسئله در مورد بزرگان قوم عاد که در انحراف حقیقت در ذهن مؤمنانی مستضعف تلاش داشتند، تذکر داده است.(۲)

افزون بر موارد اشاره شده، ویژگی های زیر را نیز می توان در حوزه اعتقادی ـ فرهنگی با توجه به آیات قرآنی و احادیث، برای غیرخودی ها (دشمن درونی) برشمرد:

ـ بدعت گذاری در میان مسلمانان؛(۳)

ـ کینه توزی نسبت به مسلمانان و دین ستیزی؛(۴)

۱- بحارالأنوار، بیروت، موسسه الوفا، ۱۴۰۳ ه . ق، چ ۲، ج ۶۵ ؛ الایمان و الکفر، باب صفات الشیعه، ص ۱۶۴.

۲- نک: اعراف: ۷۴ و ۷۵.

۳- سیدمحمد مرتضوی، مقاله «خودی و غیرخودی در قرآن و حدیث»، نشریه زائر، ش ۷۱.

۴- نک: بقره: ۲۱۷.

ــ نیرنگ و فریب کاری با مسلمانان؛(۱)

ــ مخالفت با نظام اسلامی.(۲)

۲. حوزه سیاسی

با الهام از آیات الهی ویژگی بارز در این حوزه، ایجاد فتنه و آشوب و بحران و دامن زدن به آن در جامعه اسلامی است. همین طور خرسندی و خوشحالی از بروز مشکل و ناراحتی بر مؤمنان و مسلمانان، دیگر ویژگی آشکار آنهاست:

اگر نیکی به شما برسد، آنها را ناراحت می کند و اگر حادثه ناگواری برای شما رخ دهد، خوشحال می شوند. (آل عمران: ۱۲۰)

ویژگی دیگری که غیرخودی ها به منظور «فتنه انگیزی در جامعه اسلامی» از آن بهره می برند، هماهنگ و هم صدا شدن با دشمنان اصلی مسلمانان (کافران) است:

بسیاری از آنان را می بینی که کافران را دوست می دارند. بس بد است آنچه برای خود پیش اندیشی کردند که سرانجام، خداوند بر آنان خشم خواهد گرفت و جاودانه در عذاب خواهند بود. (مائده: ۸۰)(۳)

ویژگی دیگر آنان سلب امنیت از جامعه اسلامی است.(۴)

گفتنی است که ویژگی های یاد شده در مجموع، در موضع گیری «غیرخودی ها» در

۱- نک: بقره: ۹؛ نساء: ۱۴۲.

۲- نک: نهج البلاغه، خطبه ۲۳۴.

۳- و نیز نک: نساء: ۱۳۹.

۴- خداوند در آیه ۸۳ سوره یونس، در مورد بزرگان قوم موسی، این ترس و سلب امنیت را از پیروان حضرت موسی یادآور شده است.

برابر جامعه اسلامی و نظام اسلامی نمود می یابد و سرانجام امر، آنها را در گروه کسانی که در برابر حکومت اسلامی صف آرایی کرده اند، قرار می دهد.

سوم _ دسته بندی غیرخودی ها

۱. غیرخودی های فریب خورده

این دسته از غیرخودی ها (دشمنان درونی)، نه از روی فهم و درک، بلکه به دلیل ناآگاهی و فهم نادرست در برابر مسلمانان قرار گرفته اند. ازاین رو، در مورد این دسته از «غیرخودی ها» پند و اندرز و آگاهی دادن، راهکار مناسبی برای مقابله است.

نمونه روشن تاریخی این گروه از غیرخودی ها، برخی از خوارج بودند که به دلیل فهم نادرست از مسئله صفین و ماجرای حَکَمیت در برابر مسلمانان قرار گرفتند. نکته مهمی که باید از سیره علوی در برخورد با این دسته از خوارج آموخت، نوع برخورد امام با آنهاست. حضرت علی علیه السلام با تقسیم آنها به دو گروهی که در جنگ صفین بودند و یا در آن جنگ حضور نداشتند؛ با پند و اندرز به آنهایی که در جنگ صفین بودند، مسئله حکمیت را کاملاً تبیین ساخت. پس از سخنان امام علی علیه السلام به نقل تاریخ، برخی از آنها پس از درک ناآگاهی خود به صف مسلمانان پیوستند.(۱) این نکته تاریخی در شناخت نوع برخورد با آنها بسیار کارساز و دارای اهمیت است.

۲. غیرخودی های مغرض

این گروه برخلاف گروه نخست، کاملاً از روی فهم و آگاهی به دلیل منافع شخصی و دنیوی خود، در برابر مسلمانان و جامعه اسلامی موضع می گیرند؛ زیرا منافع خود را در تضاد با اسلام راستین و جامعه اسلامی می یابند.

نمونه تاریخی این افراد، معاویه و عمروعاص هستند که نه از روی نادانی، بلکه به دلیل اغراض منفعت طلبانه شان، اسلام و مسلمانان را سد راه خود می دیدند. شاهد این ادعا نیز رفتار عمروعاص در جنگ صفین و ماجرای حَکَمیت و مسائل تاریخی آن است؛ در حالی که در همین زمان (جنگ صفین)، این فرد در نزد پسرش به حقانیت امام

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۲۲.

علی علیه السلام و راه او اقرار می کند.(۱) تنها توجیه کننده این رفتار دوگانه، منفعت گرایی و غرض ورزی آنها با اسلام راستین و مسلمانان واقعی است.

گفتنی است این گروه از غیرخودی ها از کسانی اند که سزاوار رفتار قاطع و بدون مسامحه از سوی مسلمانان و حکومت اسلامی هستند. همچنان که سیره علوی نیز این مطلب را تأیید می کند و رفتار قاطع آن حضرت با معاویه، طلحه، زبیر و... در زمان حکومت شان دلیل تاریخی این ادعاست.

چهارم _ برخی اصول سیره علوی در برخورد با غیرخودی ها (دشمنان درونی)

اشاره

چهارم _ برخی اصول سیره علوی در برخورد با غیرخودی ها (دشمنان درونی)

مهم ترین اصول و روش های عملی برخورد با غیرخودی ها را با الهام از سیره علوی و الگوبرداری از رفتار آن بزرگوار می توان در چهار مورد زیر برشمرد:

۱. گفت وگو و اندرزدهی

از شیوه هایی که در رفتار علوی، فراوان به چشم می خورد، گفت وگو با گروه های غیرخودی _ به ویژه کسانی که از روی ناآگاهی در برابر ایشان قرار گرفته بودند _ پیش از برخورد قاطع و جدی با آنهاست.

رفتار حضرت علی علیه السلام در جنگ جمل، نهروان و ماجرای حکمیت در جنگ صفین شاهد نمونه تاریخی این برخورد اسلامی است. به عنوان نمونه، در جنگ نهروان پیش از جنگ، سه مرتبه امام آنها را به اسلام و ایمان راستین و راه حق دعوت فرمود.(۲)

همچنین سخنان حضرت علی علیه السلام خطاب به طلحه و زبیر در جنگ جمل که به خون خواهی عثمان و علیه امام برخاسته بودند، دارای نکته های اساسی در مورد این شیوه برخورد با غیرخودی هاست.

به نقل تاریخ، هنگامی که سپاه امام و سپاه اصحاب جمل آماده نبرد شدند، امام به

۱- موسوعه الامام علی بن ابی طالب فی الکتاب و السنه و التاریخ، ج ۵، ص ۳۲۱.

۲- همان، ج ۴، ص ۳۰۷.

سمت لشکر جمل پیش رفت، به قدری که گردن اسبشان به گردن اسب طلحه و زبیر برخورد کرد، سپس به آن دو گفت: آیا در گذشته من برادر دینی شما نبودم که ریختن خون مرا حرام می دانستید و من هم خون شما را حرام می دانستم. پس چه شده است که ریختن خونم برای شما حلال شده است؟! طلحه گفت: تو مردم را علیه عثمان تحریک کردی!

امام در پاسخ آیه ای تلاوت کرد و فرمود: «تو به خون خواهی عثمان برخاسته ای... ای طلحه، همسرت را در خانه پنهان کرده ای و همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله را برای جنگ به میدان آورده ای؟» آن گاه رو به زبیر کرد و از او پرسید: تو برای چه آمده ای؟ او پاسخ داد: تو برای رهبری شایسته نیستی و از ما نیز برتر نیستی! امام در پاسخ او به برخی سخنان رسول الله در مورد خودش و همین طور در مورد زبیر استناد کرد که پس از آن زبیر گفت: این سخنان درست است و به خدا هرگز با تو نمی جنگم.(1)

از همین جا روشن می شود که در برخی موارد، اندرز دادن و آگاهی درست، به ویژه در مورد غیرخودی های فریب خورده و غافل به مراتب راه گشاتر از برخوردهای خشونت آمیز است.

۲. دوری از توهین و اهانت و رعایت مسائل دینی

یکی دیگر از اصول برخورد امام علی علیه السلام در مورد «غیرخودی ها»، سیاست اهانت و توهین نکردن به آنهاست. نمونه های فراوانی از این سیره در کتاب های حدیثی و تاریخی نقل شده است. به عنوان مثال، در جنگ صفین امام علی علیه السلام خطاب به حجر بن عدی و عمر بن الحمق که به لعن و گفتن سخنان درشت به سپاهیان شام پرداخته بودند، فرمود:

من خوش ندارم که شما ناسزا گو باشید؛ ناسزا بگویید و از آنها اعلان برائت

۱- الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۲۳۹؛ در زمینه نامه هایی که امام به طلحه، زبیر و عایشه فرستادند نک: موسوعه الامام علی بن ابی طالب، ج ۵، صص ۲۰۲ و ۲۰۳.

کنید.(۱)

حتی امام در پایان، تأثیر سخن نرم و درست را در مورد کسانی که گمراه شده اند و کسانی که نسبت به حق جاهلند، بیشتر و مفیدتر از سخن زشت و توهین به آنها می داند. افزون بر این مورد، پای بندی به رعایت موازین اسلامی در برخورد با این دشمنان درونی اصل دیگری از سیره آن امام همام بوده است.

امام حاضر نبود در مقابله با معاویه که از هیچ عملی در مورد اهل بیت علیهم السلامو امام علی علیه السلام واهمه ای نداشت، ذره ای از موازین اسلامی دور شود. امام در پاسخ به یارانی که بر ایشان خرده می گرفتند، فرمود:

به خدا سوگند، معاویه از من زیرک تر نیست و همین طور سیاست مدارتر، ولی معاویه حیله گر و جنایت کار است و اگر نیرنگ و پیمان شکنی ناشایسته نبود، من زیرک ترین مردم بودم، ولی هر نیرنگی گناه و هر گناهی نوعی کفر و انکار است.(۲)

توصیه های مشهور حضرت علی علیه السلام در واپسین لحظه های زندگانی شان در حق ابن ملجم مرادی، نمود روشنی از سیره علوی در برخورد با غیرخودی هاست:

ای فرزندان عبدالمطلب، هرگز شما را نبینم که در خون های مسلمان فرو رفته اید، به این دلیل که امیرالمؤمنین علی علیه السلام کشته شده است، آگاه باشید! برای قصاص، جز قاتل من کشته نشود. بنگرید، اگر من در نتیجه این ضربت از دنیا رفتم، یک ضربه در برابر ضربه او وارد کنید و هرگز قاتل را مثله نکنید؛ زیرا من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم: بپرهیزید از مثله کردن، اگر چه سگ هار

۱- الکامل فی التاریخ، ج ۴، صص ۲۷۹ و ۲۸۰ و نیز نهج البلاغه، خطبه ۲۰۶.

۲- سیدحسین شفیعی دارابی، مقاله «سیره علوی در برخورد با غیرخودی ها»، نشریه معرفت، ۱۳۸۰.

یا دیوانه باشد.(۱)

رفتار کاملاً عادلانه و رعایت تمامی اصول مذهبی و اخلاقی اسلام حتی در مورد قاتل و شخصی مانند ابن ملجم، تنها بخشی از اهتمام حضرت علی علیه السلام به رعایت این شیوه برخوردی با غیرخودی ها را نمایان می سازد.

۳. پرهیز از مصالحه کاری سیاسی و تسامح

شاید جمله سنگین و پرمحتوای امام علی علیه السلام در پاسخ به درخواست های ابن عباس در مورد تثبیت معاویه و عزل نکردن کارگزاران عثمان تا زمان استوار شدن حکومت امام علی علیه السلام بیانگر همه مطلب در این اصل برخورد با دشمنان درونی (غیرخودی ها) باشد: «به خدا سوگند، در امر دینم سازش نمی کنم و عملم را با ریا همراه نمی سازم.»(۲) همچنین امام در برابر درخواست ابن عباس در مورد معاویه می فرماید: «نه به خدا سوگند، حتی دو روز نیز معاویه را به کار نمی گیرم.»(۳)

افزون بر این، برخورد قاطع و عزل کارگزاران عثمان که از جمله اصلاحات علوی پس از ایجاد حکومت اسلامی است و نیز مخالفت سرسختانه با معاویه و ادامه حکومت او با وجود اصرار فراوان برخی به عزل نکردن او تا زمانی که به بیعت با امام وفادار است و در راه حق حرکت می کند،(۴) بیانگر نداشتن هیچ گونه مسامحه و مصالحه در امر

۱- نهج البلاغه، وصیت امام به حسنین؛ همان، خطبه ۴۱ منع از حیله گری و مکر؛ موسوعه الامام علی بن ابی طالب، ج ۴، ص ۳۰۱.

۲- موسوعه الامام علی بن ابی طالب، ج ۵، ص ۳۴۲.

۳- همان.

۴- پاسخ قاطع امام علی علیه السلام به مغیره درباره عزل نکردن معاویه بسیار مفید توجه است. نک: موسوعه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام ، المجلد الرابع، صص ۱۱۶ و ۱۱۷.

دین و حکومت اسـلامی با غیرخودی هاست. این مسـئله، می تواند الگوی مناسبی از این شـیوه برخورد را با این دشمنان، پیش روی ما قرار دهد.

۴. برخورد قاطع با توطئه گران علیه اسلام و مسلمانان

سیاست شـفاف مولاـی متقیـان علیه السـلام در برخورد با غیرخودی هایی که علیه حکومت اسـلامی و حق توطئه می کردنـد، برخـورد قـاطع و سـرکوب گرانه بـود. براین اسـاس است که در خطبه ۲۴ نهـج البلاـغه دربـاره جهـاد با مخالفان حق این گونه تصریح می فرماید:

به جانم سوگنـد، در جهاد با کسانی که مخالف حق و غوطه ور در گمراهی انـد، نه رفتار تصـنعی دارم و نه خود را ناتوان می بینم.(۱)

صراحت در این شـیوه برخورد، تـا جـایی است که وقتی برای پیکـار با اهل بصـره حرکت کرد، در خطبه ای در مورد خودشان این گونه بیان داشت: «بی گمان، باطل را می شکافم و حق را از پهلوی آن بیرون می آورم.»(۲)

این سـخنان نورانی امام علی علیه السـلام بسـیار روشن و بی پرده است. این قاطعیت، در پاسخ شـفاف امام علی علیه السـلام به برادرش درباره پیکار با معاویه، در واقع این سیاست علوی را بیان می کند:

و اما سؤالی که درباره نظر من راجع به جنگ پرسیده بودی، نظر من درباره پیمان شکنان، جنگ و پیکار است تا خدا را دیدار کنم. نه فراوانی مردم در پیرامونم باعث افزایش عزت می شود و نه پراکنـده شدن آنان از دور من موجب وحشت می گردد. و تو فرزند پدرت را چنان ارزیابی مکن که اگرچه مردم او را رها کنند، زاری کند و پستی را بپذیرد یا با قبول اهانت، تن به ظلم و تعدی ظالمان بدهد و به آسانی زمام امور خود را به دست یک کشنده بسپارد

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۴.

۲- همـان، خطبه ۳۳ و نیز نـامه ۴۵ به عثمـان بن حنیف انصـاری به این اصـل سـیاست علوی در برخورد بـا غیرخودی ها اشاره دارد.

و یا پشت خود را برای سواری، هموار و خم نماید. اگر از حال من پرسی که چگونه ام؟ به طور قطع، من در برابر پیشآمدهای سخت زمان مقاوم و شکیبایم. برای من سخت است که اندوهی در من دیده شود که دشمن شماتت کند و یا دوست ناراحت گردد.(۱)

نکته مهمی که باید از سیره علوی در برخورد با غیرخودی ها الگوبرداری شود، رعایت هم زمان این شیوه ها و دوری از افراط و تفریط در برابر غیرخودی هاست. رفتار امام علی علیه السلام در عین دافعه، عین جاذبه و در عین برخورد قاطع و دوری از مصالحه، عین عفو و گذشت(۲) و ترحم و عطوفت است.

بدین سبب، برخورد با غیرخودی ها به عنوان دشمنان درونی، متفاوت از دشمنان اصلی (کافران) و با ملاحظه های ویژه ای که از مسلمان بودن آنها ناشی می شود، همراه است و سیره علوی به عنوان الگوی کامل این برخورد باید مراعات شود.

۳. نمودهای تبرّی در روابط خارجی حکومت اسلامی

اشاره

افزون بر تأثیرهای عملی تبرّی بر روابط مسلمانان با دشمنان بیرونی (کافران) و دشمنان درونی (غیرخودی ها)، تأثیر اصلی آن بر روابط خارجی حکومت اسلامی با دیگر کشورها ظاهر می شود.

با بررسی اندیشه حضرت امام خمینی رحمه الله به عنوان یک نظریه پرداز سیاسی در عصر معاصر، باید گفت تنها غیرمسلمان بودن ملاک روابطی سرد و خصمانه داشتن با آنها نیست، بلکه «کشورهای مستضعف غیرمسلمان و کشورهای قدرتمند غیرمتخاصم غیراسلامی» از حوزه تبرّی خارج هستند. براین اساس، حتی اگر کشور مسلمانی از

۱- همان، نامه ۳۶ (به عقیل بن ابی طالب، برادر امام علی علیه السلام).

۲- بخشش دشمنانی مانند مروان حکم و سعد بن عاص، از نمونه های عفو و گذشت حضرت علی علیه السلام از کسانی است که در مقابل امام شمشیر کشیدند.

اصول و ارزش های اسلامی سرپیچی کند و به اسلام و کشورهای اسلامی خیانت کند، بر مبنای تبرّی با آن برخورد خواهد شد.

نمونه تاریخی از برخورد امام خمینی رحمه الله با چنین کشوری، حکومت مصر در زمان رهبری انور سادات است که با امضای معاهده ننگین «کمپ دیوید»، به فلسطین و جهان اسلام خیانت کرد و حضرت امام نیز به صراحت دستور قطع روابط دوستانه مبتنی بر «تولّی» با آن کشور را صادر فرمود:

جناب آقای ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه

با در نظر گرفتن پیمان خاینانه مصر و اسرائیل و اطاعت بی چون و چرای دولت مصر از امریکا و صهیونیست، دولت موقت جمهوری اسلامی ایران قطع روابط دیپلماتیک خود را با دولت مصر بنماید.(۱)

اکنون با این تذکر در مورد تبرّی و جایگاه آن در روابط خارجی حکومت اسلامی، به دو مورد از اصول تبرّی همراه با اشاره به مصداق های آن در کنار الهام از رهنمودهای امام می پردازیم.

الف) تبرّی از ظلم و دولت های ظالم

از بدیهی ترین اصول تبرّی، بیزاری از ظلم و حکومت های ظالمی است که ستم و جور آنها متوجه کشورهای مسلمان و مسلمانان جهان است. مصداق روشن این مورد در عصر حاضر، رژیم اسرائیل است که حضرت امام به صراحت دشمنی امت و حکومت اسلامی را با آن بیان فرموده است، ولی با گذشت سال ها، به دلیل ناتوانی و سستی کشورهای مسلمان در به کار بستن این آموزه هنوز ستمگری های این رژیم متوجه مردم فلسطین است.

حضرت امام خمینی رحمه الله با دادن لقب «شجره خبیثه» به اسرائیل، به دولت ایران دراین باره این گونه می فرماید:

۱- صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۳۰۲.

مسئولین محترم کشور ایران و مردم ما و ملت های اسلامی از مبارزه با این شجره خبیثه و ریشه کن کردن آن دست نخواهند کشید.(۱)

افزون بر این، ایشان با توصیه به بی تفاوت نبودن امت اسلامی در برابر اسرائیل، وظیفه امت اسلامی را این گونه خاطر نشان می شود:

بر خصوص ملت شریف و مسلمان ایران است که در قبال تجاوز وحشیانه اسرائیل و مصیبت هایی که اکنون گریبان گیر برادران عرب و مسلمان شده، بی تفاوت ننشینند و از هر راه ممکن برادران مسلمان خود را در آزادی سرزمین فلسطین و نابودی صهیونیسم کمک نمایند.(۲)

با الهام از سخنان امام در این زمینه، وظیفه شرعی دیپلماسی حکومت اسلامی است که از تمامی راه های مختلف حقوقی، سیاسی و... در راه محکوم کردن جنایت های اسرائیل و سرکوبی این رژیم بهره برد و در عین حال، از کمک به مردم فلسطین غافل نماند.

مصالحه و کوتاه آمدن در برابر رژیم صهیونیستی، به دلیل منافع سیاسی برخی گروه ها، نه تنها از نظر آموزه تبرّی کاملاً غیرشرعی است، بلکه هیچ گاه دستگاه سیاسی حکومت اسلامی از نظر شرعی حق چنین تساهلی را ندارد.

ازاین رو، دستگاه سیاسی کشورمان، همان گونه که تاکنون به این وظیفه شرعی خود در قبال رژیم غاصب اسرائیل عمل کرده است، در آینده نیز موظف است براساس تبرّی با رژیم اسرائیل برخورد کند و از سوی دیگر، تمامی تلاش های دیپلماتیک خود را با هدف بازگرداندن حقوق ملت فلسطین به کار گیرد.

ب) تبرّی از چپاولگران منابع کشورهای اسلامی و زورگویان

افزون بر تبرّی از ستم و ستمگران، تبرّی و بیزاری از چپاولگران دنیا یا به تعبیر حضرت

۱- همان، ج ۲، ص ۳۲۰، ۶/۵/۱۳۶۶.

۲- همان، ج ۳، ص ۲، ۱۶/۷/۱۳۵۲.

امام رحمه الله ابرقدرت ها، بر نظام اسلامی لازم و ضروری است. این بیزاری نه تنها از سوی خودمان، بلکه به نیابت از تمامی مظلومان دنیاست که مظلوم واقع شده اند و تحت ستم ابرقدرت ها هستند:

فریاد برائت ما، فریاد برائت مردم مسلمان آفریقاست. فریاد برادران و خواهران دینی ما که به جرم سیاه بودن، تازیانه ستم سیه روزان بی فرهنگ نژادپرست را می خورند.(۱)

بر این اساس، داشتن رابطه ای خصمانه با کشورهای ابرقدرت و چپاولگر و در رأس آنها امریکا و متحدانش، از مصداق های امروزی تبرّی در این جایگاه است که باید روابط سیاسی حکومت اسلامی برپایه آن شکل گیرد. اهمیت این نکته در اندیشه امام به گونه ای است که ایشان با بیان شدیدی می فرماید:

قدرت ها و ابرقدرت ها و نوکران آنها مطمئن باشند که اگر خمینی یکه و تنها هم بماند، به راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک است ادامه می دهد و به یاری خدا در کنار بسیجیان جهان اسلام، این پا برهنه های مغضوب دیکتاتورها، خواب راحت را از دیدگان جهان خواران و سرسپردگانی که به ستم و ظلم خویشتن اصرار می نمایند، سلب خواهند کرد.(۲)

در جای دیگری، ایشان با هشدار به ابرقدرت ها خطر مقابله با دین و اسلام را برای آنها این گونه بیان می کند:

من به تمام دنیا با قاطعیت اعلام می کنم که اگر جهان خواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند، ما در مقابل همه دنیای آنان خواهیم ایستاد و تا نابودی آنان از پای نخواهیم نشست.(۳)

۱- همان، ج ۲۰، ص ۳۱۷.

۲- همان، صص ۳۱۸ و ۳۱۹.

۳- همان، ج ۲۰، ص ۳۲۵، ۶/۵/۱۳۶۶.

با این مفهوم از تبرّی،(1) بی گمان اظهار خشم و برائت و داشتن روابطی خصمانه با ابرقدرت ها و کشورهای حامی تروریسم دولتی و بین المللی و کشورهایی که پایمال کننده حقوق بشر به ویژه در کشورهای مسلمان هستند، باید در چهارچوب اصل راهنما (تبرّی)، برای دستگاه سیاسی حکومت اسلامی تعریف شود.

گفتنی است که اصل فقهی نفی سبیل با افزوده شدن به تبرّی در این مرتبه، وظیفه حکومت اسلامی را از یک سو، داشتن روابطی خصمانه با این کشورها و از سوی دیگر، رفع هر نوع اعتلا و عزتی از سوی آنها بر جامعه اسلامی و مسلمانان برمی شمارد. در پایان و در مقام بیان علت چنین روابط خصمانه ای با قدرت های استکباری، به سه علت اساسی بسنده می کنیم:

یک ــ مداخله گری ها و چپاول هایی که این قدرت ها در کشورهای مستضعف و مسلمان دنبال می کنند و تاریخ نیز این ادعا را ثابت می کند.

دو ــ دنبال کردن ضعف و انفعال کشورهای مسلمان به گونه ای که با منافع آنها در تضاد و تعارض نباشند، همچنان که سیاست امریکا در خاورمیانه و دشمنی های بی پایه و اساس آن با جمهوری اسلامی ایران گواه روشنی بر این مسئله است.

سه ــ عزت و افتخار مسلمانان با تکیه بر احکام اسلامی و آموزه هایی مانند نفی سبیل،(2) به دلیل مغرضانه بودن این قدرت ها و قصد چیرگی بر کشورهای مسلمان،

---

۱ - ۴ . لازم به توضیح است که امام خمینی رحمه الله تبرّی را «اظهار خشم و برائت نسبت به باطل» تعریف کرده اند. نک: صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۲۲.

۲- این قاعده فقهی بر گرفته از آیه شریفه «ولن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلا» است و به معنای وضع نشدن حکمی است که به واسطه آن سلطه و برتری کافر بر مسلمان تثبیت گردد. برای مطالعه بحث های فقهی و اختلاف های موجود در بحث تشریعی یا تکوینی بودن این مسئله، نک: سید محمد موسوی بجنوردی، قواعد الفقهیه، چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۳۴۹ به بعد.

این نوع رابطه را به صورت راهکاری دراز مدت برای حکومت اسلامی در برابر آنها ارائه می کند.

ص: ۷۹

بخش سوم: آسیب شناسی

فصل اول: آسیب شناسی تولّی و تبرّی در بعد روابط درونی جامعه اسلامی

اشاره

فصل اول: آسیب شناسی تولّی و تبرّی در بعد روابط درونی جامعه اسلامی

آنچه در مباحث نظری تولّی و تبرّی برای مبنا قرار گرفتن در روابط اجتماعی مسلمانان و غیرمسلمانان در جامعه اسلامی بیان کردیم، در بعد عملی و با نگاه به روابط فعلی جامعه اسلامی، با چالش ها و آسیب های جدی روبه روست.

بنابراین، ضروری است با شناخت درست این آسیب ها و ارائه راهکارهای مناسب اصلاحی، زمینه را برای مبنا و ملاک قرار گرفتن تولّی و تبرّی برای برقراری روابط اجتماعی اسلامی فراهم سازیم.

۱. غرب زدگی در روابط اجتماعی

اشاره

تأثیر پذیری رفتار و روابط اسلامی ما از کشورهای غربی به دنبال تعامل های فراوانی که در جهان امروز به وجود آمده است، در برخی موارد نه تنها پی آمدهای خوبی در روابط اجتماعی ما ایجاد نکرده است، بلکه گاه پی آمدهای ویرانگری را نیز بر جای گذاشته است.

البته این مطلب به معنای نفی کامل توسعه و تأثرپذیری از جهان پیشرفته امروز نیست، بلکه به این معناست که آن گاه این تأثیرپذیری مثبت و ارزنده است که اصول و ارزش های اسلامی ما را تحت شعاع قرار ندهد و آنها را به دست فراموشی نسپارد.

متأسفانه، غرب زدگی در روابط اجتماعی که تا حدودی تأثیر پذیرفته از تهاجم فرهنگی است، از سه بعد، پی آمدهای ویرانگری بر روابط اجتماعی مسلمانان ایجاد کرده

ص: ۸۰

است:

الف) دور شدن مسلمانان از بعد معنوی در روابط با همدیگر

مسلمانان و مؤمنان، بسان پیکر یگانه ای هستند که خلل در رفتار یک عضو بر دیگر اعضا نیز تأثیر می گذارد.(۱) این به معنای وجود ارتباطی روحانی و عاطفی میان مسلمانان است. این بعد عاطفی و معنوی که ویژگی رفتارهای اجتماعی جامعه اسلامی است، به دنبال تأثیرپذیری از غرب و به اصطلاح «مدرنیزاسیون» کم کم رنگ باخته است و امروزه کمتر شاهد این حس اسلامی در رفتار میان همسایه ها، همکاران، هم کلاسی ها و... به عنوان افرادی از گروه مسلمانان هستیم.

از ابتدایی ترین پی آمدهای منفی غرب زدگی در رفتار، همین دوری و کم رنگ شدن احساس دل بستگی به یکدیگر است که پی آمدهای ویرانگر خود را بر دیگر روابط (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و...) بر جای گذاشته است. البته منظور از غرب زدگی در رفتار به عنوان آسیب، همین مسائل منفی و غیراسلامی است که سبب دور شدن مسلمانان از همدیگر و احساس فاصله در بین خود و دیگر مسلمانان است.

ب) منفعت گرایی فردی در روابط اجتماعی

نکته منفی دیگری که به دنبال غرب زدگی روابط اجتماعی، در رفتارهای جامعه نمود یافته، منفعت جویی فردی حتی در برقراری و استمرار روابط اجتماعی با دیگر مسلمانان است. به بیان بهتر، روابط اجتماعی و دوام آن تابعی از منفعت فرد شده است و افراد نه تنها به مفاهیمی مانند ایثار، کمک به هم نوع، کمک به مستضعفان، فقیران و... کم توجه شده اند، بلکه گاه دیده می شود برای تحقق منافع فردی خود رابطه ای را پررنگ تر یا کم رنگ تر می کنند.

این در حالی است که از نظر آموزه تولّی در میان مسلمانان نه تنها گرایش به منفعت، اولویت درجه دوم به شمار می آید، بلکه در برقراری روابط اجتماعی با دیگر

۱- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۸۳.

مسلمانان جایگاهی ندارد و اصطلاح هایی همچون کمک، ایثار به هم کیش، هم دردی با دیگر مسلمانان و مفاهیمی از این دست، دارای ارزش مذهبی در روابط اجتماعی درون جامعه اسلامی است.

لازم به بیان است که حتی در روابط اقتصادی اسلامی نیز، منفعت گرایی جایگاهی ندارد و وضع احکامی مانند: قرض الحسنه، صدقه، کمک به فقیران، حرمت ربا و... بیانگر کم اهمیتی سود و منفعت فردی در روابط با دیگر مسلمانان است.

ج) گرایش به نوعی هم زیستی مسالمت آمیز

در آیین اسلام، مسلمانان دل بستگی عاطفی شدیدی نسبت به همدیگر دارند و وجود احکامی مانند: جویا شدن از حال همدیگر، احکام همسایه ها، کمک و هم دردی با یتیمان و... از این نوع است. افزون بر این، تولّی با مفهومی که ارائه شد، هرگز به مسلمانی اجازه نمی دهد که خود را جدا از دیگر مسلمانان بداند(۱) و در پی زدودن مشکلات دیگران و اجتماع مسلمانان نباشد.

براساس منطق روابط غربی، رفتارهای اشخاص دیگر تا زمانی که به حوزه خصوصی فرد لطمه وارد نسازد و در چارچوب قانون و عرف جامعه صورت پذیرد، پذیرفتنی و تأیید شده است. ازاین رو، برای یک انسان غربی احساس عاطفی نسبت به دیگران در جامعه خیلی کم رنگ و ناچیز است.

فقر عاطفی در جامعه غربی به ویژه در خانواده ها که مهد عاطفه و محبت است، از جمله نکته های منفی است که در منطق روابط اجتماعی اسلام جایگاهی ندارد. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله مؤمنان و جامعه اسلامی را همچون یک پیکر واحد می داند که اگر یک عضو به درد آمده باشد، اعضای دیگر نیز دردناک خواهند شد.(۲) در این شریعت،

۱- نک: احادیثی در این زمینه از: میزان الحکمه، ج ۱، ص ۶۳۹ .

۲- همان، ج ۴، ص ۲۸۳.

هم زیستی مسالمت آمیز، جویا نشدن اوضاع و احوال همسایه ها، همکاران و... و اساسا بی تفاوت بودن در قبال مشکلات و گرفتاری های آنها کاملاً مردود است.

همان گونه که پیش تر گفتیم وضع احکامی مانند امر به معروف و نهی از منکر دلیل روشنی بر این اصل اساسی در دین اسلام است که سرنوشت دیگران برای هر مسلمانی بسیار بااهمیت و مورد سفارش است؛ یعنی انحراف یک مسلمان نمی تواند جدا از دیگر مسلمانان تصور شود، بلکه مسلمانان دارای پیوندهای روحانی و علقه های مذهبی شدیدی هستند که این وداد ایمانی، همه را متعلق به همدیگر و مشکلات یک مسلمان را مشکل تمامی جامعه اسلامی می داند. بر این اساس، مسلمانانِ دیگر در حل آنها به کمک او خواهند شتافت.

نتیجه گیری و ارائه راهکار اصلاحی

از آنچه در زمینه غرب زدگی روابط بیان داشتیم، به طور کلی تفاوت های آشکار میان رفتارهای اجتماعی غربی و رفتار اجتماعی اسلامی روشن شد.

بنابراین، تنها راهکاری که می تواند اصلاحگر وضعیت رفتارهای اجتماعی ما باشد، بازگشت به آموزه های اسلامی و عمل بر مبنای نظریه اسلامی روابط اجتماعی براساس تولّی و تبرّی است. بدیهی است در این بازگشت، فعالیت نهادهای مرتبط فرهنگی، اسلامی، وزارت ارشاد و به طور کلی سازمان هایی که در بعد اسلامی ــ تبلیغی دین فعالیت دارند، ضروری است و زمانی می توانیم کارآیی این بازگشت به آموزه تولّی و تبرّی را تضمین کنیم که جایگاه عملی این موضوع کاملاً تبیین شود. افزون بر آن، با استفاده از ابزارهایی تبلیغی ــ رسانه ای، زوایای برتر این نظریه اسلامی در مقابل نظریه های غربی برای قشرهای گوناگون جامعه، به ویژه جوانان روشن گردد. در این صورت، جوانان از ظاهر بی روح رفتارهای غربی تقلید نخواهند کرد و تنها جنبه های مثبت و ارزنده آن را فرا خواهند گرفت.

۲. روابط سیاسی نادرست

اشاره

در زمینه روابط سیاسی براساس تولّی و تبرّی، با مشکلاتی چه در بعد داخلی و

چه در بعد خارجی روبه رو هستیم. بعد خارجی را در فصل بعدی و در آسیب شناسی حکومت اسلامی مطرح می سازیم، ولی در مورد رفتارهای سیاسی در درون جامعه مسلمانان نیز آسیب ها و چالش هایی را می توان برشمرد که در حد توان این نوشتار به برخی اشاره می شود:

الف) کم رنگی ایمان برخی فعالان سیاسی

نقش ایمان اسلامی فعالان سیاسی در رقابت های سیاسی از اهمیت بالایی برخوردار است. باید گفت ضروری است کسانی که به کارهای سیاسی در جامعه اسلامی می پردازند، دارای مراتب بالای ایمان باشند. دلیل این مسئله، در نقش مؤثر ایمان در کنترل انگیزه ها و منافع فعالان سیاسی و تنظیم آنها بر مبنای هدف های اسلامی حزب یا تشکل سیاسی است.

در این منطق، حذف رقیب سیاسی، تخریب شخصیت سیاسی دیگران، توهین، تهمت، دروغ و... نمی تواند وجود داشته باشد؛ زیرا «ایمان» همچون سدی استوار از راه یافتن این صفات منفی در کارهای سیاسی و رقابت سالم حزبی جلوگیری خواهد کرد.(۱)

رقابت سیاسی آن گاه از نظر اسلامی پذیرفتنی و مشروع است که به منظور حفظ انسجام مسلمانان و جامعه اسلامی باشد، وگرنه رقابت در جهت حفظ منافع تشکل سیاسی و یا هدف های مغایر با موازین اسلامی، از نظر شریعت اسلام و روابط سیاسی براساس تولّی و تبرّی مردود است.

نکته دیگری که در پرتو حرکت در چارچوب ایمان استوار و تولّی و تبرّی برای گروه های سیاسی ضرورت می یابد، همکاری نکردن با دشمنان اسلام و نپذیرفتن آنها در احزاب جامعه اسلامی و به اصطلاح طرد عقیدتی آنهاست.

۱- ۱ . همان، ج ۱، صص ۱۹۰ و ۱۹۷ و ۱۹۴. اشاره به این است که مسلمان در هنگام کار خلاف، مؤمن با ایمان نیست.

ب) پیروی از منافع حزبی به جای مصلحت امت اسلامی

دومین آسیبی که در رقابت های سیاسی امروز می توان آن را دید، حرکت در مسیر منافع سیاسی حزب بدون در نظر گرفتن مصلحت امت و جامعه اسلامی است. فعالیت سیاسی و تکثر سیاسی در جامعه اسلامی، تنها برای احزاب اسلامی ممکن است و این احزاب نیز باید(۱) برنامه های سیاسی خود را در چارچوب انسجام و وحدت جامعه اسلامی تنظیم کنند. این در حالی است که گاه، در فعالیت سیاسی برخی احزاب تنظیم برنامه برای رسیدن به مقام یا کرسی های خاصی بدون توجه به ایجاد تفرقه و چند دستگی سیاسی در جامعه اسلامی دیده می شود.

به یقین، هدف اسلام از تکثر سیاسی در جامعه مسلمانان پیروی از منافع حزب خاص یا شخص خاصی نیست. بنابراین، ضروری است تا احزاب موجود، در کارهای سیاسی با دقت تمام در حفظ اصول و ارزش های اسلامی بکوشند و در چارچوب موازین شرعی برای تحقق یک پارچگی جامعه اسلامی گام بردارند.

گرفتن بودجه برای کار سیاسی از دشمنان نظام و دخالت افرادی که پای بندی چندانی به ارزش های اسلامی ندارند، برای رسیدن به هدف های سیاسی و انتخاباتی در کوتاه مدت، در منطق سیاسی دین اسلام مردود و خلاف شرع است.

نکته پایانی که باید در کار سیاسی لحاظ شود اینکه در رقابت های سالم سیاسی، احزاب نباید فراموش کنند که رقابت آنها همراه با تولّی است و بر این اساس، همکاری و هماهنگی برنامه های سیاسی از ضروریات کار حزبی و سیاسی در شریعت اسلام است.(۲) براین مبنا، فعالیت جداگانه هریک از احزاب برای هدف های خاص سیاسی خود، بدون هماهنگی با هدف اصلی فعالیت های سیاسی در نظام اسلامی، نمی تواند آرمانی اسلامی باشد.

۱- مبانی فقهی مشارکت سیاسی، ص ۳۷۶.

۲- همان، ص ۳۸۷.

فصل دوم: آسیب شناسی حکومت اسلامی در بعد تولّی و تبرّی

اشاره

در فصل های پیشین به بحث های نظری تولّی و تبرّی به عنوان یک اصل راهنما در سیاست خارجی حکومت اسلامی پرداختیم و همان گونه که دیدیم تولّی و تبرّی به لحاظ نظری زمینه بررسی فراوانی را از بُعد سیاست حکومت اسلامی داراست و اساسا می توان از آن به عنوان یکی از اصول دیپلماسی خارجی اسلام تعبیر کرد.

در حوزه اجرا و عمل، برخی عملکردها و تصمیم گیری ها با بحث های نظری صرف، منطبق نبوده و همراه با ملاحظه هایی شده است. توجه به این مسئله در کنار اهداف این نوشتار که یکی از آنها معرفی تولّی و تبرّی به عنوان مبنای ایجاد رابطه با دولت ها و کشورهای دیگراست، ضرورت ایجاد یک مبحث آسیب شناسی را به خوبی نشان می دهد.

پرداختن به آسیب ها و موانع پیش روی این آموزه الهی، به منظور عملی شدن آن در سیاست های حکومت اسلامی از ضروری ترین گام هاست که با شناخت و آگاهی از این آسیب ها می توان در کنار رفع آنها، مسیر عملی شدن این اصل سیاست اسلامی را نیز در حکومت اسلامی هموار ساخت.

۱. واقع گرایی به جای اصول گرایی

پیش از پرداختن به بحث اصلی، لازم به توضیح است که ملاحظه های سیاسی و منافع کشورها در برخی موارد، با اصول ارزشی و اعتقادی آنها اصطحکاک می یابد و به ناچار دولت را به تصمیم گیری در برابر عمل به واقعیت ها یا ارزش ها مجبور می کند.

این مسئله در مورد حکومت اسلامی با دقت و ظرافت دو چندانی مطرح است. دلیل این اهمیت نیز از اصول ارزشی و اعتقادی اسلام و تفاوت آنها با برخی اصول سیاست های فرهنگ غربی ناشی می گردد. این مشکل در زمینه تولّی و تبرّی نیز به عنوان یک آسیب جدی مطرح است؛ زیرا برابر اصل سیاست اسلامی، حکومت اسلامی وظیفه دارد در برقراری روابط خارجی با دیگر کشورها ملاحظه هایی را بکند و از ایجاد و

توسعه روابط با برخی کشورها و دولت ها بپرهیزد. درحالی که گاه واقعیت های خارجی چیزی متفاوت با این اعتقاد و ارزش اسلامی را بر حکومت اسلامی تحمیل می کند و حکومت اسلامی را در مسیری متفاوت از تولّی و تبرّی قرار می دهد.

پرسش اساسی در اینجا این است که آیا می توان بر مبنای واقعیت های خارجی و واقع گرایی، اصول ارزشی و اعتقادی، از جمله برقراری رابطه براساس تولّی و تبرّی را دچار جرح و تعدیل کرد، یا اینکه اصول اسلامی و ارزشی و به ویژه برقراری رابطه با دیگر کشورها براساس تولّی و تبرّی، نباید در عمل با مسامحه نگریسته شود؟

پاسخ به این پرسش، در حقیقت راهکاری برای این آسیب در زمینه تولّی و تبرّی است؛ زیرا به عنوان مصداق عینی آن می توان رابطه با انگلیس را مثال زد که از سویی به دلیل صدق عنوان متخاصم به آن، باید با تبرّای حکومت اسلامی روبه رو شود و از سوی دیگر، به دلیل تأثیر آن بر پرونده هسته ای ایران و رأی و نظر آن در آژانس انرژی اتمی، مصلحت، در حفظ رابطه با آن کشور و انجام مذاکره با دولت انگلیسی است. اکنون پرسش پیشین در اینجا نیز مطرح می شود که آیا وظیفه حکومت اسلامی همان تبرّی است یا عمل به واقعیت ها و مصلحت های امروزی؟

در پاسخ به این پرسش مهم باید یادآور شد که افراط و تفریط در هر دو قسمت یعنی «واقع گرایی» و «ارزش گرایی» نمی تواند چاره ساز باشد.(۱) افزون بر اینکه مصلحت سنجی در باورهای شیعه و رهنمودهای امام راحل رحمه الله به عنوان جزیی ازسیاست های حکومت اسلامی قابل بحث است.

مسئله مهم و حیاتی در مورد تولّی و تبرّی، اصول خدشه ناپذیر اسلامی مانند حفظ عزت مسلمانان و نفی سبیل است که به هیچ وجه مصلحت در آنها راهی نخواهد داشت؛ زیرا به عنوان خط قرمزهای اسلامی مطرح هستند.

ص: ۸۷

۱- برای تبیین بیشتر نک: عباس علی عمید زنجانی، فقه سیاسی، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۶، ج۳، ص ۵۸۹.

با این دو مقدمه، اکنون می توان در پاسخ به پرسش نخست این گونه گفت:

۱. رعـایت تولّی و تبرّی چونان اصـلی اسـتوار از سوی حکومت اسـلامی در برقراری رابطه با دیگر کشورها ضـروری و واجب است، ولی این نکته نباید حکومت اسلامی را از توجه به واقعیت ها و مصلحت های موجود دنیا دور سازد.

۲. در دخـالت دادن واقعیت هـای جهـانی و مصـلحت سـنجی در زمینه تولّی و تبرّی بایـد به حفظ عزت مسـلمانان و نفی سبیل توجه ویژه کرد.

پس، واقع گرایی در تولّی و تـبرّی برای حکومت اسـلامی، زمـانی پـذیرفتنی است که رعـایت حرمت و عزت مسـلمانان (نفی سبیل و...) در آن شده باشد، در غیر این صورت، هیچ گاه نمی توان بر اساس واقع گرایی سیاستی در پیش گرفت که افزون بر تعـدیل آموزه تولّی و تبرّی به برتری کافر و کشور غیراسـلامی بر مسـلمانان بینجامد. چنین پرسشـی در برقراری رابطه با امریکا نیز قابـل طرح و پاسـخ است. بـا این تفاوت که به دلیل چپاولگری و زورگویی نمی توان با مصـلحت سـنجی در مورد برقراری رابطه بـا امریکا یا تبرّی از آن تصـمیم گیری کرد؛ زیرا بی گمان به دلیل متخاصم بودن و خوی اسـتکباری داشـتن این کشور، حکومت اسـلامی تنها بایـد سـیاست تبرّی را در رابطه با این کشور در پیش گیرد و تا زمانی که خط مشـی این دولت و کشور تغییر پیدا نکند، نمی توان بر مبنای مصـلحت و واقع گرایی با آن برخورد کرد و تنها سـیاست اسلامی و شرعی براساس تولّی و تبرّی دوری جستن و بیزاری از هرگونه رابطه ای با این کشور است.

۲. تعهدات حکومت اسلامی

از دیگر آسـیب هایی که ممکن است حرکت براساس تولّی و تبرّی را در سـیاست خارجی حکومت اسـلامی محدود کند یا با ملاحظه هایی همراه سازد، تعهـدها و قراردادهایی است که حکومت اسـلامی در عرصه بین المللی به آنها پای بند می گردد و براساس آموزه های الهی و اصولی همچون وفای به عهد و مسائل حقوق بین الملل ملزم می گردد که به مفاد آن عمل کند.

زمانی این مسئله به عنوان آسیب در زمینه تولّی و تبرّی مطرح می شود که مفاد این

قراردادهـای بین المللی بـا سـیاست اسـلامی و به ویژه برقراری رابطه براسـاس تولّی و تبرّی، در مقابل هم قرار گیرنـد. به عنوان نمونه، بر مبنـای یکی از چهـار اصـل سازمـان تجـارت جهـانی؛ با کشورهای عضو این سازمان در روابط اقتصادی خود بایـد به صورت شرط (دولت کامله الوداد) عمل گردد و از هرگونه تبعیض در تجارت بین الملل میان اعضا جلوگیری شود.(۱)

حال در صورت عضویت حکومت اسـلامی و متعهـد شـدن آن به هـدف ها و اصول این سازمان، حکومت اسـلامی نمی تواند روابط اقتصادی خود را با کشورهای غیرمسلمان براساس تولّی و تبرّی تنظیم کند و از داشتن روابط با کشورهای کافر متخاصم سرپیچی کند.

در چنین مواردی تعهدات بین المللی و الزام های حکومت اسلامی به صورت یک آسیب و مانع در مسیر آموزه ای مانند تولّی و تبرّی قرار می گیرد و در عمل به این اصل سیاست اسلامی اختلال ایجاد می کند.

برای پرهیز از چنین موقعیـتی و به عنـوان راهکـار عملی، بایـد سـیاست مـداران حکومت اسـلامی بـا عضویت در معاهـده هـا و سازمان های بین المللی به طور اصولی و منطقی برخورد کنند و پس از بررسی های کارشناسانه و آگاهی از پی آمدهای التزام به این معاهده ها در پذیرش یا رد آنها تصمیم بگیرند.

گفتنی است پیوستن به تعهدات و کنوانسیون های الزام آور و شانه خالی کردن از زیر بار تعهدات آنها به دلیل مسائل اعتقادی و ارزشی، سبب ابهام در سیاست حکومت

۱- نک: تحلیل پیرامون تجارت، تجربه عملی پیوسـتن برخی از کشورها به سازمان تجارت جهانی و آثار اقتصادی الحاق ایران به آن، وزارت امور اقتصاد و دارایی، معاونت امور اقتصادی، ۱۳۷۴، صص ۱۶۰ و ۱۶۱. «اصل اول از ۴ اصل اساسی و مهم این سازمـان عبـارت اسـت از: «تعمیم بی قیـد و شـرط اصـل معروف»، «دولت کـامله الـوداد» و «جلـوگیری از اِعمـال تبعیض میـان کشورهای متعاهد در تجارت بین الملل».

اسلامی از یک سو و سوء استفاده دشمنان نظام اسلامی از سوی دیگر خواهد شد(۱) که به یقین، این مسئله نمی تواند مورد پذیرش نظام اسلامی و نظام بین الملل قرار گیرد.

افزون بر این، از آنجا که مهم ترین محدودیت برای عمل براساس مبانی دیپلماسی به ویژه تولّی و تبرّی، از معاهده های بین المللی و مسائلی مانند: نظم بین الملل، اقتصاد بین الملل و... ناشی شده است، شایسته است ضمن دقت های کارشناسانه نسبت به پذیرش یا رد این معاهده ها تصمیم گیری شود.

۳. فشار قدرت های استکباری

عامل دیگری که از آن به عنوان آسیب جدی برای آموزه تولّی و تبرّی باید نام برد، نقش منفی قدرت های استکباری در جهان است. یک پارچگی امت اسلامی و داشتن روابط دوستانه و برادرانه، هیچ گاه خواست قدرت های استکباری نیست. ازاین رو، تمام تلاش این دولت ها به ویژه در سال های اخیر بر تضعیف این روند قرار گرفته است و در این راه، از تمامی ابزارهای قانونی و غیرقانونی بهره برده اند.

نمونه روشن این مسئله، در فشار بر ایران به دلیل حمایت از فلسطین و مبارزان فلسطینی است؛ درحالی که رهنمودهای بنیان گذار جمهوری اسلامی و آموزه های الهی ــ همان گونه که اشاره شد ــ حکومت اسلامی را موظف می سازد که اولاً براساس تولّی از جنبش ملت فلسطین حمایت های لازم را به عمل آورد و ثانیا براساس تبرّی، قطع رابطه و اعلام بیزاری خود را از رژیم غاصب صهیونیستی اعلان کند. این درحالی است که سیاست کشورهای استکباری در جهتی است که با تروریست جلوه دادن جنبش ملت فلسطین، هم از آنها نمادی منفی در اذهان جهانیان ترسیم کنند و هم فشار افکار عمومی دنیا را به دلیل حمایت ایران از فلسطین برانگیزند. به عبارت بهتر، سیاست این قدرت ها براین قرار گرفته است که سیاست ایران اسلامی را در عین منفی جلوه دادن به شدت

ص: ۹۰

۱- سید صادق حقیقت، مسئولیت های فراملّی در سیاست خارجی دولت اسلامی، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، معاونت اندیشه اسلامی، مرداد ۱۳۷۶، ص ۵۳۵.

تضعیف کنند.

راهکـار منـاسب برای رویـارویی بـا این نقش منفی قـدرت های اسـتکباری و تأثیر آن بر تضـعیف سـیاست تولّی و تبرّی، تبیین سیاست های نظام اسـلامی است. حکومت اسلامی باید برای توجیه افکار عمومی از راه های گوناگون ملی و فراملی عمل کند و سیاست های خود را برای مردم دنیا بازگو سازد و با تفسیری درست و اسلامی، انسانی بودن حمایت خود را به اثبات برساند و در سـیاست های عملی خود نیز از هیـچ نوع کمک و پشتیبانی از این مسـلمانان کوتاهی نکنـد، بلکه از ابزارهای مشـروع بین المللی نیز در این باره کمک گیرد.

نکته دیگری که بایـد حکومت اسـلامی در سـیاست های نظری و عملی خویش در نظر داشـته باشد، مبارزه معنوی علیه قدرت هـای اسـتکباری اسـت. دلیـل ایـن امر نیز در ادعـای مسـیحی بـودن قـدرت هـای بزرگ و دفـاع از حقـوق انسـانی از سـوی آنهاست.(۱) ازاین رو، می توان با اسـتفاده از آموزه های مسیحیت و اصول انسانی که مورد پذیرش همه ادیان و انسان هاست، بـا فشـار بر قـدرت هـای بزرگ به منظور تضـعیف برقراری رابطه میـان مسـلمان ها و پشتیبانی از آنها بر مبنای تولّی، مبارزه ای منفی علیه استکبار جهانی شکل داد.

۴. ضعف در خط مشی سیاسی و اجرای سیاست خارجی اسلامی

پیش از آسیب شناسی این موضوع، باید اندکی در مورد مراحل شکل گیری سیاست خارجی در حکومت اسلامی اندیشید:

۱- حضـرت امـام رحمه الله در سـخنانی به این نوع مبارزه اشاره داشـته است: «روحانیت مسـیح موظف است به حسب تعلیمات مسـیح علیه السـلام و به حسب تعلیم خدای بزرگ که با این قدرت هایی که برخلاف مسـیر انبیا و برخلاف مسـیر مسـیح رفتار می کنند مبارزه معنوی بکند... هدایت کنند ملت مسـیح را که تبعیت از این قدرت هایی که بر ضد مسـیح هست نکنند». نک: صحیفه امام خمینی رحمه الله، ج ۱۱، ص ۴۰۷.

به طور کلی، تدوین سیاست خارجی در حکومت اسلامی در سه مرحله صورت می گیرد:

ـ تنظیم مبانی عقیدتی براساس آموزه های وحیانی و الهی؛

ـ تعیین خط مشی های سیاسی با به کارگیری مبانی اعتقادی؛

ـ اجرای سیاست ها.(۱)

با توجه به بحث های نظری که در فصل های پیشین مطرح شد، روشن می شود که در مرحله اول، یعنی تنظیم مبانی عقیدتی که زیربنای سیاست خارجی را تشکیل می دهد، مشکلی وجود ندارد و به آسانی می توان در جنبه های مختلف سیاست اسلامی بحث و تبادل نظر داشت. علت این نکته نیز در دخالت نداشتن واقعیت های جهانی و عنصر زمان و مکان و ارائه بحث های نظری خلاصه می شود. با وجود گستردگی بحث ها در مرحله اول، در مرحله دوم (تعیین خط مشی ها) و سوم (مرحله اجرا) به دلیل دخالت متغیرهای جدی، مسئله ظرافت ویژه ای می یابد؛ به این معنا که سیاستی همانند تولّی و تبرّی با کمیت و کیفیت این متغیرها همسو است و هماهنگی می یابد.

برای روشن تر شدن مسئله، باید گفت که دخالت متغیرهایی مانند: ماهیت نظام بین الملل، نگرش هیئت حاکمه، توانایی های واحد سیاسی و نیازهای جامعه در فرآیند شکل گیری خط مشی های سیاست حکومت اسلامی (مرحله دوم) و نیز دخالت عناصری مانند خط مشی کلان سیاست خارجی، ویژگی های کارگزاران سیاست خارجی، تحولات برهه ای در کارگزاران سیاست های خارجی و...، در مرحله اجرای سیاست خارجی اسلامی، حرکت اسلامی براساس آموزه های دینی را با آسیب ها و موانع احتمالی روبه رو می سازد.

اگر امروزه در تنظیم روابط حکومت اسلامی براساس تولّی و تبرّی احساس ضعف

۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه نک: مسئولیت های فراملی در سیاست خارجی حکومت اسلامی، ص ۴۹۷ به بعد.

می شود، باید علت آن را در متغیرهای مرحله دوم و سوم فرآیند شکل گیری سیاست در حکومت اسلامی جست وجو کرد.

لازم به یادآوری است که اهمیت این متغیرها تا جایی است که دگرگونی در آنها به طور محسوسی بر سیاست های حکومت اسلامی تأثیرگذار می شود. به عنوان نمونه، در مرحله سوم، یعنی اجرای سیاست، تحولات مقطعی در کارگزاران سیاسی که یکی از متغیرها در این قسمت است، به آسانی می تواند بر کمیت و هم در کیفیت اجرای یک سیاست اسلامی تأثیر مثبت یا منفی ـ بسته به نوع تغییر در هر متغیر ـ داشته باشد.

در زمینه تولّی و تبرّی و تنظیم روابط خارجی حکومت اسلامی براساس آن نیز نباید از اهمیت این عناصر غفلت ورزید؛ چون حرکت بر مبنای این آموزه یک فرآیند است و به طور طبیعی باید به دخالت متغیرهای فراوانی در این فرآیند توجه داشته باشیم. ازاین رو، تا هنگامی که این متغیرها در جهتی مناسب و همسو با تولّی و تبرّی تغییر پیدا نکنند، به یقین در این اصل اسلامی با مشکل روبه رو می شویم.

نکته پایانی در این قسمت، یافتن علت ضعف و راهکار حل این ضعف ها در متغیرهاست؛ یعنی تنها راهکار عملی برای اصلاحِ جهت گیری های حکومت اسلامی بر مبنای تولّی و تبرّی، ارتقای کیفیت این متغیرها و هماهنگ کردن آنها با مبانی عقیدتی اسلامی (مرحله اول) است؛ همچنان که علت ضعف های احتمالی نیز در همین متغیرها نهفته است.

اکنون برای فهم بهتر این متغیرها مهم ترین آنها را در زیر می آوریم. البته بدیهی است که تأثیر این متغیرها، تنها در آموزه تولّی و تبرّی خلاصه نمی شود، بلکه بر تمامی سیاست های حکومت اسلامی تأثیرگذار است.

برخی متغیرهای مرحله دوم (شکل گیری خط مشی حکومت اسلامی) عبارتند از:

۱. ماهیت نظام بین الملل؛

۲. چگونگی نگرش هیئت حاکمه؛

۳. توانایی های واحد سیاسی؛

۴. نیازهای عینی جامعه؛

۵. فرهنگ سیاسی کشور.

برخی متغیرهای مرحله سوم (اجرای سیاست) نیز بدین شرح است:

۱. خط و مشی اتخاذ شده در کلان سیاست خارجی؛

۲. ساختارتصمیم گیری در حکومت؛

۳. توانایی های کارگزاران سیاست خارجی اسلامی؛

۴. دگرگونی های مقطعی در واقعیت های جهانی؛

۵. دگرگونی های مقطعی در کارگزاران.

ص: ۹۴

بخش چهارم: همراه با برنامه سازان

بایدها و نبایدهای کلان در برنامه سازی ها بر مبنای تولّی و تبرّی

امام صادق علیه السلام در حدیث مشهوری می فرماید:

مؤمن برادر مؤمن و بسان پیکری واحد و یک پارچه است. اگر یک عضو یا قسمتی از این پیکر ناراحت و دردناک شود، تمام آن دردناک می شود و روح های این دو برادر مؤمن همانند روحی واحد و متصل است. (۱)

این حدیث، بیانگر ضرورت های اساسی در زمینه سیاست گذاری صدا و سیما به عنوان یکی از متولیان فرهنگ سازی کشور است. تمامی برنامه ریزی ها در رسانه ملی باید با هدف ایجاد روحیه برادری و احساس تعلق خاطر روحی نسبت به دیگر مؤمنان و مسلمانان باشد. تأکید امام صادق علیه السلام نیز در قسمت آخر، بر همین روحیه احساس علاقه و نیاز و همدلی است.

ایجاد فرهنگ هم دردی و روحیه مشترک در جامعه اسلامی از ابتدایی ترین ضرورت هایی است که باید در سیاست گذاری های صدا و سیما به صورت کلان برنامه ریزی و پی گیری شود.

از سوی دیگر، تلاش در جهت حذف فرهنگ ها و رفتارهایی که از روحیه خودخواهی و منفعت خواهی و... ناشی می شود، وظیفه خطیر دیگری بر صدا و سیما در سطح کلان است.

۱- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۴۸.

ترویج تولّی بـا نگاهی که در این نوشـتار به آن صورت گرفت، برای موفقیت برنامه ریزی و فرهنگ سازی ضـروری و الزامی است. در برنامه ریزی اهمیت این نگاه ویژه به تولّی از دو مسئله ناشی می شود.

۱. نهـادینه کردن ارزش ها و آموزه های اسـلامی، از اولی_fe'ترین وظایف مورد تأکید در سیاست های یک رسانه اسـلامی است. (۱)

۲. موفقیت رسانه در پاسخ مناسب به نیازهای مخاطبان خود است. این قاعده کلی می طلبد تا صدا و سیما، سیاست های خود را برای اقنـاع و فرهنـگ سـازی و تأثیر بر همه مخاطبان خود با اصول و ارزش های اسـلامی هماهنگ سازد. اصـلاح رفتارهای اجتمـاعی در جـامعه اسـلامی نیز از این امر مسـتثنا نیست و ازاین رو، طـبیعی است که ترویـج و برنـامه ریزی بـا هـدف نهـادینه ساختن تولّی و احساس دل بستگی در میان مخاطبان صدا و سیما، موفقیت بیش تری را به جای می گذارد.

لحظه شناسـی و اسـتفاده بهینه از ظرفیت هـای موجود در جـامعه، از موارد مهم در برنـامه ریزی رسـانه است. به بیـان دیگر، در سیاست گذاری ها باید: نیاز مخاطب به درستی درک شود؛ زمان و موقعیت مناسب پاسخ به این نیاز از سوی کارشـناسان علوم ارتباطات مشخص شود؛ قالب مناسبی برای این پاسخ در نظر گرفته شود.

در زمینه تولّی و تبرّی موفقیت سـیاست هـای کلاـن صـدا و سـیما، به این سه مسـئله بسـتگی دارد؛ یعنی بایـد بـا شـناخت دقیق معضـلات اجتماعی در جامعه اسـلامی، سـیاست های لازم فرهنگی و آموزشـی در رسانه وضع شود و نیز زمان مناسب و شبکه هـای مختلف رسـانه بـا تنـاسب نوع و حجم کـار و سـیاست فرهنگی و... تنظیم و انتخاب شود. همچنین چگونگی ارائه تولّی و تبرّی نبایـد تنها در قالب های کلیشه ای باشد. اسـتفاده از نمادها، صـحنه ها، فرهنگ سازی مخفی در خلال سـریال و برنامه ها و...

۱- نک: اهداف، اولویت ها، سـیاست ها و ضوابط تولید و تأمین و پخش برنامه ها در صدا و سـیما، مرکز طرح و برنامه ریزی، معاونت تحقیقات و برنامه ریزی، صص ۵ _ ۱۶ اهداف کلان و اصلی.

نیز باید در این سیاست ها رعایت شوند.

تأکید و اهتمام به «بایدها» در سیاست تنظیم روابط اجتماعی جامعه اسلامی بر مبنای تولّی و تبرّی نبایست ما را از «نبایدها» در این موضوع غافل سازد. بررسی باید با بررسی کارشناسانه و نظارت کامل بر چگونگی اِعمال سیاست های کلی رسانه از ارائه رفتارها و روابط ناسازگار با تولّی و تبرّی جلوگیری شود. بدین منظور، حذف برنامه ها و رفتارهای ناسازگار با آموزه تولّی و تبرّی، باید از اولویت های اساسی در سیاست صدا و سیما قرار گیرد. همچنین توسعه ندادن این رفتارهای نادرست اجتماعی، از نبایدهایی است که باید در برنامه ریزی رسانه در نظر گرفته شود.

استفاده نکردن ابزاری از تعامل های نادرست برای جذابیت یا نقد این گونه روابط حتی در برنامه های طنز، از دیگر نبایدهایی است که ضروری است به صورت کلان در برنامه سازی ها و برنامه ریزی های صدا و سیما مورد توجه قرار گیرد.

به طور کلی می توان موارد زیر را به عنوان اصولی که «باید» و «نبایدهای» برنامه ریزی کلان در صدا و سیما شایسته است براساس آنها تعیین و تنظیم گردد، به دست داد:

اصول برنامه سازی بر مبنای تولّی

۱. پرداختن به «روابط اجتماعی مسلمانان» بر مبنای تولّی در برنامه های تخصصی یا رادیویی و شبکه های تخصصی؛

۲. ایجاد و توسعه فضای اعتماد عمومی و حسن اعتماد در تعامل های جامعه اسلامی؛

۳. پرداختن به مسائل «اهل ذمه» و «اقلیت های مذهبی» و چگونگی روابط مسلمانان با آنها در جامعه اسلامی؛

۴. تمرکز بر سیره علوی و الگوبرداری از آن در زمینه روابط اجتماعی جامعه اسلامی.

اصول برنامه سازی بر مبنای تبرّی

۱. اهتمام به حفظ عزت و احترام مسلمانان در برابر کافران حتی در چهره پردازی و مسائل فنی برنامه سازی مانند گریم و...؛

۲. توسعه نقاط تفاهم و اتصال میان کشورهای مسلمان؛

۳. ایجاد نفرت و انزجار ملی و فراملی (در حد توان رسانه) از استکبار جهانی و خوی استکباری؛

۴. پرداخت برنامه ریزی شده به تبرّی از اسرائیل.

ارزیابی فعالیت رسانه در بحث تولّی

۱. در زمینه روابط اجتماعی مسلمانان

اشاره

وظیفه صدا و سیما در این جایگاه، تقویت پیوندهای عاطفی مسلمانان و نیز تقویت ارزش های اخلاقی _ مذهبی مانند احترام، محبت، کمک به دیگران، گذشت، خوش گمانی، خیرخواهی در حق همدیگر، صداقت، راستگویی، خوش قولی، فروتنی، درستکاری، قناعت، دوری از رشوه خواری و دروغ گویی و دوری از نفاق و دورویی است.

فعالیت رسانه در سال های اخیر به ویژه در تحکیم این علقه ها و تعلق خاطرهابسیار مفید و در خور تقدیر است که به چهار مورد برجسته از این اقدام ها اشاره می کنیم:

جشن عاطفه ها

جشن عاطفه ها هر ساله پیش از بازگشایی مدرسه ها (۲۶ شهریور ماه) به همت و همکاری سازمان صدا و سیما و کمیته امداد امام رحمه الله برای کمک به خانواده های نیازمند برگزار می شود. این مراسم که یکی از کارهای مثبت صدا و سیما در زمینه گسترش فرهنگی تولّی در جامعه اسلامی است، افزون بر جنبه مادی، از جهت عاطفی و پیوند روحی با دیگر مسلمانان و احساس مسئولیت در برابر تک تک خانواده ها و افراد جامعه اسلامی نیز بسیار اهمیت دارد.

در این باره، تأکید و اهتمام رسانه در پررنگ ساختن بعد عاطفی و معنوی این فرهنگ اسلامی، در کنار جنبه مادی شایسته تقدیر است؛ زیرا همان گونه که در تولّی و نظر اسلام در مورد بعد عاطفی روابط اجتماعی بحث کردیم، نقش آموزه تولّی، ایجاد

ص: ۹۸

فضای عاطفی و پیوندهای روحی میان مسلمانان و به ویژه مؤمنان است. ازاین رو، طبیعی است تأکید این جشن باید بیشتر به جنبه عاطفی باشد که البته صدا و سیما در این زمینه خوب عمل کرده است.

جشن نیکوکاری

از دیگر کارهای مثبت رسانه در فرهنگ سازی بر مبنای تولّی، برگزاری جشن نیکوکاری در اسفند ماه هر سال با کمک و همکاری کمیته امداد امام خمینی رحمه الله است. توجه به نیاز خانواده های مسلمان بی بضاعت و کمک به آنها برای برگزاری مراسم ملی و سنتی «شب عید» از نکته های مثبت این حرکت است که افزون بر تأکید روی جنبه اسلامی و اخلاقی این مسئله، به تحکیم آداب و رسوم ملی ایرانی نیز می انجامد که با برجسته کردن این مراسم بروز و تجلی عواطف انسانی و عواطف پاک و معنوی مسلمانان را شاهدیم و همین بروز و پیوند علقه های روحانی، مبنای نظریه اسلام در روابط اجتماعی مسلمانان در جامعه اسلامی است.

جشن اکرام ایتام

در قرآن(۱) و احادیث فراوانی که از ائمه معصومین علیهم السلام(۲) رسیده است، نسبت به یتیمان و احسان به آنها سفارش فراوانی شده است. از سفارش های حضرت علی علیه السلام در لحظه های واپسین به امام حسن و امام حسین علیهماالسلام(۳) جایگاه یتیم نوازی و اکرام به آنها به خوبی درک می شود.

تمامی این سفارش ها نسبت به اکرام ایتام باید به بحث کلی تولای مسلمانان نسبت

۱- نک: بقره: ۸۳ _ ۱۷۷ و نساء: ۱۰.

۲- برای دیدن احادیث مختلف در مورد یتیمان نک: میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۷۰۷ به بعد.

۳- همان، ص ۳۷۰۸.

به همـدیگر که یـک قاعـده و اصـل کلی در جـامعه اسـلامی است، افزوده شـود تـا چگونگی پرداختن به این مقوله در جـامعه اسلامی روشن شود.

صـدا و سـیما با برپایی و کمک در اجرای جشن اکرام ایتام که در ۱۵ رمضـان هر سال و هم زمان با میلاد کریم اهل بیت امام حسن علیه السـلام برگزار می شود، اولین قـدم ها را در جهت نهادینه ساختن این فرهنگ اسـلامی در جامعه به خوبی برداشـته است؛ حق ایتام چیزی بیشتر و والاتر از این اقـدام های ابتـدایی است، ولی به هر تقدیر کار صدا و سـیما در توسـعه این فرهنگ در بعد درونی مسلمانان بسیار مفید و مؤثر بوده است.

جشن کمک به آزادی زندانیان دیه

بالاـ بودن درصـد زنـدانیانی که به دلیل ناتوانی اقتصادی در پرداخت دیه و خساراتی که در حوادث و سوانـح غیرعمـدی برای آنـان به وجود می آیـد، می طلبـد تـا افزون بر اقـدام هـای قـانونی و قضایی در راه حل این معضل اجتماعی ـ که می توانـد به بزهکاری های دیگری نیز بینجامد ـ سازمان های فرهنگی و اجتماعی نیز به کمک دستگاه قضایی بشتابند.

صـدا و سـیما در سـال هـای اخیر به عنوان یـک رسـانه ملی و مـذهبی و متولی فرهنـگ سازی براساس ارزش ها و آموزه های اسلامی گام های ارزنده ای در راه آزادی این افراد برداشته است.

ایجاد زمینه و فضایی که مردم بتوانند با کمک های نقدی خود، به نوبه خویش در آزادی این گونه زندانیان سـهیم شوند، کار مهمی است که باید آن را ارج نهاد.

این جشن همکـاری و بروز ظـاهری عـاطفه هـا و احسـاس هـای مشـترک اسـلامی، در روز مبـارکی هماننـد عیـد سـعید فطر با همکـاری کمیته امـداد امـام خمینی رحمه الله، سازمـان زنـدان هـا و صـدا و سـیما برگزار می شـود. اهمیت برگزاری این گونه مراسم، در گسترش دل بسـتگی های مشترک عاطفی و روحی مسـلمانان و شـرکت دادن آنها در حل مشـکلات دیگر برادران دینی و ایمانی است.

تولای اسلامی در بعد درونی ایجاب می کند تا مسلمانان مشکلات دیگر برادران ایمانی را همانند مشکل خود پی گیری کنند و تمام تلاش خود را در حل آنها به کار

ص: ۱۰۰

گیرند.

افزون بر این، کمک به آزادی این گونه زندانیان نه تنها، چون فضای احسان و یاری را تحکیم می دهد اولویت دارد، بلکه آزادی یک زندانی دیه، از معضلات احتمالی که ممکن است زندان برای خانواده و فرزندان فرد زندانی ایجاد کند جلوگیری می کند و این نکته مهمی است که تأثیرهای مثبت آن در دراز مدت به سود فرهنگ جامعه اسلامی است. ازاین رو، کار رسانه در برپایی این گونه جشن ها بسیار ارزنده و خداپسندانه است.

در پایان می توان نکته مهمی را به دست داد که ضروری است در سیاست های کلان رسانه پی گرفته شود. به عبارت بهتر، استعداد «احساس مشترک»، «پیوند عواطف»، «ایثار و هم دردی» و... که مصداق های تولای اسلامی در بعد روابط درونی است، در میان افراد جامعه وجود دارد و تنها لازم است این استعدادها با کارهای مفیدی همانند این گونه مراسم ها در مسیری اسلامی و اخلاقی هدفمند شوند و به ظهور برسند.

۲. در زمینه روابط خارجی حکومت اسلامی

باید گفت رسانه در فرهنگ سازی در بعد روابط خارجی حکومت اسلامی بر مبنای تولّی نیز موفق بوده است.

پرداختن همه جانبه به مسائل فلسطین، اعم از اخبار مربوطه، برنامه های کارشناسی، نگاه روز، فیلم ها و سریال های مختلف(۱) و نیز بازتاب فعالیت های حکومت اسلامی و سیاسی کشور از فلسطین، از جمله عملکردهای ارزنده رسانه اسلامی در مرتبه تولای حکومتی و دفاع از ملت ها و حکومت های تحت ستم است.

افزون بر فلسطین، عملکرد رسانه در پشتیبانی از مردم مسلمان و مظلوم عراق به ویژه پس از حمله امریکا و جنایت های وحشیانه آنها و نیز توجه به گرفتاری های ملت مظلوم افغانستان در خور ستایش است.

۱- مانند فیلم «چشم های آبی زهرا» که از سیما پخش شد.

وظیفه رسانه ملی و دینی ما از یک سو، فعالیت پی گیر و جدی برای ملموس ساختن درد و رنج مظلومان دنیاست و از سوی دیگر، انتقال هم دردی و روابط دوستانه حکومت اسلامی و مردم مسلمان به آنهاست. این وصف، ملاکی است که با آن می توان عملکرد صدا و سیما را در این مرتبه از تولّی ستود.

ارزیابی فعالیت رسانه در بحث تبرّی

۱. در زمینه روابط داخلی جامعه اسلامی

نیاز جامعه اسلامی در بعد درونی تبرّی اندک است، ولی توجه مردم به شناخت دشمنان درونی (غیرخودی ها) برای تنظیم روابطی براساس معیارهای شرعی، از کارهایی است که وظیفه رسانه ملی به شمار می آید.

در این زمینه، عملکرد صدا و سیما در توجه دادن افکار عمومی به مسائل دشمن داخلی و طرح بحث «غیرخودی ها» و مسائلی درباره آن، پس از سخنان رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۷۹ از کارهای مثبت و مفید رسانه ارزیابی می شود.(۱)

۲. در زمینه روابط خارجی حکومت اسلامی

کارنامه رسانه در این زمینه نیز اگرچه درخشان و ارزنده است، در برخی موارد عملکرد صدا و سیما باید مؤثرتر و قوی تر نمود می یافت.

از موارد کارکرد مثبت رسانه، مسئله اسرائیل، قدس، امریکا، استکبارستیزی و توجه دادن اذهان عمومی ملت های مسلمان به بیزاری و بیداری در برابر این مسائل است.

ساخت فیلم ها و سریال ها و پخش برنامه هایی که جنایت های اسرائیل در فلسطین را به تصویر می کشد، در کنار انعکاس اعتراض های روز افزون جهانی به فعالیت های جنایتکارانه امریکا و اسرائیل در جهان، از نکته های مثبت کار رسانه است.

افزون بر این، ساخت مستندهایی در زمینه حمله اخیر امریکا به عراق و تبیین

۱- برنامه های تفسیری در بیان فعالیت سیاسی دشمنان، احزاب غیراسلامی، نگاهی به رادیوهای بیگانه و... نقد منصفانه آنها از کارهای قابل تقدیر صدا و سیما در این چند سال بوده است.

هدف ها و اغراض واقعی استکبار جهانی و تمرکز تبلیغی بر مسئله عراق و آینده آن، از مواردی است که تبرّی در مرتبه حکومتی، توجیه شرعی و اخلاقی آن است.

برعکس فعالیت های شایسته تحسین، عملکرد رسانه در بحث رأی مشورتی اخیر دیوان بین المللی دادگستری در محکوم کردن ساخت دیوار حائل در سرزمین های اشغالی فلسطین از سوی رژیم اسرائیل(۱) بسیار ضعیف و کم رنگ جلوه گر شد. به دلیل صدور رأی بی سابقه از مرجعی بین المللی همانند دیوان بین المللی دادگستری (رکن قضایی سازمان ملل متحد)، بدون دخالت اغراض سیاسی و نیز به دلیل پی آمدهایی که این رأی برای اسرائیل داشت، صدا و سیما باید با برنامه ریزی و اجرای کار تبلیغی کارشناسانه و مؤثر، توجه محافل بین المللی و کشورهای مسلمان را به این نقض حقوق انسانی، بیشتر نشان می داد. با این حال، صدا و سیما تنها به پخش خبر این رأی بی سابقه بسنده کرد و این مسئله مهم بین المللی را جدی نگرفت، در حالی که این مسئله می توانست در جایگاه حکومتی تبرّی، نقش مهمی داشته باشد. روشن است که رسانه های داخلی و شبکه های برون مرزی نیز فراتر از بحث خبری، در دیگر ابعاد این

ص: ۱۰۳

۱- دیوان بین المللی دادگستری سازمان ملل متحد، در رأی مشورتی که در تاریخ ۱۰ سپتامبر ۲۰۰۳ م. به طور رسمی توسط دبیر کل سازمان ملل کوفی عنان از سوی مجمع عمومی از آن درخواست شده بود، افزون بر غیرقانونی دانستن احداث دیوار حائل در سرزمین های اشغالی فلسطین و تأکید بر نقض حقوق بین الملل بشردوستانه از سوی رژیم اسرائیل، خواستار اقدام مؤثر شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل به عنوان دو رکن اصلی سازمان در بحث صلح و امنیت بین المللی، در پایان دادن به این وضعیت غیرقانونی شد. افزون بر نکته های مثبت این رأی، وجود چند نکته نیز، بی سابقه بودن این رأی مشورتی را روشن می سازد. ۱. رأی بر اکثریت قاطع ۱۴ در برابر یک رأی مخالف در تمامی بندهابه به تصویب رسیده است؛ ۲. دیوان در قسمت ب رأی، به تخریب سازه های مربوط به دیوار با هدف رفع نقض کامل حقوق بشردوستانه حکم می دهد که این نکته در قضیه فلسطین امر بی سابقه ای است؛ ۳. رد استدلال ها و ایرادهای رژیم اسرائیل با تفسیرهای حقوقی عادلانه، چه در بخش صلاحیتی دیوان و چه در بحث ماهوی رأی، موفقیت بسیار بزرگی در مورد فلسطین است. برای مطالعه بیشتر نک: دکتر حسین طالقانی و دکتر سیرالله مرادی، خلاصه نظر مشورتی دیوان بین المللی دادگستری در مورد دیوار حائل در سرزمین های اشغالی، دانشگاه شهرکرد، مهرماه ۱۳۸۳، صص ۳۸ _ ۴۲.

مسئله می توانستند نقش پررنگ تری داشته باشند که متأسفانه به آن توجهی نشد.

پیشنهادهای برنامه سازی

۱. توسعه وتبیین کامل نظریه اسلامی تولّی و تبرّی در رابطه های اجتماعی جامعه اسلامی در رسانه های تخصصی؛

۲. پرداختن به بحث اقلیت ها و کافران ذمی از منظر تولّی و تبرّی؛ دلیل این برنامه در اهمیت و چگونگی روابط مسلمانان با این اقلیت هاست که ضروری است با کارشناسی دقیق در اولویت برنامه های صدا و سیما قرار گیرد.

۳. برگزاری میزگردهای علمی و پاسخ به پرسش های حاضران در جلسه درباره موضوع تولّی و تبرّی (پیشنهاد می شود حاضران ترکیبی از طلاب و دانشجویان باشند).

۴. استفاده از توان شبکه های استانی با تأکید بر جاذبه های قوی و همسو ساختن آنها با روابط اسلامی ـ اجتماعی، از طریق ساخت سریال ها و فیلم های منطبق با فرهنگ هر استان.

موضوع های برنامه سازی

۱. طراحی و انجام یک فرایند مستند سازی از سختی های روابط اجتماعی درونی مسلمانان و انجام تجزیه و تحلیل های مربوطه با استفاده از استادان علوم اسلامی، علوم روان شناسی رفتاری، علوم ارتباطی، به منظور آغاز یک روند فرهنگ سازی در جامعه اسلامی مبتنی بر نظریه تولّی و تبرّی.

۲. به تصویر کشیدن روابط عاطفی جامعه، روح اعتماد و ایثار در جامعه اسلامی؛ این کار می تواند در کنار مراسم جشن نیکوکاری، عاطفه ها و... یا در برنامه ای دیگر صورت پذیرد.

۳. ساخت فیلم از شخصیت و زندگی بزرگانی که می توانند در کاربردی و اجرایی ساختن هر چه بهتر نظریه تولّی و تبرّی الگو قرار گیرند. حضرت امام رحمه الله، رهبر انقلاب و... از کسانی هستند که می توانند در این زمینه الگو باشند

محورهای پیشنهادی

۱. برنامه های کودک

الف) استفاده از مجریان حرفه ای که بتوانند، حس دوست داشتن وبه فکر دیگر هم سالان بودن را به کودکان القا کنند. عمو پورنگ، به دلیل جایگاه اکتسابی در نزد کودکان در این مورد نمونه ای مؤثر است.

ب) همکاری با آموزش و پرورش و پخش برنامه های کودک مانند کارتون، برنامه عروسکی و... در مدرسه ها و یا از طریق رسانه که بتواند هرچه بیشتر احساس دل بستگی را در کودکان تقویت کند.

۲. برنامه های نوجوان و جوان

الف) بیان مطالب و مفاهیم تولّی و تبرّی از زبان جوان و یا نوجوان، به دلیل نزدیکی سنی، در سرعت انتقال و اثرپذیری تا حد زیادی تأثیر می گذارد.

ب) استفاده از جذابیت های روابط دوستانه و علقه های روحی، به دلیل شدت این علاقه ها در جوانی و نوجوانی، برای تفهیم و انتقال مفاهیم تولّی و تبرّی.

۳. برنامه های ورزشی

الف) به تصویر کشیدن شرکت شخصیت های مشهور ورزشی در جشن عاطفه ها، نیکوکاری و کمک به ایتام و...

ب) ساخت مستند از روابط دوستانه و برادرانه برخی افراد ورزشکار.

ج) تبلیغ صحنه ها و کارهای اخلاقی ورزش کاران که مصداق هایی از تولّی و تبرّی است. برای نمونه، درشت نمایی حضور نیافتن برای مسابقه با ورزش کاران رژیم اسرائیل و امریکا.

۴. برنامه های سیاسی

الف) تبیین سیاست کشور اسلامی بر مبنای تولّی و تبرّی و پاسخ به شبهه هایی در جامعه علمی، با حضور کارشناسانی در برنامه های میزگردی یا گفت وگوهای دو نفره

ص: ۱۰۵

علمی و استفاده از تمامی نظریه های موافق و مخالف برای جمع بندی و پاسخ گویی به شبهه ها.

ب) پخش سمینارها و همایش های علمی که در مورد مسائل مرتبط با تولّی و تبرّی از بعد سیاسی در کشور برگزار می شود. به عنوان نمونه، همایش های فلسطین و جایگاه آن در دیپلماسی کشور از این جمله است.

۵. برنامه های طنز

الف) استفاده نکردن از واژگان نامتعارف و همراه با استهزا و تمسخرآمیز در گفت وگوهای شخصیت های طنز؛ پخش نکردن روابط ناسازگار با تولای اسلامی، مانند: دروغگویی، تهمت، زیرآب زنی، یاوه گویی، توهین، چاپلوسی، رشوه خواری و ارائه رفتار صحیح و سازگار با آموزه های تولّی و تبرّی میان زن و شوهر، پدر و فرزند، خویشاوندان، همسایگان و... در برنامه های طنز.

ب) توهین نکردن به شغل، حرفه، شخص، اقلیت و صنف و... در برنامه های طنز حتی بنا بر شوخی و خنداندن دیگران.

پرسش های مردمی

۱. معنا و مفهوم تولّی و تبرّی چیست؟

۲. آیا در رفتارهای اجتماعی کنونی مسلمانان با همدیگر، از این آموزه پیروی می شود؟

۳. آیا می توانید از سیره علوی علیه السلام مصداق هایی از تولّی یا تبرّی ذکر کنید؟

۴. نقش تولّی و تبرّی در زندگی فردی مسلمانان چیست؟

۵. پشتیبانی از ملت های مسلمان و مظلوم دنیا، براساس چه آموزه ای از احکام اسلام صورت می پذیرد؟

۶. دشمنی با حکومت های استکباری و ظالم براساس کدام یک از آموزه های دینی انجام می شود؟

پرسش های کارشناسی

۱. رابطه تولّی و روابط درونی مسلمانان بر مبنای آن، از دید اسلامی چگونه توصیف می شود؟

۲. آسیب های احتمالی در بعد حکومتی این دو آموزه را بیان کنید؟

۳. تبرّی از کافران و دشمنان حق و خدا، با مسائلی همانند حقوق بشر، برابری حقوقی افراد بشر و... چگونه قابل جمع است؟

۴. اصول تبرّی در بعد حکومتی را بیان کنید؟

۵. جمهوری اسلامی در بحث تولّی و تبرّی از بعد حکومتی با چه موانعی می تواند روبه رو شود؟

۶. راهکار عملی حکومت در تبرّی از دشمنان در برخورد با موانع چیست؟

۷. تولّی به معنای اخص در اسلام به چه مفهومی کاربرد دارد؟

۸. اهمیت تولّی و تبرّی را در جامعه اسلامی در بعد حکومتی و سیاسی تبیین کنید؟

ص: ۱۰۷

کتاب نامه

اشاره

* قرآن.

* نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی.

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۴.

۲. الحنبلی، القاضی ابن یعلی محمد بن الحسین، الاحکام السلطانیه، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۶ ه . ق.

۳. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، انتشارات کتاب فروشی اسلامیه، چاپ شانزدهم، ۱۳۷۷.

۴. انیس، ابراهیم و دیگران، المعجم الوسیط، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۷۸.

۵. بررسی، شناخت و راهکارها، خودی و غیرخودی ها، مؤسسه قدر ولایت، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۶. بوتـان، کارل و وینسـنت، هزلتون، نظریه های روابط عمومی، ترجمه: علی رضا دهقان، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۷. تحلیل پیرامون تجارت، تجربه عملی پیوستن برخی از کشورها به سازمان تجارت جهانی و آثار اقتصادی الحاق ایران به آن، وزارت اقتصاد و دارایی، معاونت امور اقتصادی.

۸. توحیدی، امیر، خطبه غدیریه، انتشارات زراره، چاپ پنجم، ۱۳۸۱.

۹. جعفری، سید محمد مهدی، پرتوی از نهج البلاغه، سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۴.

۱۰. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ یازدهم، ۱۳۸۰.

۱۱. حجّت، سـیدصادق، مسـئولیت هـای فراملّی در سـیاست خـارجی دولـت اسـلامی، مرکز تحقیقـات استراتژیـک ریاسـت جمهوری، معاونت اندیشه اسلامی، ۱۳۷۶.

۱۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۶ ه . ق.

۱۳. حکیم، سید محمدسعید، منهاج الصالحین، بیروت، انتشارات دارالصفوه، ۱۴۱۵ هـ .ق.

۱۴. خامنه ای، سید علی، اجوبه الاستفتائات، دفتر نماینده گی مقام رهبری در امور افغانستان، چاپ ششم، بی تا.

۱۵. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ لغت دهخدا، مرکز انتشارات دانشگاه تهران، دوره جدید، ۱۳۷۳.

۱۶. دهشیری، محمدرضا، درآمدی بر نظریه سیاسی اسلام، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ

دوم، ۱۳۸۰.

۱۷. ______________________________، درآمدی بر نظریه سیاسی حضرت امام خمینی رحمه الله، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۰.

۱۸. ری شهری، محمد، موسوعه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام ، مؤسسه دارالحدیث، الطبعه الاولی، ۱۴۲۱ ه . ق.

۱۹. ______________________________، میزان الحکمه، مؤسسه دارالحدیث، المطبعه الثانی، ۱۴۱۹ ه_ .ق.

۲۰. زین الدین، شیخ محمد امین، کلمه التقوی، چاپ مهر، ۱۴۱۳ ه . ق.

۲۱. شکوری، ابوالفضل، فقه سیاسی اسلام، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷.

۲۲. شهید ثانی، الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه، ۱۳۷۹.

۲۳. شیخ طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، به کوشش: محمدتقی کشفی، بی جا، بی نا، ۱۳۸۷.

۲۴. صرامی، سیف الله ، احکام مرتد از دیدگاه اسلام و حقوق بشر، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۷۶.

۲۵. طالقانی، حسین و سید الله مرادی، خلاصه نظر دیوان بین المللی دادگستری، دانشگاه شهرکرد، ۱۳۸۳.

۲۶. طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی.

۲۷. ______________________________، روابط اجتماعی در اسلام، ترجمه: جواد حجتی کرمانی، مؤسسه انتشارات بعثت، بی تا.

۲۸. علامه حلی، قواعد الاحکام، منشورات رضی، چاپ سنگی، بی تا.

۲۹. عمید، حسن، فرهنگ لغت فارسی، تهران، انتشارات ابن سینا، چاپ بیست و یکم، ۱۳۶۱.

۳۰. عمید زنجانی، فقه سیاسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶.

۳۱. فیرحی داود، الهیات اسلامی(۱)، مبانی فقهی مشارکت سیاسی، درآمدی بر اندیشه سیاسی اسلامی (مجموعه مقالات)، مرکز مطالعات فرهنگی ـ بین المللی، چ اول، ۱۳۷۸.

۳۲. قربان نیا، ناصر، اخلاق و حقوق بین الملل، پژوهش گاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی (سمت)، چاپ نخست، ۱۳۷۸.

.٣٣

ص: ١٠٩

۱۳۸۰.

۳۴. متولی، سیدمحمد، احوال شخصیه بیگانگان در ایران، انتشارات ساز و کار، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۳۵. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.

۳۶. محقق حلی، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تهران، تحقیق: سیدصادق شیرازی، انتشارات استقلال، چاپ هشتم، ۱۴۰۹ هـ . ق.

۳۷. مطهری، مرتضی، ولاء و ولایت ها، قم، انتشارات صدرا، چاپ یازدهم، ۱۳۷۶.

۳۸. معلوف، لویس، المنجد الابجدی، طهران، مؤسسه الفقیه، چاپ اول، ۱۳۶۳.

۳۹. مغنیه، محمدجواد، فقه الامام الصادق، عرض و استدلال، قم، انتشارات انصاریان، الطبعه الثانیه، ثلاث مجلات، ۱۴۲۳.

۴۰. ________________، فقه تطبیقی مذاهب پنج گانه، ترجمه: کاظم پورجوادی، انتشارات دانشمند، ۱۳۶۶.

۴۱. موسوی بجنوردی، سید محمد، القواعد الفقهیه، چاپ و نشر عروج، چاپ سوم، ۱۳۷۹.

۴۲. موسوی خمینی رحمه الله، سید روح الله، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی تا.

۴۳. ________________، صحیفه امان، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، چاپ سوم، ۱۳۷۹.

۴۴. مهرپور، حسین، دیدگاه های جدید در مسائل حقوقی، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۲.

۴۵. میرزای قمی، جامع الشتّات، تهران، مؤسسه کیهان، چاپ اول، ۱۴۱۳.

۴۶. نجفی، محمد حسن، معجم فقه الجواهر، مؤسسه دائره معارف الفقه الاسلامی، چاپ دوم، المطبعه یاران، ۱۴۲۲ هـ . ق.

۴۷. نهج البلاغه، ترجمه: محمدتقی جعفری، انتشارات کرامت، چاپ اول.

۴۸. هاشمی، سیدمحمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴.

نشریه

۴۹. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۲/۲/۷۸.

۵۰. روزنامه رسالت، ۱۷/۶/۷۹ و ۶/۱۰/۷۹.

۵۱. نامه مفید، دانشگاه مفید قم، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۸۰.

۵۲. نشریه مجله پزشکی کوثر، شماره ۱۹.

ص: ۱۱۰

۵۳. نشریه معرفت، شماره ۳۹.

۵۴. نشریه زائر، شماره ۷۱.

ص: ۱۱۱

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹